



شالوده‌های ایمان مسیحی
بر پایه کتاب مقدس

درک انضباط

روزه‌داری

پل دیوید واشِر

درک انضباط

روزه‌داری

پل دیوید واکس

«روزه‌داری یک انضباط روحانی مهم بر مبنای کتاب مقدس است که هم در خلوت و هم در جمع به جای آورده می‌شود. حال آنکه، امروزه، این انضباط روحانی به دست فراموشی سپرده شده است، گویی روزه گرفتن یکی از آداب زهد و پرهیزکاری و ریاضتی سخت و شدید است که ما که به بلوغ روحانی رسیده‌ایم دیگر به آن احتیاجی نداریم. در این کتاب، که وجود آن بسیار لازم و ضروری است، پل واشر، با مطالعه و بررسی مفید و پربار کتاب مقدس، ما را در مسیری اندیشمندانه و ژرف هدایت می‌کند و به ما نشان می‌دهد روزه گرفتن در راستای ارادهٔ مکشوف خدا چگونه می‌باشد. دعا می‌کنم خدا به وسیلهٔ این کتاب، با قدرت فراوان، به انضباط روحانی روزه‌داری و جایگاه صحیح آن در زندگی هزاران ایماندار جان تازه‌ای ببخشد.»

- دکتر جول بیکی، رییس دانشگاه الهیات اصلاح‌یافتهٔ خالصان

«باعث افتخار و خوشحالی من است که با این کتاب آشنا شدم! ولی جای تأسف است که با وجود سود و فایدهٔ بی‌شمار روحانی و برکتی که روزه‌داری به همراه دارد، اگر که آن را درست درک نماییم، اما برای بسیاری از کلیساها روزه‌داری به آدابی نامحبوب و ناراحت‌کننده تبدیل شده است. این کتاب اثری است که با چیره‌دستی، جامع و کامل، به این موضوع می‌پردازد و به دقت تعادل را رعایت می‌کند تا از هرگونه اشتباه و زیاده‌روی، که گاه در چنین آدابی به چشم می‌آید، خودداری نماید. خدا را شکر که مرا با این اثر ارزشمند آشنا کرد تا خودم، شخصاً، از آن برکت بگیرم و آن را از صمیم قلب به هر فرزند خدا که مشتاق است در جادهٔ ایمانش جدی و هشیار و بیدار گام بردارد توصیه کنم.»

- استیون لی، بنیان‌گذار سازمان SermonAudio

«در مشهورترین موعظه‌اش، عیسی مسیح به شاگردانش می‌فرماید: «چون روزه دارید.» پس فرض بر این است که شاگردان مسیح این انضباط روحانی را به جای می‌آورند. با این حال، در این دوره و زمانه، بسیاری فرض را بر این قرار می‌دهند که رسم روزه‌داری در کنار منجی ما در قبر آرامید، اما همراه با او از قبر بیرون نیامد. پل واشر نور سوزان و درخشان کتاب مقدس را بر این طرز فکر اشتباه می‌تاباند و آن را محک می‌زند که نتیجه‌اش می‌شود مفیدترین و مختصرترین کتابی که دربارهٔ انضباط روزه‌داری بر مبنای کتاب مقدس تاکنون مطالعه کرده‌ام. جان کلام این کتاب در این باره است که چگونه زندگی‌مان در ایمان به مسیح، به کمک انضباط روزه‌داری، مقدس و پرحرارت و دگرگون شده به قوت روح القدس باشد و چطور به این سبک زندگی پایبند بمانیم. این کتاب را دعاگویان مطالعه کنید، این کتاب را با دقت و با حواسی جمع در زندگی‌تان به کار بگیرید، و بر مبنای این کتاب، با همهٔ وجودتان، برای جلال مسیح زندگی کنید. محال است این کتاب را بدین شکل بخوانید و روح و جانتان از آن برکت نگیرد.»

- جف پولارد، شبان کلیسای کوه صهیون و سردبیر فصل‌نامهٔ Free Grace Broadcaster

UNDERSTANDING THE DISCIPLINE OF **FASTING**

Copyright © 2020 Paul David Washer

All rights reserved. No part of this book may be used or reproduced in any manner whatsoever without written permission except in the case of brief quotations embodied in critical articles and reviews. Direct your requests to the publisher at the following address.

Originally published in English by:

HeartCry Missionary Society

PO Box 3506

Radford, VA 24143

www.heartcrymissionary.com

درک انضباط روزه‌داری

© پل دیوید واشر

همه حقوق برای نویسنده محفوظ است.

سال انتشار: دسامبر ۲۰۲۱

ترجمه، ویرایش، نمونه خوانی، صفحه‌آرایی: انجیل بنیاد راستی

Email: EnjilBonyadeRasti@gmail.com

Telegram: <https://t.me/EnjilBonyadeRasti>

Instagram: [instagram.com/EnjilBonyadeRasti](https://www.instagram.com/EnjilBonyadeRasti)

درک انضباط روزه‌داری

فهرست

مقدمه

۹

درک انضباط روزه‌داری

۱۵

فصل ۱: پیش‌گفتار دربارهٔ روزه‌داری

۲۱

فصل ۲: ایماندار و روزه‌داری

۲۷

فصل ۳: روزه‌داری شوق دل است

۳۱

فصل ۴: روزه‌داری با نگاه به بالا (بخش اول)

۳۷

فصل ۵: روزه‌داری با نگاه به بالا (بخش دوم)

۴۱

فصل ۶: روزه‌داری با نگاه به درون (بخش اول)

۴۹

فصل ۷: روزه‌داری با نگاه به درون (بخش دوم)

۵۵

فصل ۸: روزه‌داری با نگاه به درون (بخش سوم)

۵۹

فصل ۹: روزه‌داری با نگاه به بیرون

۶۷

فصل ۱۰: محفل مقدس (بخش اول)

۶۹

فصل ۱۱: محفل مقدس (بخش دوم)

۷۷

فصل ۱۲: محفل مقدس (بخش سوم)

۸۱

فصل ۱۳: هشدارها و وعده‌ها

۸۹

فصل ۱۴: مراقبت‌ها و احتیاط‌ها

۹۳

پی‌نوشت: راهنمای کاربردی برای روزه‌داری

روژهٔ فردی و خوار کردن خویشتن

۹۷

فصل ۱: مروری بر روزهٔ فردی و خوار کردن خویشتن

۱۰۳

فصل ۲: تأیید الهی برای روزهٔ فردی و خوار کردن خویشتن

۱۰۷

فصل ۳: فراخوان مشیت الهی به روزهٔ فردی و خوار کردن خویشتن

درک انضباط روزه‌داری

مقدمه

روش مطالعه

هدف اصلی این کتاب چیزی جز این نمی‌باشد که شاگردان کتاب مقدس به وسیله کلام خدا با خدا روبه‌رو شوند. شالوده کتاب حاضر بر این حقیقت بنا است که کتاب مقدس الهام خدا و کلام خطاناپذیر خدا است. این کتاب به شکلی طراحی شده است که واقعاً محال است شاگردان بتوانند با کتاب مقدس بسته در مطالعه این کتاب پیش روند. هدف این است که خوانندگان این کتاب از اندرز پولس رسول در رساله دوم تیموتائوس ۱۵:۲ اطاعت نمایند:

«و سعی کن که خود را مقبول خدا سازی، عاملی که خجل نشود و کلام خدا را به خوبی انجام دهد.»

کتاب «درک انضباط روزه‌داری» با تکیه بر کلام خدا بر دیدگاه‌های زیان‌بار درباره روزه‌داری خط باطل می‌کشد و به دانش‌آموزان کتاب مقدس نشان می‌دهد این انضباط روحانی عالی و بی‌نظیر چقدر مفید و مددکار است! در هر فصل، شاگردان می‌توانند به پرسش‌ها پاسخ دهند و با توجه به آیاتی که پیش‌روی آنها قرار دارد تمرین‌ها را انجام دهند. به شاگردان انگیزه داده می‌شود بر آیات مورد نظر تفکر و تأمل نمایند و توضیحات خود را شرح دهند. هر قدر شاگردان برای مطالعه و کندوکاو در مطالب این کتاب وقت صرف کنند، از آن بهره بیشتری می‌برند. اگر بدون اندیشیدن به حقایق نامبرده فقط به پرسش‌ها پاسخ دهند و بدون آنکه معنا و مفهوم آنها را تشخیص دهند فقط تمرین‌ها را به صورت یک تکلیف انجام دهند، قطعاً این کتاب نمی‌تواند کمک زیادی به آنها بنماید.

کتاب «درک انضباط روزه‌داری» در اصل مطالعه‌ای بر پایه کتاب مقدس است و شامل عکس‌ها و تصویرهای رنگی، داستان‌های قشنگ و جذاب، یا حتی تفسیرهای الهیاتی نمی‌باشد. خواسته دل نویسنده این بوده است که منبعی تهیه نماید تا خوانندگان را به سوی کتاب مقدس راهنمایی نماید، تا کلام خدا سخن گوید و بس.

این کتاب تمرین و آزمون برای مطالعه شخصی، مطالعه در گروه‌های کوچک بررسی کتاب مقدس، یا کلاس‌های آموزشی روزهای یک‌شنبه مفید خواهد بود. پیشنهاد می‌شود شاگردان پیش از شرکت در کلاس‌ها و جلسه‌های آموزشی شاگردسازی تمرین‌ها و پرسش‌های هر فصل را خودشان به تنهایی انجام دهند و سپس در جمع یا با راهنمایی آموزگارشان تمرین‌ها را مطالعه و بررسی نمایند.

توصیه به شاگردان

شاگردان را تشویق می‌کنیم که آموزه‌های کتاب مقدس را مطالعه نمایند و جایگاه والای این آموزه‌ها را در زندگی خود کشف نمایند. ایماندار واقعی نمی‌تواند غریبه بودن احساس و عقل را تحمل کند یا با این غریبگی به حیاتش ادامه دهد. ایماندار واقعی نمی‌تواند غریبه بودن سرسپردگی به خدا و آموزه شناخت خدا را تحمل کند یا با این غریبگی به حیاتش ادامه دهد. به فرموده کتاب مقدس، نه احساسات ما و نه تجربه‌های ما می‌توانند شالوده و زیربنای زندگی مسیحی ما باشند. فقط حقایق کتاب مقدس، که از طریق مطالعه آموزه‌ها و تعالیم کلام خدا به ما منتقل شوند و آنها را با عقل و هوشمان درک نماییم، می‌توانند زیربنای محکمی باشند تا باورهای ما و رفتار و کردار ما و تشخیص اعتبار و اصالت احساسات و تجربه‌های ما بر آن شالوده استوار گردد. ذهن دشمن دل نیست و آموزه‌ها مانع و سد راه سرسپردگی ما نیستند. این دو امر، هر دو، ضروری و

لازم هستند و نباید آنها را از هم جدا نمود. کتاب مقدس به ما امر می‌نماید با همه دل و جان و فکرمان خداوند خدای خود را دوست بداریم (متی ۲۲: ۳۷) و خدا را هم در روح و هم در راستی پیروستیم (یوحنا ۴: ۲۴). مطالعه آموزه‌های کتاب مقدس هم یک انضباط عقلانی است و هم انضباطی ناشی از عشق و سرسپردگی. مطالعه آموزه‌ها کاوشی شورمندانه برای خدا است و همواره باید شاگردان کلام خدا را به نقطه‌ای برساند که به تغییر و تحول روحانی آنها و به اطاعت و پرستش از صمیم قلب ختم شود. بنابراین، شاگردان باید حواسشان باشد و در دام این اشتباه چشمگیر گرفتار نشوند که فقط بخواهند دانش بیندوزند، بی‌آنکه شخصاً خدا را بشناسند. نه وقف و سرسپردگی که دانش و معلومات در آن جای نداشته باشد فایده دارد و نه فقط دانش اندوختن و ذهن را از اطلاعات پُر ساختن سودمند است. در هر دو حالت، جای خدا خالی است.

ترجمه کتاب مقدس، معروف به ترجمه قدیم

برای انجام تمرین‌های این کتاب، لازم است از ترجمه فارسی کتاب مقدس، معروف به «ترجمه قدیم»، استفاده شود. ترجمه قدیم را به این دلایل انتخاب کرده‌ایم: (۱) اعتقاد و باور راسخ و استوار مترجم‌های این ترجمه که باور داشتند کتاب مقدس کلام خطاناپذیر خدا است؛ (۲) امانت و وفاداری این ترجمه به زبان‌های اصلی آن.

کلامی از نویسنده

اینکه ادعا کنیم حتی در جزیی‌ترین موضوعات کتاب مقدس کارشناس و کاردان هستیم نشانه غرور و تکبر است و نمودار جهالت و نادانی. این اصل در مورد خواندن کتاب مقدس در خلوت و دعا و روزه‌داری فردی نیز صادق است. هنوز کسی را ندیده‌ام که غصه‌دار باشد که چرا زمانی طولانی را در خلوتگاه دعا و روزه و مطالعه کتاب مقدس سپری می‌کند. حال آنکه، اشخاص بی‌شماری را می‌شناسم (از جمله خودم) که تأسف می‌خورند چرا زمان بیشتری را در خلوتگاه دعا و روزه و مطالعه کتاب مقدس سپری نمی‌کنند. انگار همه ما این قابلیت را داریم که مانند مارتا باشیم که «در چیزهای بسیار اندیشه و اضطراب» دارد، در حالی که از «آن نصیب خوب» که مریم اختیار کرده غافل مانده است (لوقا ۱۰: ۴۱-۴۲).

اکنون، که اینها را توضیح دادم، می‌توانم انگیزه یا دلیل را برای نوشتن این کتاب درباره روزه‌داری بیان کنم. به سه انگیزه یا دلیل، این کتاب را نوشتم. انگیزه یا دلیل اول این است که انضباط روزه‌داری یک رسم و آیین بر مبنای کتاب مقدس است که هم عهدعتیق و هم عهدجدید از آن نام می‌برد. انگیزه یا دلیل دوم این است که بسیاری از ایمانداران، پیر و جوان، سال‌ها است درباره جایگاه درست روزه‌داری در زندگی مسیحی و چگونگی انجام آن از من سوال داشته‌اند. انگیزه یا دلیل سوم این است که در مورد این موضوع اطلاعات اندکی در دسترس است.

چقدر خوب است که قوم خدا همچنان مطالعه کتاب مقدس و دعا را انضباطی اساسی و زیربنایی برای زندگی مسیحی به حساب می‌آورند و کسانی را که به این انضباط‌ها امین و پایبند هستند اشخاصی با حکمت و شریف می‌دانند. اما جای بسی تأسف است که بسیاری از مسیحیان در این دوره و زمانه در مورد روزه‌داری دیدگاه بسیار اشتباهی دارند: روزه‌داری را سنتی بازمانده از گذشته می‌دانند که فقط مسیحیان نخبه و دستچین توانایی به جای آوردن آن را دارند! یا (از همه بدتر اینکه) روزه‌داری را به چشم یک رسم و سنت زیان‌بار نگاه می‌کنند که فقط متعصبان و افراطیان مذهبی، که معتقدند بی‌اعتنایی به بدنمان تنها مسیر رسیدن به قدوسیت واقعی است، به آن علاقه دارند. من این کتاب را نوشته‌ام تا چنین دیدگاه‌های اشتباهی را بر ملا کنم و قوم خدا را یاری برسانم تا انضباط روزه‌داری و جایگاه درست آن را در زندگی مسیحی درک نمایند.

در پایان، قدردان همسرم، چارو، هستم که بجا و به موقع تشویق‌گر من بوده است. متشکرم از چهار فرزندم (ای‌آن، ایوان، رووان، بران‌وین) که همواره برای من برکتی بزرگ هستند. از همکارم، آقای فورست هایت، در سازمان HeartCry سپاسگزارم که

متن این کتاب را با دقت و کوشایی ویرایش نموده و بر صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی و طراحی این کتاب نظارت داشته است. زحمات او برای شیواتر و خواناتر نمودن این کتاب بسیار شایان توجه و قابل تقدیر است. از همه همکارانم در سازمان HeartCry نیز کمال تشکر را دارم که در مرحله به مرحله نوشتن و انتشار این کتاب موجب تشویق و دلگرمی من بودند.

کلامی از ویرایشگر

در پایان این کتاب، بخش کوتاهی را به اثری از توماس بوستون اختصاص داده‌ایم. توماس بوستون الهیدان اهل اسکاتلند است و برای نویسنده (پل واشِر) و ویرایشگر (خودم، فورست هایت) بسیار ارجمند و محترم می‌باشد. «روزه‌داری فردی و خوار کردن خویشتن» نسخه کوتاه‌شده کتابی است با این عنوان: «یادبودی درباره روزه‌داری فردی و خانوادگی و خوار کردن خویشتن» که البته به زبان امروزی ویرایش شده و خودش بخشی از مجموعه‌ای است به نام «کل آثار به قلم بوستون» (جلد یازدهم). درباره روزه‌داری آثار ادبی اندکی وجود دارند. برای ما آسان نبود کتاب‌هایی را برای دانش‌آموزان کتاب مقدس پیدا کنیم تا به پیشرفت آنها در مطالعه و بررسی این انضباط روحانی کمک کند. از این رو، تصمیم گرفتیم مطلب مختصری را که توماس بوستون درباره این موضوع نوشته است در این کتاب قرار دهیم تا بتوانیم تا حدودی این مشکل را برطرف نماییم. دسترسی به این نوشته توماس بوستون آسان نبود، چون این نوشته مختصر در مجموعه‌ای به نام «کل آثار به قلم بوستون» پنهان شده بود! امیدواریم اکنون، که بر این اثر ادبی کهن نور تابانده‌ایم، باعث برکت بسیاری باشد.

زمانی که تصمیم گرفتیم «روزه‌داری فردی و خوار کردن خویشتن» را در پایان این کتاب قرار دهیم، احساس کردیم لازم است متن این اثر را خواناتر و شیواتر گردانیم. کتاب «درک انضباط روزه‌داری» به قلم پل واشِر، در کنار سایر مجموعه کتاب‌های او در زمینه شالوده‌های ایمان مسیحی بر پایه کتاب مقدس، به سبکی نوشته شده‌اند که تا جایی که ممکن است برای دانش‌آموزان کتاب مقدس، از هر پیش‌زمینه‌ای، ساده و خوانا و قابل درک باشد. اما توماس بوستون اثر ادبی خودش را در ابتدای قرن هجدهم میلادی به قلم درآورده و بدیهی است که درک دایره واژگان و لحن کلام او برای خوانندگان امروزی دشوار می‌باشد. از این جهت، دست به قلم گرفتم و واژگان را ساده و جمله‌ها را کوتاه کردم تا به زبان امروزی شیوا و شفاف باشد. البته، بی‌آنکه معنا و مفهوم متن را تغییر دهیم، به هدف شفاف‌سازی، لحن کلام این متن را ساده نمودیم. در واقع، تا جایی که ممکن بود سعی کردیم واژگان و عبارت‌ها و جمله‌ها را کمتر تغییر دهیم و بسیار با دقت و احتیاط پیش رفتیم تا بتوانیم به منظور نویسنده امین بمانیم، تا مبدا معنا و مفهوم متن را تغییر دهیم.

در پایان هر سه فصل نیز پرسش‌هایی را مطرح نمودم که فرصتی باشد برای شاگردان تا بتوانند توضیحات لازم را شرح دهند و همچنین ساختار کتاب نیز حفظ شود. دعا می‌کنم و امیدوارم «روزه‌داری فردی و خوار کردن خویشتن» مفید و بناکننده باشد برای همه کسانی که کتاب «درک انضباط روزه‌داری» را مطالعه می‌کنند.

منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

Sanctify the Congregation by Richard Owen Roberts (and others)

Personal Fasting and Humiliation by Thomas Boston (included)

“A Desperate Case—How to Meet It” [sermon] by Charles H. Spurgeon

Sermons 98 and 99: The Duty, the Benefits, and the Proper Method of Religious Fasting by Samuel Miller

The Doctrine of Fasting and Prayer and Humiliation for Sin by Arthur Hildersham (for advanced students)

برنامه‌ریزی برای مطالعه (دلبخواهی)

درک انضباط روزه‌داری

هفته اول: مقدمه‌ای بر روزه‌داری، و روزه‌داری با نگاه به بالا

روز اول: فصل ۱

روز دوم: فصل ۲

روز سوم: فصل ۳

روز چهارم: فصل ۴

روز پنجم: فصل ۵

هفته دوم: روزه‌داری با نگاه به درون

روز اول: فصل ۶، بخش ۱

فصل ۶، بخش ۲، نکته اصلی ۱

روز دوم: فصل ۶، بخش ۲، نکته‌های اصلی ۲-۴

روز سوم: فصل ۷

روز چهارم: فصل ۸

روز پنجم: مرور متن، همراه با دعا

هفته سوم: روزه‌داری با نگاه به بیرون، و محفل مقدس

روز اول: فصل ۹، بخش ۱

فصل ۹، بخش ۲

فصل ۹، بخش ۳، نکته‌های اصلی ۱-۲

روز دوم: فصل ۹، بخش ۳، نکته‌های اصلی ۳-۵

فصل ۹، بخش ۴

روز سوم: فصل ۱۰

فصل ۱۱، بخش ۱، نکته‌های اصلی ۱-۲

روز چهارم: فصل ۱۱، بخش ۱، نکته‌های اصلی ۳-۷

روز پنجم: فصل ۱۱، بخش ۲

فصل ۱۲

هفته چهارم: راهنمایی گرفتن از کتاب مقدس در خصوص روزه‌داری

روز اول: فصل ۱۳، بخش ۱

روز دوم: فصل ۱۳، بخش‌های ۲-۳

روز سوم: فصل ۱۴

روز چهارم: پی‌نوشت

روز پنجم: مرور متن، همراه با دعا

هفته پنجم: روزه فردی و خوار کردن خویشتن

- روز اول: فصل ۱ (همراه با پرسش جهت مرور متن)
روز دوم: فصل ۲ (همراه با پرسش جهت مرور متن)
روز سوم: فصل ۳، بخش ۱ (همراه با پرسش‌های ۱-۲)
روز چهارم: فصل ۳، بخش ۲ (همراه با پرسش ۳)
روز پنجم: مرور متن، همراه با دعا

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۱: پیش‌گفتار درباره روزه‌داری

روزه گرفتن به چه معنا است؟

در سراسر کتاب مقدس، روزه گرفتن به معنای پرهیز از خوردن و آشامیدن برای مدتی معلوم است، به این هدف که زمان روزه‌داری را وقف نیایش و پرستش خدا نماییم. از اصول اولیه و اساسی روزه‌داری این هم می‌تواند باشد که برای مدتی خاص از یک سری فعالیت‌ها و مناسبت‌ها یا لذت‌ها و خوشی‌های موقت دوری کنیم تا بتوانیم به خدا نزدیک‌تر شویم. به عبارتی، مشارکت و همنشینی با دیگران را کنار بگذاریم و وقتمان را در خلوت با خدا سپری نماییم. همچنین می‌توانیم از خواب شبانه چشم‌پوشیم و به دعا و نیایش و پرستش شبانگه‌ای مشغول شویم. می‌توانیم از کار و فعالیت روزانه یا وقت‌گذرانی و عادت و سرگرمی خاصی خودداری کنیم و آن زمان‌ها را وقف خدا گردانیم.

نمونه‌های روزه‌داری در کتاب مقدس

در ادامه، به فهرستی تقریباً جامع و کامل از آیاتی می‌پردازیم که به روزه‌داری اشاره دارند. همچنین این فهرست شامل آیاتی است که غیرمستقیم به روزه‌داری اشاره می‌کنند، برای نمونه، آیاتی که توصیف‌گر گرسنگی یا عطش برای خدا می‌باشند. دعاگویان، این فهرست را مطالعه نمایند.

لاویان ۲۹:۱۶، ۳۱: در روز کفاره، به قوم اسرائیل حکم شده بود خود را فروتن و جان‌های خود را ذلیل گردانند. این عبارت بیانگر خودانکاری است و معمولاً با روزه‌داری همراه است (مزمور ۱۳:۳۵؛ اشعیا ۳:۵۸؛ عزرا ۸:۲۱). کتاب لاویان ۲۳:۲۷-۲۹ و اعمال رسولان ۹:۲۷ را نیز مشاهده نمایید.

خروج ۱۲:۲۴-۱۸: زمانی که موسی برای گرفتن لوح‌های سنگی شریعت به کوه سینا می‌رود، چهل شبانه‌روز در آنجا روزه می‌گیرد (تثنیه ۹:۹).

خروج ۲۷:۳۴-۲۸: زمانی که موسی برای گرفتن لوح‌های شریعت برای دومین بار به کوه سینا می‌رود، چهل شبانه‌روز بر فراز کوه سینا روزه می‌گیرد تا برای قوم سرکش اسرائیل شفاعت کند (تثنیه ۹:۱۷-۱۹؛ ۱۰:۱۰).

داوران ۲۶:۲۰-۲۸: قوم اسرائیل در نبرد با طایفه بنیامین روزه می‌گیرند و از خداوند مشورت می‌خواهند.

اول سمویل ۶:۱-۱۱: حنا روزه می‌گیرد و به درگاه خدا دعا می‌کند تا خدا رَحِم او را بگشاید و به او پسری عطا کند.

اول سمویل ۷:۶-۸: قوم اسرائیل در مِصْفه روزه می‌گیرند و توبه می‌کنند و از خداوند تقاضا می‌نمایند آنها را نجات بخشد.

اول سموئیل ۱۱:۳۱-۱۳: مردان شجاع یابیش جلعاد برای مرگ شائول پادشاه و پسرانش و بی‌حرمتی به آنها به سوگ می‌نشینند و روزه می‌گیرند.

دوم سموئیل ۱۱:۱-۱۲: داوود و همراهانش برای مرگ شائول، یوناتان، و آنانی که در جنگ با فلسطینیان به زخم شمشیر کشته شدند به سوگ می‌نشینند و روزه می‌گیرند.

دوم سموئیل ۱۵:۱۲-۲۳: داوود روزه می‌گیرد تا خدا رحم کند و پسر داوود را که خدا به نشانهٔ داوری به بیماری سختی مبتلا نموده بود شفا دهد.

اول پادشاهان ۹:۲۱-۱۳: ایزابل و آخاب، با روزه گرفتن، در حضور خدا به تقوا و دین‌داری تظاهر می‌کنند و دسیسهٔ کشتن نابوت را پشت نقاب پارسایی و پرهیزکاری پنهان می‌سازند.

اول پادشاهان ۲۰:۲۱-۲۹: پس از شنیدن خبر داوری خدا از زبان ایلیا، آخاب پادشاه، با روزه‌داری، خود را در حضور خدا فروتن می‌کند.

دوم تواریخ ۱:۲۰-۴: یهوشافاط پادشاه و شهروندان یهودا روزه می‌گیرند تا از تهدید جنگ از سوی موآبیان، عمونیان، و معونیان رهایی یابند.

عزرا ۸:۲۱-۲۳: عزرا و کسانی که همراه با او در تبعید به سر می‌بردند، با روزه گرفتن، خود را در حضور خدا فروتن می‌کنند تا خدا آنها را به سلامتی از نهر آهوا عبور دهد و به اورشلیم برساند.

نحمیا ۱:۲-۸:۱۱: نحمیا برای جمعی که در اورشلیم دردمند و پریشان‌خاطر و گرفتار مصیبت بودند به سوگ می‌نشیند و روزه می‌گیرد. در این روزه‌داری، نحمیا گناهان قوم اسرائیل را اعتراف و از خدا تمنای رحمت می‌کند و تقاضایش این است که اردشیر پادشاه نظر لطف خود را از آنها دریغ ندارد.

نحمیا ۸:۱۸؛ ۹:۱-۳: قوم اسرائیل در محفل مقدس، همگی، روزه می‌گیرند تا به شریعت خدا گوش بسپزند و گناهان خودشان و گناهان پدرانشان را اعتراف کنند.

استر ۴:۱۶: شهبانو استر، کنیزانش، و سایر یهودیان ساکن در شهر شوش روزه می‌گیرند تا پادشاه شهبانورا مورد لطف ملوکانه قرار دهد و یهودیان از نابودی و هلاکتی که هامان دسیسهٔ آن را چیده بود نجات بیابند.

استر ۹:۲۰-۲۲، ۳۰-۳۱: پوریم عیدی است که به مناسبت بزرگداشت نجات عظیم یهودیان از حکم هامان و رهایی از همهٔ دشمنانشان برگزار می‌شود. این عید شامل جشن و شادمانی و پایکوبی و هدیه دادن و هدیه گرفتن و شامل روزه‌داری و سوگواری است.

مزمور ۷:۴: خدا شادمانی در دل پدید می‌آورد، بیشتر از وقتی که غله و شیر افزون می‌گردد.

مزمور ۸:۳۴: داوود به قوم خدا توصیه می‌کند بچشند و ببینند خداوند نیکو است.

مزمور ۱۳:۳۵-۱۴: داوود، به خاطر بیماران و نیازمندان، جان خود را با روزه‌داری در حضور خدا فروتن می‌کند.

مزمور ۱:۴۲-۲؛ ۱:۶۳: مزمورنویس اشتیاق برای خدا را همچون گرسنگی و تشنگی برای خدا توصیف می‌کند.

مزمور ۹:۶۹-۱۰: داوود به خاطر غیرت برای امور الهی گریه و زاری می‌کند و روزه می‌گیرد، چرا که خدانشناسان به نام خدا بی‌حرمتی می‌کنند.

مزمور ۴:۲۷: بیشترین اشتیاق داوود این است که زیبایی خدا را بنگرد.

مزمور ۲۵:۷۳: آساف جز خدا و حضور خدا هیچ‌چیز را در زمین نمی‌خواهد.

مزمور ۴:۱۰۲؛ ۱۸:۱۰۷: قوم خدا چنان زحمت دیده و رنج کشیده بودند که خوردن غذای خود را فراموش کرده بودند (۴:۱۰۲) و حتی خوراک خود را مکروه می‌داشتند (۱۸:۱۰۷).

مزمور ۲۴:۱۰۹: در محاصرهٔ دشمنانش، جسم داوود از شدت روزه‌داری ضعیف شده بود.

اشعیا ۵۸:۱-۵: قوم اسرائیل سوال می‌کنند چرا خدا به روزهٔ آنها توجه نمی‌کند. خدا ایشان را به سبب شرارت و ریاکاری توبیخ می‌نماید.

اشعیا ۶:۵۸-۱۴: خدا روزه‌داریِ شخص عادل را که در نظر خدا پسندیده است توصیف می‌نماید.

ارمیا ۹:۳۶-۱۰؛ ۲۰:۳۶-۲۶: اعلام می‌شود همهٔ اهالی اورشلیم و شهروندان شهرهای یهودا روزه بگیرند و به طومار ارمیا که برای ایشان خوانده می‌شود گوش فرا دهند. حال آنکه، آنها هشدارهای خدا را به گوش نگرفتند.

دانیال ۱۶:۶-۱۹: داریوش پادشاه تمام شب را برای نجات دانیال، که پادشاه او را برخلاف میل خویش در چاه شیران افکنده بود، روزه می‌گیرد.

دانیال ۳:۹-۲۰: دانیال روزه می‌گیرد و به گناه خود و گناه قومش اعتراف می‌کند.

دانیال ۲:۹، ۲۲-۲۳: دانیال روزه می‌گیرد و از خداوند حکمت می‌خواهد تا نبوت‌ها دربارهٔ آیندهٔ اسرائیل را درک نماید.

یوئیل ۱:۱۴-۱۵؛ ۲:۱۲-۱۷: خدا به قوم اسرائیل فرمان می‌دهد روزه بگیرند و محفل مقدس برگزار کنند تا پیش از آمدن روز خداوند (داوری خدا) توبه و از خداوند تقاضای رحمت نمایند.

یونس ۴:۳-۱۰: پس از موعظهٔ یونس، اهالی نینوا روزه می‌گیرند، از شرارت خویش توبه می‌کنند، و از خدا تمنای رحمت می‌نمایند.

زکریا ۷:۱-۷؛ ۸:۱۹: در دوران تبعید، یهودیان چهار بار در سال روزه‌داری را بنا می‌گذارند: ماه چهارم، ماه پنجم، ماه هفتم، ماه دهم.

متی ۴:۱-۳: عیسی مسیح، پیش از وسوسه شدن در بیابان، چهل روز و چهل شب روزه می‌گیرد.

متی ۶:۱۶: عیسی مسیح فرض را بر این قرار می‌دهد که شاگردانش روزه می‌گیرند. پس دربارهٔ انگیزهٔ اشتباه در روزه‌داری (یعنی ریاکاری) به آنها هشدار می‌دهد.

متی ۶:۱۷-۱۸: عیسی مسیح دربارهٔ انگیزهٔ درست برای روزه‌داری و وعدهٔ پاداش گرفتن تعلیم می‌دهد.

متی ۹:۱۴-۱۵: عیسی مسیح تعلیم می‌دهد که شاگردانش پس از صعود او روزه بگیرند.

متی ۹:۱۶-۱۷: عیسی مسیح میان آیین قدیم روزه‌داری، که فریسیان و شاگردان یحیی به آن پایبند بودند، و آیین تازهٔ روزه‌داری، که شاگردانش آن را به‌جا می‌آورند، فرق می‌گذارد.

مرقس ۹:۲۹: عیسی مسیح برای تقویت ایمان ایمانداران در نبرد روحانی از روزه و دعا نام می‌برد. البته این آیه در ترجمه‌های مختلف تفاوت‌هایی دارد که در بخش بعدی توضیح داده می‌شود.

لوقا ۲:۳۶-۳۸: حنا، که نبیه بود، روز و شب، در معبد، خدا را با روزه و دعا خدمت می‌نمود. به احتمال بسیار، دعا‌های او به انتظارش برای آمدن مسیح موعود ربط داشتند.

لوقا ۱۸:۱۱-۱۲: فریسیان دو بار در هفته روزه می‌گرفتند (متی ۹:۱۴).

لوقا ۱۸:۹-۱۴: عیسی مسیح فخرفروشی به هنگام روزه‌داری و بالیدن به تقوا و پارسایی را محکوم می‌کند.

اعمال رسولان ۱۰:۳: گرنیلیوس در حال دعا و روزه بود که فرشته ظاهر می‌شود و به او حکم می‌کند پطرس را به حضورش بطلبد. البته این آیه در ترجمه‌های مختلف تفاوت‌هایی دارد که در بخش بعدی توضیح داده می‌شود.

اعمال رسولان ۱۳:۱-۳: مسیحیان در انطاکیه، هنگامی که روزه‌دار بودند، برای شروع خدمات بشارتی خوانده می‌شوند.

اعمال رسولان ۱۳:۱-۳: ایمانداران برای انتخاب و تعیین مبشران روزه گرفتند.

اعمال رسولان ۱۴:۲۳: مسیحیان در انطاکیه جهت تعیین مبشران و مشایخ کلیسا روزه گرفتند.

رومیان ۶:۱۴: پولس می‌گوید ایمانداران آزادی دارند که در خصوص مسایل مربوط به محترم داشتن روزها و پرهیز غذایی به ندای وجدان خویش گوش دهند. با این حال، هر ایمانداری باید خود را متعهد بداند هرکاری که انجام می‌دهد برای خدا و برای جلال خدا باشد.

اول قرن‌تین ۵:۷: پولس عنوان می‌کند زن و شوهر می‌توانند به قصد دعا کردن و روزه‌داری، برای مدت مشخصی، خویشتن‌داری و از رابطهٔ زناشویی خودداری کنند. البته این آیه در ترجمه‌های مختلف تفاوت‌هایی دارد که در بخش بعدی توضیح داده می‌شود.

اول قرن‌تین ۲۴:۹-۲۷: زندگی پیروزمند مسیحی مستلزم خویشتن‌داری است. جزیی از خویشتن‌داری این است که جسم خود را انضباط دهیم و آن را تسلیم ارادهٔ خدا گردانیم.

دوم قرن‌تین ۴:۶-۵: روزه گرفتن یکی از راه‌هایی است که پولس رسول به وسیلهٔ آن نشان می‌دهد خدمتگزار راستین خدا بودن به چه معنا است. البته این آیه در ترجمه‌های مختلف تفاوت‌هایی دارد که در بخش بعدی توضیح داده می‌شود.

دوم قرن‌تین ۲۷:۱۱: پولس رسول اغلب در بحبوحهٔ خدمت خویش روزه‌دار بود. البته این آیه در ترجمه‌های مختلف تفاوت‌هایی دارد که در بخش بعدی توضیح داده می‌شود.

کولسیان ۲:۲۳: پولس اعلام می‌کند زهد و پرهیزکاری و ریاضت دادن به بدن برای رفع تن‌پروری و ایستادگی در مقابل امیال و هوس‌های جسمانی فایده و ارزشی ندارد.

اول تیموتائوس ۱:۴-۵: این یک بدعت و تعلیم اشتباه است که ایمانداران از خوردن خوراک و غذایی پرهیز کنند که خدا آن را آفریده تا با شکرگزاری با سایر ایمانداران و حق‌شناسان سهیم شوند.

گوناگونی در ترجمه‌ها

در بررسی آیات دربارهٔ روزه‌داری، که هم‌اکنون به آنها اشاره شد، عنوان کردیم که به خاطر تفاوت در ترجمه‌های مختلف پنج آیه (در زبان انگلیسی)، در بخش بعدی، آنها را توضیح می‌دهیم. اکنون، در مورد هر یک از آیات نامبرده با جزییات توضیح می‌دهیم.

مرقس ۲۹:۹

در شماری از ترجمه‌های این آیه به زبان انگلیسی، واژه «روزه» نیز در کنار واژه «دعا» به کار رفته است، در حالی که در برخی دیگر از ترجمه‌ها فقط به واژه «دعا» اشاره شده است. در قدیمی‌ترین نسخه‌های دست‌نویس این آیه به زبان یونانی (نسخهٔ اسکندری، نسخهٔ غربی، نسخهٔ قیصریه)، واژه «روزه» به کار نرفته است. اما، تقریباً، در بقیهٔ دست‌نوشته‌ها و نسخه‌های موجود از این آیه، واژه «روزه» به کار رفته است. پژوهشگران و تفسیرگرانی که باور دارند کل کتاب مقدس الهام الهی است واژه «روزه» را حذف نموده‌اند، چون معتقدند کاتبان، در زمان رونویسی کلام خدا، واژه «روزه» را به این آیه اضافه کردند. این کاتبان تأثیر یافته از کلیسای اولیه و کلیسای قرون وسطی بودند که بر روزه‌داری تأکید ویژه‌ای داشتند. به هر حال، حتی، اگر هم واژه

«روزه» بعدها اضافه شده باشد، با آموزه‌های کتاب مقدس و کردار صحیح بر مبنای کتاب مقدس تضادی ندارد. یادمان باشد که ناتوانی شاگردان مسیح در اخراج آن روح پلید، غیرمستقیم، به فقدان دعا (یا روزه‌داری) ایشان ربط داشت. حال آنکه، دلیل اصلی ناتوانی آنها این بود که به سبب بی‌ایمانی فاقد اقتدار روحانی بودند (متی ۱۰:۱۰؛ مرقس ۹:۱۸-۱۹؛ متی ۱۷:۱۹-۲۰). مانند دعا، روزه‌داری بر مبنای کتاب مقدس نیز می‌تواند وسیله‌ای برای تقویت ایمان ایماندار باشد، چنان که روزه‌داری در سراسر عهدعتیق وسیله‌ای است برای درخواست کمک از خدا و یاری طلبیدن برای نجات و رهایی.

اعمال رسولان ۳۰:۱۰

شماری از ترجمه‌های کتاب مقدس به زبان انگلیسی گرنیلیوس را در حال دعا و روزه توصیف می‌کنند، در حالی که شمار دیگری از ترجمه‌ها فقط عنوان می‌کنند او در حال دعا بود. در اینجا نیز این تفاوت در ترجمه‌ها حاصل تفاوت در دست‌نوشته‌های این آیه به زبان یونانی است. استدلال عده‌ای از پژوهشگران و تفسیرگران این است که واژه «روزه‌داری» به این دلیل در آیه ۳۰ حذف شده است که در ابتدای فصل، یعنی در آیات ۱-۴، به واژه «روزه‌داری» اشاره نشده است. عده‌ای دیگر معتقدند واژه «روزه‌داری» بعدها به دست کاتبانی به متن اضافه شده است که تأثیر یافته از کلیسای اولیه و کلیسای قرون وسطی بودند که بر روزه‌داری تأکید ویژه‌ای داشتند. به هر حال، حتی، اگر هم واژه «روزه» بعدها اضافه شده باشد، با آموزه‌های کتاب مقدس و کردار صحیح بر مبنای کتاب مقدس تضادی ندارد.

اول قرن‌تیا ۵:۷

در شماری از ترجمه‌های کتاب مقدس به زبان انگلیسی، عنوان شده است که زن و شوهر خود را وقف دعا و روزه کنند، در حالی که شمار دیگری از ترجمه‌ها فقط به دعا اشاره می‌کنند. باز هم این تفاوت در ترجمه‌ها حاصل تفاوت در دست‌نوشته‌های این آیه به زبان یونانی است. قدیمی‌ترین دست‌نوشته‌ها حاوی واژه «روزه» نیستند. بنابراین، بسیاری از پژوهشگران و تفسیرگرانی که باور دارند کل کتاب مقدس الهام الهی است معتقدند دلیل نام بردن از واژه «روزه» در دست‌نوشته‌های جدیدترین است که کاتبان این واژه را به آیه نامبرده افزودند. به هر حال، حتی، اگر هم واژه «روزه» بعدها اضافه شده باشد، با آموزه‌های کتاب مقدس و کردار صحیح بر مبنای کتاب مقدس تضادی ندارد. در واقع، دور از انتظار نیست که در چنین مواردی دعا کردن با روزه گرفتن همراه باشد.

دوم قرن‌تیا ۵:۶ و دوم قرن‌تیا ۲۷:۱۱

در رساله دوم قرن‌تیا ۵:۶، واژه «بی‌خوابی» در زبان یونانی *agrupnia* «آگروپنیا» می‌باشد که بیانگر «بی‌خوابی» یا «بیدار ماندن» است. واژه «گرسنگی» در زبان یونانی *nesteia* «نستیا» می‌باشد که می‌تواند به روزه‌داری مذهبی یا به روزه اجباری که پیامد فقر و تنگدستی یا شرایط دشوار است اشاره داشته باشد. در رساله دوم قرن‌تیا ۲۷:۱۱، باز هم واژه «بی‌خوابی» در زبان یونانی *agrupnia* «آگروپنیا» می‌باشد، ولی واژه «گرسنگی» ترجمه واژه یونانی *limos* «لیموس» می‌باشد و معمولاً بیانگر «قحطی، گرسنگی، یا بی‌غذایی» است. پولس رسول احتمالاً هر دو معنا را در ذهن دارد. چه بسا او با سرمشق از عیسی مسیح شب‌های بسیاری را در دعا سپری می‌نمود (مرقس ۱:۳۵؛ لوقا ۶:۱۲). زمان‌هایی وجود داشتند که پولس به خاطر تنگدستی یا اوضاع و شرایط دشوار مجبور بود از خوردن غذا چشم‌پوشی کند (فیلیپیان ۴:۱۲؛ اول قرن‌تیا ۱۱:۴). همچنین زمان‌هایی را نیز به میل و اختیار خودش روزه‌دار بود تا به خداوند نزدیک‌تر شود.

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۲: ایماندار و روزه‌داری

روزه‌داری در دنیای امروز

استدلال شماری از ایمانداران اصیل و بی‌ریا این است که روزه‌داری آیینی است متعلق به عهدعتیق که به ایمانداران عهدجدید حکم نشده است. هرچند که این درست است که در عهدجدید حکم و فرمان مشخصی درباره روزه‌داری وجود ندارد، شواهدی در عهدعتیق و در عهدجدید پشتوانه این دیدگاه می‌باشند که ایمانداران در دوران عهدجدید اجازه دارند و تشویق می‌شوند روزه بگیرند. در ادامه، این شواهد را بررسی می‌کنیم.

۱. در انجیل متی ۲:۶-۱۸، عیسی مسیح به سه ستون اشاره می‌کند که برای یک یهودی پایبند به مذهب پایه و زیربنای زندگی پارسامنشانه و تعهد و سرسپردگی بود. جای‌های خالی را با عبارت مناسب پُر کنید.

الف. چون _____ دهی (آیه ۲).

ب. و چون _____ کنی (آیه ۵).

ج. اما چون _____ دارید (آیه ۱۶).

نکته: توجه کنید که مسیح نمی‌گوید: «اگر» صدقه دهید و عبادت کنید و روزه دارید، بلکه می‌فرماید: «وقتی، چون» این اعمال پارسامنشانه را به‌جا می‌آورید. در این آیات، خداوند عیسی نشان می‌دهد که انتظار دارد شاگردانش تا هنگام بازگشت او آیین روزه‌داری را به‌جا آورند. همچنین توجه کنید مسیح حکم به روزه‌داری نمی‌دهد یا آن را به صورت یک آیین و تعهد روحانی که همه ایمانداران باید همواره به‌جا بیاورند پایه‌گذاری نمی‌کند. در سراسر عهدجدید، دعای مستمر (لوقا ۱۸:۱؛ اول تسالونیکیان ۵:۱۷) و تقدیم هدیه مالی (افسیان ۲۸:۴؛ عبرانیان ۱۳:۱۶؛ اول یوحنا ۳:۱۷) به همه ایمانداران حکم شده است. اما این حکم درباره روزه‌داری صادق نمی‌باشد.

۲. کتاب اعمال رسولان بازگوکننده تاریخ کلیسای قرن اول میلادی است. آیاتی که در ادامه از کتاب اعمال رسولان به آنها اشاره می‌شود چگونه نشان می‌دهند کلیسای اولیه آیین روزه‌داری را به‌جا می‌آورد و روزه گرفتن آیینی است که امروز نیز برای ایمانداران به قوت خود باقی می‌باشد.

الف. اعمال رسولان ۱:۱۳-۲

ب. اعمال رسولان ۱۴:۱۹-۲۳

نکته: سهل‌انگاری است اگر نظیرمان این باشد که تنها دلیل روزه‌داری در آیات نامبرده این است که ایمانداران در کلیسای اولیه زندگی تازه خود را در مسیح درک نکرده و هنوز دریند و پایبند اصول و سنت‌های عهدعتیق بودند. در هر دو موقعیت، پولس رسول و سایر رهبران کلیسا حضور داشتند و خودشان روزه‌دار بودند.

۳. عهدجدید به روزه‌داری حکم نمی‌دهد. با این حال، در سراسر عهدجدید، نمونه‌هایی از روزه‌داری را شاهد هستیم. آیا این نمونه‌ها باید امروز برای ایمانداران مرجع اقتدا و اقتدار قرار بگیرند؟ آیاتی که در ادامه از عهدجدید به آنها اشاره می‌گردد در این مورد به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

الف. رومیان ۱۵:۴

ب. اول قرنتیان ۱۰:۱۱

نکته: تعلیم و رویدادهای تاریخی عهدعتیق برای رهنمود بخشیدن به کلیسای عهدجدید نوشته شدند. بنابراین، تعلیم عهدعتیق در مورد روزه‌داری، همچنین نمونه‌های مثبت و منفی روزه‌داری در عهدعتیق، زیربنا و شالوده‌ای محکم برای به‌جا آوردن این آیین در دوره و زمانه کنونی است. بسیاری از سرسپرده‌ترین مقدسان در عهدعتیق روزه‌دار بودند. این شهادتی قاطع است بر فایده روزه‌داری و اهمیت همیشگی و ماندگار آن. امروز، آنانی که روزه می‌گیرند با گلچینی از مقدسان برجسته کتاب مقدس و تاریخ کلیسا همراه و همنشین می‌شوند.

روزه‌داری تغییر شکل داد

در انجیل متی ۱۴:۹-۱۷ (همچنین در لوقا ۵:۳۳-۳۹)، شاگردان یحیی تعمید دهنده نزد مسیح می‌آیند و از او می‌پرسند چرا شاگردانش روزه نمی‌گیرند. بسیاری، بر مبنای این پرسش شاگردان و پاسخ مسیح، این تعلیم را ترویج می‌دهند که با آمدن مسیح به این جهان روزه‌داری نه فقط دیگر واجب نیست، بلکه نادرست و نامناسب هم می‌باشد. ولی، اگر آیات نامبرده را با دقت بخوانیم، متوجه می‌شویم این آیات نشان می‌دهند مسیح روزه‌داری را نادیده نمی‌گیرد، بلکه شکل آن را تغییر می‌دهد و آن را سرشار از حیات تازه و امید می‌گرداند. انجیل متی ۱۴:۹-۱۷ را بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این تمرین‌ها را انجام دهید.

۱. با توجه به بخش اول آیه ۱۵، مسیح دلیل روزه نگرفتن شاگردانش در آن زمان مشخص را چه چیزی بیان می‌کند؟

نکته: پاسخ مسیح را باید با توجه به بافت و محتوای کل متن بررسی کنیم. هدف مسیح این نیست که روزه‌داری را بی‌اهمیت بشمرد، بلکه قصد دارد این پرسش را پاسخ دهد که چرا شاگردانش روزه نمی‌گیرند. پاسخ مسیح شفاف و پرمغز است: در آن زمان مشخص، ماتم و سوگواری، که جزیی از روزه‌داری است، امری ناپسند و نامناسب می‌باشد، چرا که داماد (یعنی مسیح) در کنار آنها است. انسان گشتن مسیح مناسبی است برای جشن و شادی و نشاط.

۲. با توجه به بخش دوم آیه ۱۵، چه زمانی برای شاگردان مسیح وقت مناسب برای روزه‌داری است؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

نکته: روزه گرفتن برای شاگردان مسیح کاملاً بجا و سنجیده خواهد بود: (۱) وقتی داماد با خشونت از آنها گرفته و مصلوب می‌شود؛ (۲) در سراسر عصر کلیسا، به وقت نیاز، زمانی که رنج و سختی بیداد می‌کند، زمانی که وقت وقت نبرد روحانی است، زمانی که شاگردان مسیح برای رفع نیازهای خود با دعا و روزه به درگاه او می‌روند، زمانی که شاگردان مسیح مشتاق حضور کامل مسیح هستند و هشیار و مراقب برای بازگشت او.

۳. در موعظه بالای کوه (متی ۶: ۱۶-۱۸)، مسیح تداوم روزه‌داری را برای شاگردانش تأیید می‌نماید. او در انجیل متی فصل ۹ تأثیر و فایده روزه‌داری را انکار نمی‌کند. با این حال، در آیات ۱۶-۱۷، مسیح با دو نمونه تصویری نشان می‌دهد میان روزه گرفتن فریسیان و شاگردان یحیی تعمید دهنده با روزه‌داری کلیسا تفاوت مهمی وجود دارد. مثال‌های مسیح کدامند؟

الف. هیچ‌کس بر جامه کهنه پاره‌ای از _____ وصله نمی‌کند. پارچه نورا نباید به جامه کهنه وصله کرد، چون وصله از جامه کنده می‌شود و پارگی جامه کهنه را بدتر می‌کند.

ب. و _____ را در مَشک‌های کهنه نمی‌ریزند. شراب نورا نباید در مَشک کهنه و خشکیده ریخت، چون مَشک کهنه شکننده است و به محضی که شراب تازه تخمیر شود و جا باز کند، مَشک پاره می‌شود و شراب هدر می‌رود.

نکته: عیسی مسیح روزه گرفتن فریسیان و شاگردان یحیی را به جامه کهنه و مَشک کهنه تشبیه می‌کند. فریسیان روزه گرفتن را به یک سنت توخالی و یک رسم ظاهری و یک وظیفه مذهبی روزمره تبدیل کرده بودند (لوقا ۱۸: ۱۱-۱۲). برای شاگردان یحیی، روزه گرفتن در ماتم و سوگواری و زانوی غم در بغل گرفتن و آرزوی آزادی به دست مسیح موعود خلاصه شده بود. با توجه به این دو واقعیت، مشخص است که روزه گرفتن ایمانداران باید هم با رسم و آیین پوچ و توخالی فریسیان و هم با روزه‌داری شاگردان بی‌ریای یحیی فرق داشته باشد. برخلاف فریسیان، روزه‌ای که عیسی مسیح آن را توضیح می‌دهد از شوقی صمیمانه و اشتیاقی خالص برای خدا سرچشمه می‌گیرد. این روزه‌داری فراتر از یک وظیفه و تکلیف مذهبی و حکم شرعی است که فریسیان خود را موظف می‌دانستند در روزهایی مشخص، به اجبار و از روی عادت، آن را به جای آورند. برخلاف شاگردان یحیی، شاگردان مسیح همانند کسانی که چشم‌انتظار نجات و رهایی‌اند روزه نمی‌گیرند، بلکه همچون کسانی روزه می‌گیرند که طعم نجات و رستگاری را چشیده‌اند! در سراسر تاریخ کلیسا، در عصر کلیسا، باز هم رنج و سختی و ماتم و سوگواری

وجود خواهد داشت. شاگردان مسیح هنوز هم اشتیاق و آرزو در دل دارند، اما روزه ایشان طعم حضور مسیح را می‌دهد، روزه ایشان با یقین و اطمینان از نجاتشان همراه است. شاگردان مسیح با این انتظار و امید عظیم روزه می‌گیرند که «هر که سوال کند یابد و کسی که بطلبد دریافت کند و هر که بگوید برای او گشاده خواهد شد» (متی ۸:۷). به دنیا آمدن مسیح قطعاً همه چیز را تغییر داده است! کار تمام‌شده او برپتیه جلیجتا، امید و قدرت رستاخیز او، و فرستادن روح القدس همه چیز را تازه نموده است، حتی آیین روزه‌داری را. زندگی تازه ما در مسیح تحقق وعده نبوت‌های عهدعتیق است. آیین‌ها و آداب و تشریفات عهدعتیق سایه و پیش‌درآمدی از این زندگی نوین در مسیح هستند که مقدسان عهدعتیق مشتاق و چشم‌انتظار آن بودند. با اینکه ما هنوز منتظر بازیابی و بازسازی همه چیز، در انتظار بازگشت مسیح، به سر می‌بریم، ملکوت آسمان آمده و زندگی ما را با شادی و رضایت و امید و انتظاری عظیم زینت بخشیده است. ما روزه نمی‌گیریم تا یک وظیفه و تکلیف مذهبی را به جا آوریم. ما با دلی که برای خدا غنچ می‌زند و از صمیم قلب برای خدا اشتیاق دارد روزه می‌گیریم. ما از سر بیهودگی و بی‌حاصلی روزه نمی‌گیریم. ما روزه می‌گیریم، چون چشیده‌ایم و دیده‌ایم که خداوند نیکو است. این سیراب بودن ما را حتی بیشتر از پیش مشتاق خدا می‌گرداند! ما به خاطر آنکه ملکوت هنوز از راه نرسیده روزه نمی‌گیریم. ما روزه می‌گیریم، چون ملکوت آمده و ما مشتاقیم ملکوت خدا در گوشه و کنار زندگی ما و در گوشه و کنار جهان وسعت و توسعه بیابد.

۴. با توجه به آیات و حقایقی که بررسی نمودیم، درباره اعتبار آیین روزه‌داری در کلیسا و ویژگی‌های مشخص روزه‌داری در ایمان مسیحی، مختصر، توضیح دهید.

الف. آیا امروز روزه گرفتن برای ایمانداران به مسیح یک انضباط روحانی معتبر است؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

ب. شماری از ویژگی‌های مهم روزه‌داری در ایمان مسیحی را نام ببرید. از چه نظر روزه گرفتن ایمانداران به مسیح با روزه گرفتن فریسیان و شاگردان یحیی تمایز دهنده فرق دارد؟

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۳: روزه‌داری شوق دل است

می‌توان گفت این فصل کوتاه مهم‌ترین فصل این کتاب است، چرا که این فصل جانِ کلام روزه‌داری را توضیح و این پرسش را که «چرا روزه می‌گیریم؟» پاسخ می‌دهد. حقیقت زیربنایی و مهمی که قصد داریم در این فصل آن را بیان کنیم این می‌باشد: روزه‌داری ثمرهٔ یک شور و اشتیاق یا نیازی است که اشتیاق‌ها و نیازهای دیگر را کنار می‌زند و گاه به گاه از خوردن و آشامیدن و از لذت خوردن و آشامیدن و سایر لذت‌های زودگذر چشم‌پوشی می‌کند.

شوق دل

روزه گرفتن برخاسته از شور و شوق دلی است که چنان مشتاق و شیفتهٔ خواسته و نیازی می‌شود که حاضر است از خوشی‌ها و لذت‌های گذرا و حتی از ضرورت‌های زندگی چشم‌پوشد تا به خواستهٔ مشخصی برسد که دلش برای آن بی‌تاب است. با این حال، توجه به این نکته مهم است که اشتیاق یا خواسته‌ای که کسی را شیفتهٔ خود می‌گرداند تا به خاطرش روزه بگیرد می‌تواند خواسته و اشتیاقی خداپسندانه یا نفسانی باشد. موسی برای آموزش قوم اسرائیل روزه می‌گیرد، چون قوم خود را دوست دارد و برای جلال خدا غیرت دارد (خروج ۲۷:۳۴-۲۸). داوود از سرعشق و دلسوزی برای پسرش که در بستری بیماری بود روزه می‌گیرد (دوم سمویل ۱۵:۱۲-۲۳). حنا، که معبدنشین بود، به خاطر سرسپردگی‌اش به خدا و آرزوی ظهور مسیح موعود روزه می‌گیرد (لوقا ۳۶:۲-۳۸). در نقطهٔ مقابل، ترس شائول و دلسوزی به حال خودش میل به خوردن و آشامیدن را از او می‌گیرد (اول سمویل ۲۸:۲۰). در موردی مشابه، آخاب پادشاه چنان غرق هوس نامشروع برای تصاحب تاکستان شخصی به نام نابوت است که میل به غذا خوردن را از دست می‌دهد (اول پادشاهان ۴:۲۱). فریسیان نیز به قدری دلشان برای تعریف و تحسین شنیدن از مردم غنچ می‌زد که دو بار در هفته روزه می‌گرفتند (متی ۱۶:۶؛ لوقا ۱۱:۱۸-۱۲).

در کتاب مزامیر، آیاتی از دو مزمور به ما کمک می‌کنند ماهیت روزه‌داری و انگیزه برای روزه‌داری را درک نماییم. هرچند این مزامیر، مستقیم، به روزه گرفتن ربط ندارند، یک اصل کلیدی را در مورد روزه‌داری به ما نشان می‌دهند. در نخستین آیه، در مزمور ۴:۱۰۲، مزمورنویس بانگ برمی‌آورد: «دل من مثل گیاه زده شده و خشک گردیده است، زیرا خوردن غذای خود را فراموش می‌کنم.» در اینجا، شاهد هستیم که رنج و سختی مزمورنویس و اشتیاقش برای رهایی از رنج و سختی موجب می‌شود به فکر نیازهای موقت و گذرا نباشد. او دیگر میلی به خوردن و آشامیدن ندارد. فکر غذا خوردن حتی به ذهنش هم نمی‌آید. متن دوم مربوط به مزمور ۱۷:۱۰۷-۱۸ است. در اینجا، شاهد هستیم قوم خدا به قدری در سختی و تنگنا می‌باشند که «جان ایشان هر گونه خوراک را مکروه می‌دارد.» مصیبت آنها آن قدر عظیم و اشتیاقشان برای رهایی از مصیبت چنان شدید است که نه فقط میلی به غذا ندارند، بلکه حتی از آن اکراه دارند. نگرش ایشان به خوردن و آشامیدن را می‌توان در این پرسش خلاصه کرد: «در یک چنین زمانی، چطور اصلاً می‌توانیم به خوردن و آشامیدن فکر کنیم؟»

در هر دو مزمور یادشده، مردم به سبب مصیبتی که در آن گرفتارند و به خاطر اینکه آرزو و اشتیاق قلبی‌شان نجات یافتن از آن مصیبت است غذا خوردن را فراموش می‌کنند و حتی از آن اکراه دارند. این رابطهٔ علت و معلول زیربنا و شالودهٔ روزه‌داری است و می‌تواند در مورد هر گونه نیاز یا میل و خواسته و اشتیاقی صادق باشد. ما روزه می‌گیریم هرگاه که خواسته یا نیازی، که فقط خدا توانایی برطرف نمودن آن را دارد، میل و لذتی موقت و گذرا را از دل ما دور و ما را به خدا نزدیک می‌کند.

- ما گرفتار مصیبت و سختی و رنج می‌شویم و آن قدر دلمان می‌خواهد از آن شرایط دشوار نجات پیدا کنیم که خوردن و آشامیدن را از یاد می‌بریم و دعاگویان به درگاه خدا می‌رویم.

- ما غذا خوردن و برخی شادی‌ها و خوشی‌های موقت را کنار می‌گذاریم، چرا که خدا گناه مشخصی را در زندگی‌مان به ما نشان داده است که ما را بر این می‌دارد تا فوری و بی‌درنگ از گناهمان توبه کنیم، تا رابطه‌مان با خدا صحیح و سالم شود، و تا قدرت بیابیم بر آن گناه چیره شویم.
- ما به خاطر غیرت برای نام خدا و به خاطر خدانشناسانی که نام خدا را بی‌حرمت می‌کنند خوردن و آشامیدن را فراموش می‌کنیم.
- ما آن چنان دغدغه پاکي و اخلاص کلیسا را در دل داریم یا به قدری در اندیشه نجات و رستگاری امت‌ها و ملت‌ها هستیم که از خوردن و آشامیدن پرهیز می‌کنیم تا برای مردم شفاعت نماییم.
- ما از حضور خدا و شادی مشارکت پیوسته با او چنان سیراب می‌شویم که فکر غذا خوردن و اشتیاق برای شادی و خوشی زودگذر حتی به ذهنمان هم نمی‌آید.

جانِ کلام این است که ایمانداران به دلایل فراوانی روزه می‌گیرند. اما همه روزه‌های راستین یک ویژگی مشترک دارند: ما زمانی روزه می‌گیریم که یک نیاز، یک غم، یک اشتیاق خدایسندانه آن قدر فکر و دلمان را به خودش مشغول می‌کند و چنان دغدغه ذهنی ما می‌گردد که به معنای واقعی کلمه «نان خوردن» را فراموش می‌کنیم تا در دعا به خدا نزدیک شویم. در ادامه، به مثال‌هایی مفید در این زمینه اشاره می‌کنیم.

پدری را فرض کنید که چندین سال برای مسافرتی خارج از کشور برنامه‌ریزی کرده و زحمت کشیده و تدارک دیده است. اما، در لحظه سفر، پسر خردسالش زمین می‌افتد و به شدت آسیب می‌بیند. در آن لحظه، پدر برای نرفتن به مسافرتی که مدت‌های طولانی در انتظارش بوده است حسرت نمی‌خورد، حتی فکر آن سفر نیز به ذهنش نمی‌آید. عشقی عظیم‌تر و نیازی چشمگیرتر فکر و دلش را مشغول کرده است. به همین شکل، ایماندار از خوردن و آشامیدن و لذت‌های گذرا چشم می‌پوشد، چرا که آرزویش شفای یک برادر یا خواهر ایماندار است، چرا که دلش برای بشارت به کسانی که پیغام انجیل را شنیده‌اند غنج می‌زند، چرا که آرزوی سعادت و خوشبختی یک قوم یا یک ملت را در دل دارد. او به فکر غذا خوردن یا دورهمی با دوستان یا خوشی‌های زودگذر نیست، زیرا شوق و اشتیاقی عظیم‌تر هر گونه شوق و اشتیاق برای خوردن و آشامیدن و گپ و گفتگو و خوشی و لذت را از دل و فکرش زوده است.

پسری را در نظر بگیرید که متوجه شده با رفتار و کردار ناپسند خود به پدرش بی‌احترامی کرده است. او می‌ترسد نام پدرش را خدشه‌دار کرده باشد. آن پسر لحظه‌ای از سرزنش خویش دست برنمی‌دارد. او دلش می‌خواهد شرایط را اصلاح کند، اشتباه خود را برطرف کند، می‌خواهد نزد پدرش برود و از او پوزش بخواهد. آن پسر دیگر به فکر لذت‌های زودگذر نیست، به فکر خوشگذرانی با دوستان صمیمی‌اش نیست، به فکر تفریح و خوردن و آشامیدن نیست. او باید پدرش را پیدا کند، باید با پدرش حرف بزند، باید با پدرش آشتی کند. به همین شکل، ایماندار متوجه می‌شود با گناهش بسیار موجب بی‌حرمتی به خدا شده است. از این‌رو، بار غم بردلش سنگینی می‌کند، برآشفته و هراسان می‌شود، و آرزو و خواسته دلش این است که خدا او را ببخشد. او، تا زمانی که در دعا به حضور خدا نرود و مطمئن نشود که بخشیده شده است، آرام و قرار ندارد و نمی‌تواند از خوشی‌های زودگذر لذت ببرد.

بانویی را تصور کنید که همسرش به خدمت سربازی در سرزمینی دوردست رفته است. این خانم به قدری دلتنگ شوهرش است که نه می‌تواند لب به غذا بزند و نه اصلاً به یاد دارد که هر روز باید لقمه‌ای به دهان بگذارد. اشتیاق برای همنشینی با شوهرش او را نسبت به نیازهای اولیه و ضروری زندگی و حتی عادت‌های روزمره بی‌میل می‌کند. او نامه‌های شوهرش را می‌خواند، به عکس‌های شوهرش خیره می‌شود، و هر لحظه گوش به زنگ تلفن است. آن لحظه‌های خاص، که شوهرش تماس می‌گیرد، این بانو کل روز را پای تلفن می‌نشیند و با شوهرش گپ می‌زند. ساعت‌ها می‌گذرند، بی‌آنکه او متوجه گذشت زمان باشد. وقت صبحانه و نهار و شام می‌گذرد، بی‌آنکه اصلاً حواسش باشد و فکر خوردن لقمه‌ای نان باشد. این بانو غرق

در شادی به بستر می‌رود، اما، در فکر شوهرش، خواب به چشمانش نمی‌آید. به همین نسبت، ایماندار از خوردن و آشامیدن و لذت‌های گذرا چشم می‌پوشد، زیرا دلش غرق این خواسته است که در دعا طالب حضور خدا باشد، طالب مشارکت با خدا باشد، طالب خواندن کلام خدا باشد. علاوه بر این، لحظه‌های خاصی در دعا وجود دارند که خدا در یک ملاقات ویژه حضور خود را مکشوف می‌نماید و ایماندار غرق در حضور خدا می‌گردد و هر چیز دیگر را از یاد می‌برد! صبح و ظهر و عصر چون یک لحظه می‌گذرند و ایماندار لبریز از شادی وصف‌ناپذیر و سرشار از جلال و شکوه به بستر می‌رود!

کاغذ تورنِسل یا شناساگر دل

پیش از پایان این فصل، لازم است به نکته مهمی اشاره کنیم. قبلاً گفته‌ایم و باز هم تکرار می‌کنیم که روزه‌داری در کتاب مقدس یک حکم و فرمان نیست. علاوه بر این، روزه‌داری را نباید یک وظیفه اجباری بدانیم یا اعلام کنیم روزه‌داری بر همه واجب است. همچنین نباید روزه گرفتن را نشانه بلوغ روحانی بدانیم یا تصور کنیم کسی که روزه می‌گیرد با ایمان تراست. با این حال، روزه‌داری همانند کاغذ تورنِسل یا شناساگر عمل می‌کند که نشان می‌دهد خواسته و اشتیاق دل ما چیست و یا چه میل و خواسته‌ای بر دل ما حکمروا است. روزه اصیل و راستین مکشوف‌گراشتیاق برای خدا و وابستگی به قدرت خدا و همچنین دغدغه برای دیگران می‌باشد. به همین نسبت، بی‌اعتنایی به روزه گرفتن می‌تواند نشانگر بی‌حسی به خدا باشد و یا مشخص کند تا چه اندازه خودشیفته و متکی به خودمان هستیم و همه هوش و حواسمان به لذت‌ها و خوشی‌های زودگذر این دنیا است.

آیا چنان سیراب دنیا و لذت‌های ناپایدار آن هستیم که هرگز دلمان برای خدا پرپر نمی‌زند یا آرزو نداریم حضور خدا را بیشتر حس کنیم؟ آیا آن قدر از وضعیت روحانی‌مان راضی هستیم که برای بیشتر همگام شدن با اراده خدا و بیشتر شبیه شدن به مسیح غیرت نداریم؟ آیا به نیازها و رنج‌های دیگران آن‌چنان بی‌تفاوتیم که هیچ‌گاه احساس نمی‌کنیم باید برای دیگران دعا کنیم؟ خلاصه، اگر که اشتیاقمان برای جلال خدا، اشتیاقمان برای بیشتر تقدیس شدن، و دغدغه‌مان برای نیازهای دیگران نمی‌تواند بر میل ما به خوردن و آشامیدن و تفریح و سرگرمی گذرا غلبه کنند، آیا از این وضعیت احساس خطر نمی‌کنیم؟ در ادامه مطالعه‌مان، می‌آموزیم کتاب مقدس تعلیم نمی‌دهد روزه‌داری یک آیین اجباری یا یک تکلیف مذهبی است. با این حال، اگر جای روزه به کل در زندگی ما خالی است، می‌تواند نشانه ناآگاهی یا بی‌توجهی ما باشد.

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۴: روزه‌داری با نگاه به بالا

بخش اول: طلبیدن خدا و پرستش او

پس از آنکه تأکید نمودیم روزه‌داری آیینی معتبر و ارزشمند برای ایمانداران و جمع کلیسا است، اکنون، با مراجعه به کتاب مقدس، چندین دلیل یا انگیزه را برای روزه گرفتن بررسی خواهیم کرد. دلیل یا انگیزه برای روزه‌داری را از سه چشم‌انداز مختلف نگاه می‌کنیم: با نگاه به بالا، با نگاه به درون، با نگاه به بیرون. بررسی خود را با «روزه‌داری با نگاه به بالا» شروع می‌کنیم. در این مورد، با این هدف روزه می‌گیریم که خدا را بطلبیم و خدا را بجویم، خدا را خدمت و عبادت نماییم، و اراده خدا را تشخیص دهیم. پیش از شروع این کندوکاو، توجه کنید که ما در این فصل به شماری از دلایل یا انگیزه‌های اصلی برای روزه گرفتن اشاره می‌کنیم، ولی این مطالعه یک مطالعه جامع و کامل و همه‌جانبه نیست. دلایل بی‌شماری برای روزه‌داری ایمانداران و کلیسا وجود دارد که به خاطر محدود بودن وقت و محدود بودن این کتاب نمی‌توانیم از همه آنها نام ببریم.

طلبیدن خدا

به فرموده کتاب مقدس، هر ایماندار، در مسیح، کامل است (کولسیان ۲:۱۰)، در هر ایماندار روح القدس ساکن است (رومیان ۸:۹)، و به هر ایماندار این امتیاز عطا شده که با پدر آسمانی رابطه پدر و فرزندی داشته باشد (رومیان ۸:۱۴-۱۶؛ غلاطیان ۴:۶-۷). با این حال، واقعیت‌های کتاب مقدس نباید باعث شوند خودپسند و از خودراضی باشیم. برعکس، باید از جایگاه تازه‌مان در مسیح به درستی استفاده کنیم و همه تلاش و تکاپویمان این باشد که از تمامی وعده‌های ارزشمند و باشکوهی که در کتاب مقدس پیش‌روی ما قرار دارند بهره ببریم، وعده‌هایی همچون وعده شناخت بیشتر خدا، وعده صمیمیت بیشتر با خدا، وعده حضور و حیات و قدرت بیشتر خدا در زندگی‌مان. لحظه‌ای که توبه می‌کنیم و به مسیح ایمان می‌آوریم، شیرینی حضور خدا را می‌چشیم. اما این میل و اشتیاق به چشیدن خدا باید پیوسته و روزافزون باشد. هر ذره از فیض خدا که در چشم ما نمایان‌تر می‌شود باید ما را مشتاق‌تر کند تا حتی طالب و جویای غیرممکن‌ها باشیم، یعنی این شور و شوق را در دل داشته باشیم که از تک‌تک وعده‌ها و امتیازهایی که خدا به ما داده است بهره ببریم. گاه به گاه، این شور و شوق چنان شدید می‌شود که تصمیم می‌گیریم از لذت‌های گذرا چشم‌پوشیم تا در خدا خوش باشیم و در خدا سیراب شویم.

۱. در ادامه، به شماری از زیباترین و قاطعانه‌ترین آیات کتاب مقدس درباره اشتیاق یا گرسنگی و عطش برای خدا اشاره می‌کنیم. آیات مورد نظر را بخوانید و پاسخ خود را توضیح دهید. چگونه چنین شور و اشتیاقی باید در زندگی شما بازتاب داشته باشد؟

الف. مزمور ۴:۲۷

ب. مزمور ۱:۴۲-۲

ج. مزمور ۱:۶۳

۲. در مزمور ۶:۴-۷، داوود اعلام می‌کند خدا شادمانی در دلش پدید آورده است، بیشتر از وقتی که غلات و شراب تازه فراوان است. در مزمور ۸:۳۴، داوود به ما اندرز می‌دهد «بچشید و ببینید که یهوه نیکو است.» چگونه این آیات ثابت می‌کنند چشیدن خدا از خوردن و آشامیدن شیرین‌تر و دلپذیرتر است و ما را سیراب‌تر می‌کند؟ چگونه آیات یادشده ما را تشویق می‌کنند لذت‌های گذرا را مدتی کنار بگذاریم تا بتوانیم خدا را بهتر بشناسیم و با او صمیمی‌تر شویم؟

پرستش خدا

هدف و مقصود همه شور و شوق و اشتیاق ما برای خدا این است که او را پرستیم و بستاییم. ما برای پرستش خدا آفریده شدیم و نجات یافتیم. در واقع، مبالغه نیست که بگوییم کار اصلی یک ایماندار پرستش و نیایش خدا است. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد با تقدیم زندگی‌مان به خدا همچون قربانی زنده (رومان ۱۲:۱-۲) و با انجام همه کارها برای جلال خدا (اول قرن‌تیا ۳۱:۱۰) ما باید خدا را پرستیم. با این حال، کتاب مقدس ما را به این افتخار عظیم فرا می‌خواند که خودمان را سرسپرده نماییم تا زمان‌های مشخصی را به پرستش و عبادت خداوند اختصاص دهیم. در این زمان‌های مشخص، روزه گرفتن می‌تواند برای ما برکت و فایده‌ای چشمگیر به همراه داشته باشد.

۱. در انجیل لوقا ۳۶:۲-۳۷، درباره نبیه‌ای به نام حنا می‌خوانیم که از طایفه آشیر بود. این زن کاملاً وقف خدا بود و در انتظار آمدن مسیح موعود روزگار سپری می‌کرد. به گفته آیه ۳۷، چگونه حنا سرسپردگی‌اش به خداوند را نشان می‌دهد؟ چگونه او خداوند را خدمت می‌کند؟ چگونه ایمانداران باید به این شکل خدا را پرستش و خدمت نمایند؟

نکته: واژه‌ای که در این آیه «عبادت» ترجمه شده است در زبان یونانی *latreuo* «لاترئو» می‌باشد که هم به معنای «خدمت کردن» و هم به معنای «پرستش نمودن» است (متی ۱۰:۴؛ فیلیپیان ۳:۳؛ عبرانیان ۲:۱۰). در آخرین فصل کتاب مقدس، این واژه در توصیف عبادت (خدمت) ما به خدا در آسمان جدید و زمین جدید به کار رفته است (مکاشفه ۳:۲۲). ما معمولاً این‌طور فکر نمی‌کنیم که وقتی با پرستش و عبادت خداوندمان را خدمت می‌کنیم، این خدمت و پرستش و عبادت می‌تواند همراه با روزه و دعا باشد. چه بسا خدمت نمودن به خدا و پرستش و عبادت او همراه با دعا و روزه خدا را بسیار خشنود می‌سازد. این به ما یادآوری می‌کند که ما نیز می‌توانیم تصویری از مارتا باشیم که سر خود را شلوغ می‌کنیم و حواس پرت می‌شویم. حال آنکه، می‌توانیم از مریم بیاموزیم و آن «نصیب خوب» را اختیار کنیم و آرام و آسوده نزد پای عیسی بنشینیم (لوقا ۱۰:۳۹-۴۲).

۲. ما مثل حنا خوانده نشدیم تا خودمان را به کل وقف روزه و دعا نماییم. کارهای زیادی وجود دارند که باید انجام دهیم، از جمله آن مأموریت بزرگ و بنا نمودن و تجهیز کلیسا! با این حال، حتی فعال‌ترین ایمانداران و مشغول‌ترین خادمان نیز باید یاد بگیرند گاه از کار و فعالیت دست بکشند و خود را سرسپرده عبادت و پرستش خداوند نمایند. به گفته کتاب اعمال رسولان ۱:۱۳-۲، دقیقاً پیش از تولد یکی از عظیم‌ترین جنبش‌های خدمات بشارتی در کل دنیا، پولس رسول، تنی چند از معلمان و انبیا، و احتمالاً کل اعضای کلیسای انطاکیه به چه کاری مشغول بودند؟

الف. ایشان در _____ خدا و _____ مشغول می‌بودند. واژه‌ای که در اینجا «عبادت» ترجمه شده است در زبان یونانی *leitourgeo* «لیتورگئو» می‌باشد که در اشاره به خدمت کاهنان در خیمه یا معبد به کار می‌رفت (خروج ۴۳:۲۸؛ ۳۰:۲۹؛ لوقا ۲۳:۱؛ عبرانیان ۱۱:۱۰). ایمانداران به مسیح اکنون کهنات مَلوکانه دارند (اول پطرس ۲:۹) و خوانده شده‌اند تا قربانی تسبیح و ستایش را برای خدا بگذرانند (عبرانیان ۱۳:۱۵). این افتخاری عظیم و برکتی بی‌نهایت پرفایده است که ایماندار زمان مشخصی را وقف پرستش و عبادت خداوند نماید. روزه گرفتن نیز همراه و همگامی عالی و شایسته برای این عبادت و پرستش مقدس و مَلوکانه می‌باشد.

۳. در این بخش، درباره عبادت خداوند همراه با دعا و روزه چه آموختید؟ چگونه این آموخته‌ها را در زندگی خود عملی می‌سازید؟

روزه‌داری با نگاه به بالا (بخش اول)

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۵: روزه‌داری با نگاه به بالا

بخش دوم: تشخیص اراده خدا

کل زندگی مسیحی باید بر شالوده اراده خدا بنا شود و بر مبنای اراده خدا هدایت گردد. هر پندار و گفتار و کردار ما باید همگام و هم‌راستای طرح و تدبیر و برنامه‌ریزی خدا باشد. به این دلیل، تشخیص اراده خدا امری بسیار مهم و حیاتی است. در آیتانی که در ادامه از عهد جدید به آنها اشاره می‌گردد، می‌آموزیم که در مواردی پی بردن به اراده خدا با روزه گرفتن همراه است و زمانی که ایمانداران، به طور خاص، به منظور تشخیص اراده خدا روزه می‌گیرند، اراده خدا برای آنها آشکار می‌شود. البته این به آن معنا نیست که باید پیش از هر تصمیم‌گیری، در خصوص اراده خدا، روزه بگیریم. معمولاً، بیشتر هرآنچه باید درباره اراده خدا بدانیم برای ما در کتاب مقدس مکشوف است (مزمور ۹: ۱۱۹، ۱۰۵). همچنین کتاب مقدس به ما گوشزد می‌کند به هنگام تصمیم‌های مهم با خدا ترسان مشورت کنیم (امثال سلیمان ۱۱: ۱۴؛ ۱۵: ۱۲؛ ۱۰: ۱۳). با این حال، گاه، وقتی راه نامعلوم است و یقین و اطمینانی قطعی وجود ندارد، بجا و سنجیده است که با پرستش و دعا و روزه جویای اراده خدا شویم.

۱. در کتاب دانیال ۲: ۹، دانیال با خواندن نبوت‌های ارمیا درباره ویرانی اورشلیم و بازگشت تبعیدیان در پی این است که اراده خدا را درک نماید. به گفته آیه ۳، چگونه دانیال پاسخ پرسش خود را پیدا می‌کند؟ به گفته آیات ۲۱-۲۳، پاسخ خدا چه می‌باشد؟ از این آیات، درباره روزه گرفتن و اراده خدا چه می‌آموزیم؟

نکته: اراده خدا در کتاب مقدس برای ما مکشوف است. بنابراین، ما برای تشخیص اراده خدا دست به دامن خواب و رویا و شنیدن صدای فرشتگان نمی‌شویم. حقایق کتاب مقدس را باید از لحاظ روحانی تشخیص بدهیم و لازمه این تشخیص روحانی روشن‌گری روح القدس می‌باشد (اول قرن‌تیا ۲: ۱۲-۱۶). از این رو، باید کتاب مقدس را دعاگویان مطالعه کنیم و به خدا تکیه و توکل نماییم تا خودش ما را تعلیم دهد. با سرمشق گرفتن از دانیال، متوجه می‌شویم در تشخیص اراده خدا روزه گرفتن نقش مهمی دارد.

۲. انتخاب رهبران (شبانان) در کلیسا یکی از مهم‌ترین تصمیم‌ها برای کلیسا و اعضای کلیسا است. به این دلیل، بی‌نهایت مهم است کلیسا اراده خدا را در این مورد روشن و شفاف تشخیص دهد. در کتاب اعمال رسولان ۲۳:۱۴، برای انتخاب و تعیین شبانان و رهبران کلیسا چه می‌کنند؟

الف. و _____ و _____ داشته. با اینکه قرار بود دو تن از محترم‌ترین و برجسته‌ترین رهبران کلیسای اولیه را گزینش و انتخاب کنند (یعنی پولس رسول و برنابا)، ایمانداران باز هم دعا می‌کنند و روزه می‌گیرند. ما نباید نسبت به اراده خدا بی‌تفاوت و بی‌اعتنا باشیم یا صرفاً فرض را بر این قرار دهیم که اگر به اصطلاح دست روی دست بگذاریم و کاری نکنیم، باز هم خدا ما را هدایت خواهد کرد. برعکس، باید با جدیت و کوشایی از هر وسیله‌ای که خدا برای ما فراهم نموده است بهره ببریم تا بتوانیم اراده خدا را به درستی تشخیص بدهیم و گزینش‌هایمان درست و مناسب باشند. این حقیقت، قاطع و محکم، در زندگی خداوندان عیسی مسیح مشهود است. خداوندان عیسی مسیح، پیش از انتخاب دوازده رسول و رسالت بخشیدن به آنها، شب تا صبح دعا می‌کند (لوقا ۱۲:۶-۱۳). همچنین توجه به این نکته مهم است که صرفاً با سرمشق‌گیری از این مثال‌ها قرار نیست حتماً قبل از انتخاب هر رهبر و شبانی روزه بگیریم. این مثال‌ها نمونه‌ای هستند که نشان می‌دهند، زمانی که لازم باشد برای یک موضوع روزه بگیریم، حتماً **بِجَا** و **سَنَجِیدَه** است که روزه بگیریم. پولس رسول، در دو رساله بسیار مهمی که در مورد مشایخ و رهبران کلیسا تعلیم می‌دهد، به روزه گرفتن اشاره نمی‌کند (اول تیموتائوس ۳:۱-۷؛ تیتوس ۱:۵-۹).

۳. در کتاب اعمال رسولان ۱۳:۱-۳، شاهد رویدادی به راستی فراطبیعی می‌باشیم: تولد یکی از عظیم‌ترین جنبش‌های خدمات بشارتی در جهان. در این زمان، خدا به واسطه روح القدس کلیسای انطاکیه را هدایت می‌کند تا برنابا و شائول (پولس رسول) را برای بشارت به غیریهودیان جدا سازند. به گفته آیه ۲، چگونه خدا اراده خودش را برای کلیسا مکشوف می‌نماید؟ ایمانداران مشغول چه کاری بودند؟ از این رویداد چه می‌آموزیم؟

نکته: ایمانداران در انطاکیه خودشان را وقف پرستش و دعا و روزه می‌کنند و خداوند در خصوص بشارت به غیریهودیان و مردانی که باید پرچمدار این خدمت باشند، یعنی برنابا و شائول (پولس رسول)، اراده خود را برای آنها مکشوف می‌نماید. حقیقتی که در اینجا بیان می‌شود این است: هرچه زمان بیشتری را به پرستش و دعا و حتی اختصاص دهیم تا به خدا نزدیک‌تر شویم، بیشتر می‌توانیم اراده خدا را تشخیص دهیم و برای انجام هدف و مقصود خدا مفیدتر باشیم.

۴. خدا به ما لطف می‌کند و اراده خود را واضح و آشکار از طریق کتاب مقدس برای ما مکشوف می‌نماید. همچنین کتاب مقدس ما را اندرز می‌دهد با ایمانداران بالغ و خداترسی مشورت کنیم که می‌توانند در تشخیص اراده خدا به ما کمک کنند. با این حال، زمان‌هایی پیش می‌آیند که باید تصمیم‌های بزرگ و جدی بگیریم، در حالی که راه برایمان نامعلوم و ناپیدا است. در این زمان‌ها، با دعا و روزه اراده خدا را می‌جوییم. در جای‌های خالی، از تصمیم‌های جدی و بزرگی نام ببرید که باید در مورد آنها با روزه گرفتن به اراده خداوند پی ببرید.

نکته: وقتی در دعا اراده خداوند را می‌جوییم، روح القدس اراده خداوند را در دل و فکر ما نقش می‌اندازد. البته باید حواسمان باشد و با احتیاط پیش برویم. همیشه هرآنچه در دل و فکرمان نقش می‌بندد از خدا نیست. دل و فکر ما به آسانی فریب می‌خورند. تنها معیار بدون خطا درباره اراده خدا کتاب مقدس است. بنابراین، باید هرگونه فکر و احساس و مشورت با دیگران را با کلام خطاناپذیر کتاب مقدس محک ببریم. ما باید بر هرآنچه با کلام مکتوب خدا در تضاد است خط باطل بکشیم.

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۶: روزه‌داری با نگاه به درون

بخش اول: تشخیص گناه

در فصل‌های قبل، سه دلیل بسیار مهم را برای روزه گرفتن ایمانداران بررسی نمودیم: طلبیدن خدا، پرستش خدا، تشخیص ارادهٔ خدا. در این فصل‌های بعدی، به روزه‌داری با نگاه به درون می‌پردازیم، به این معنا که ما به هدف خودآزمایی، توبه، و پیروزی بر گناه روزه می‌گیریم.

محک و خودآزمایی

روزه گرفتن طریق بسیار کارسازی است که می‌توانیم به وسیلهٔ آن خودمان را بیازماییم و خودمان را محک بزنیم. وقتی لذت و خوشی خوردن و آشامیدن را کنار می‌گذاریم، مجال می‌یابیم خود واقعی‌مان را زلال‌تر و شفاف‌تر ببینیم. این یکی از پرفایده‌ترین جنبه‌های روزه گرفتن است، حال آنکه، جمع انبوهی از ایمانداران به این جنبه توجه نمی‌کنند.

وقتی نیازهای اولیهٔ ما تأمین هستند و خوش و خرم هستیم و در رفاه و آسایش به سر می‌بریم، خیلی آسان است ادعا کنیم اشخاصی خداترس و باایمان و باتقوا می‌باشیم. در این زمان‌های دلپذیر، خیلی آسان است نقاب به چهره بزنیم تا کسی عیب و ایراد شخصیت ما را نبیند. یک شخص محزون و اندوهگین، وقتی همه چیز به مراد دلش پیش می‌رود، شاد و سرخوش است. یک شخص طمعکار، وقتی غرق رفاه و ثروت و کامیابی است، می‌تواند به ظاهر نشان دهد بخشنده و سخاوتمند است. یک شخص بی‌صبر و بی‌طاقت، تا وقتی چرخ اوضاع بر مراد دلش بچرخد، با دیگران بردبار و شکیبا است. ولی امان از روزی که در روی پاشنه نچرخد! رفتار و کردار این افراد از این رو به آن رو می‌شود و شخصیت واقعی‌شان آشکار می‌گردد.

برای نشان دادن مثالی دیگر در مورد این حقیقت، فقط کافی است به این بیندیشیم که چطور برای خشم و برآشفته‌گی و بی‌صبر و بی‌طاقت بودن خودمان عذر و بهانه می‌آوریم! در این مواقع، معمولاً می‌گوییم: «من اصلاً خودم نبودم. این بیماری یا این اوضاع و شرایط دشوار باعث شده‌اند خودم نباشم.» در حالی که دقیقاً خلاف این گفته صادق است! بیماری یا اوضاع و شرایط دشوار نقابی را که در اوضاع و شرایط مطلوب بر چهره می‌زنیم برمی‌دارند و خود واقعی‌مان را برملا می‌کنند. پس این سختی‌ها و دشواری‌ها نیستند که ما را برآشفته یا ناشکیبا می‌کنند، بلکه سختی‌ها و دشواری‌ها شخصیت برآشفته و ناشکیبای ما را که بر آن نقاب می‌زنیم آشکار می‌کنند. در نتیجه، متوجه می‌شویم ما همچون کودکانی آرام و متین و باتربیت هستیم، تا زمانی که به میل ما رفتار کنند! ولی امان از روزی که به میل کودکان رفتار نشود! آن وقت است که بداخلاق و بهانه‌گیر می‌شوید، گریه و زاری می‌کنند، و شخصیت واقعی‌شان را نشان می‌دهند.

هرچند نباید خودخواسته مشتاق اوضاع و شرایط نامساعد یا آزمایش‌ها و سختی‌ها باشیم تا به این وسیله ایمان یا شخصیت خودمان را محک بزنیم، باید توجه داشته باشیم که اوضاع و شرایط نامساعد یا آزمایش‌ها و سختی‌ها بخش مهمی از کار تقدیس‌گر خدا در زندگی ما می‌باشند و به همین دلیل نباید از آنها رویگردان باشیم (رومان ۳:۵؛ یعقوب ۲:۱). روزه‌داری بر مبنای کتاب مقدس هدفی مشابه با آزمایش‌ها و سختی‌ها دارد، به این معنا که نه فقط نیازهای اولیهٔ زندگی را از ما دور می‌کند، بلکه چیزی را از ما می‌گیرد که برای بسیاری به اشتباه سرچشمهٔ اصلی شادی و آسایش گشته است، یعنی خوردن و آشامیدن و دورهمی‌هایی که گل سرسبدشان خوردن و آشامیدن است! روزه گرفتن شخصیت حقیقی ما را از این طریق برملا می‌کند که پشتوانه و تکیه‌گاه لذت‌های گذرا را از میان برمی‌دارد و به ما مجال می‌دهد از گناهان پنهان خود توبه کنیم و به مسیح بیشتر تکیه نماییم.

۱. انجیل متی ۱۱:۴-۱۱:۱۱ توصیف‌گر وسوسه عیسی مسیح در بیابان است. در آیات ۱-۳، به سه حقیقت پی می‌بریم که می‌توانند در زندگی هرایماندار و برای انضباط روزه گرفتن کاربرد داشته باشند.

الف. عیسی به دست _____ به _____ شد (آیه ۱). انجیل مرقس به ما می‌گوید «بی‌درنگ، روح وی را به بیابان می‌برد» (۱۲:۱). در متن یونانی این آیه، مرقس واژه *ekballo* «اکبالو» را به کار می‌برد که در توصیف «بیرون افکندن دیوها» استفاده می‌شود. منظور از به کار بردن چنین فعلی بیان این حقیقت است که این اراده خدا بود که مسیح در بیابان آزمایش شود. به همین شکل، این اراده خدا است که ایمانداران گاه به گاه از بوته آزمایش عبور کنند تا شخصیت واقعی‌شان آشکار شود و اگر لازم باشد توبه کنند و ایمان آنها محک زده شود (اول پطرس ۱:۶-۷).

ب. عیسی چون چهل شبانه‌روز _____، آخر، _____ (آیه ۲). شخصیت حقیقی مسیح در حالی که او در دشوارترین موقعیت قرار داشت آشکار می‌شود. او حتی از خوشی‌ها و لذت‌های اصلی و اولیه، مانند خوردن و آشامیدن و همنشینی با دیگران، خودداری می‌کند. حضور در بیابان به همراه روزه‌داری نقش بسیار مهمی در مکشوف نمودن جوهر و خمیره حقیقی مسیح داشت (عبرانیان ۴:۱۵). کاربرد و کارایی روزه گرفتن امری آشکار و معلوم است. وقتی از خوشی‌ها و لذت‌های اصلی و اولیه مانند خوردن و آشامیدن و همنشینی با دیگران، که معمولاً با خوردن و آشامیدن همراه است، چشم‌پوشی می‌کنیم، شخصیت حقیقی ما واضح‌تر آشکار می‌شود و گناهان ما روشن‌تر و شفاف‌تر برملا می‌شوند. روزه‌داری به ما فرصت می‌دهد تا با ایمان پیش برویم و از گناهان مخفی توبه نماییم.

ج. پس _____ نزد او آمد (آیه ۳). همچون وسوسه مسیح در بیابان، وقتی که روزه می‌گیریم، شیطان به ما هم نزدیک می‌شود تا ما را متهم و محکوم و وسوسه کند. اما پلیدی شیطان به خیریت ما تمام می‌شود اگر که در مقابل او مقاومت کنیم، به خدا نزدیک شویم، و دست‌های خود را طاهر و دل‌های خود را پاک نماییم (یعقوب ۴:۷-۸). هر گناهی که در نظر ما برملا می‌شود باید ما را به سمت اعتراف و توبه ببرد. هر بار که وسوسه می‌شویم، باید به خدا بیشتر تکیه و توکل نماییم.

۲. با توجه به حقایقی که از انجیل متی ۱:۴-۳ آموختیم، چگونه روزه گرفتن به ما کمک می‌کند از اندرز و گوشزد کتاب مراثی ارمیا ۴۰:۳ اطاعت کنیم: «راه‌های خود را تجسس و تفحص بنماییم و به سوی خداوند بازگشت کنیم»؟

توبه

در دوران عهدعتیق، روزه گرفتن اغلب با شکسته‌دلی به خاطر گناه، و توبه و اعتراف همراه بود. اما مهم است درک نماییم که ما به این دلیل روزه نمی‌گیریم که خدا گناهان ما را بیامزد. گناهان ما با توبهٔ اصیل و واقعی و ایمان آوردن به مسیح آمرزیده می‌شوند. روزه گرفتن صرفاً واکنش ایمانداری است که زشتی و وقاحت گناه خویش را درک نموده و به قدری از گناه و سرپیچی دلش شکسته است، به قدری از عواقب ویرانگر گناه ترسان و هراسان است، به قدری دلش برای اصلاح و بهبود شرایط پرپر می‌زند که حاضر می‌شود لذت‌های گذرا را به دست فراموشی بسپرد و همهٔ فکر و ذکرش مشارکت با خدا و یاری گرفتن از او باشد.

۱. رسالهٔ دوم قرن‌تین ۱۱:۷ از توبهٔ اصیل و واقعی و بر مبنای کتاب مقدس به ما تصویر شفافی می‌دهد. جای‌های خالی را با ویژگی‌های مناسب پُر کنید.

الف. چگونه _____، بلکه احتجاج. این واژه در زبان یونانی *spoude* «اسپود» می‌باشد که بیانگر کوشایی و رغبت یا شوق و اشتیاق شدید برای انجام کار درست است.

ب. همین که _____ شما _____ بود. عبارت «برای خدا» در زبان یونانی *kata theon* «کاتا تئون» می‌باشد. غمی که برای خدا است غمی خدایی است، غمی خداپسندانه است. توبهٔ واقعی فقط این نیست که به خاطر بار گناه و تقصیر و به خاطر تأثیری که گناه بر ما دارد محزون و اندوهگین باشیم. کسانی که توبه می‌کنند در اصل به این دلیل بار غم در دل دارند که می‌دانند به خدا گناه و بی‌حرمتی کرده‌اند.

ج. چگونه کوشش، بلکه _____ . این واژه در زبان یونانی *apologia* «آپولوگیا» می‌باشد که به دفاع شفاهی یا رفع ابهام اشاره دارد. ایمانداری که به معنای واقعی توبه می‌کند مشتاق است قدم‌های صحیح را بردارد تا سرسپردگی دوبارهٔ خودش را به ارادهٔ خدا نشان دهد و حقانیت خویش را ثابت کند. ایمانداری که توبه می‌کند دلش می‌خواهد ثمرهٔ شایستهٔ توبه به بار آورد (متی ۸:۳).

د. بلکه احتجاج، بلکه _____ . این واژه در زبان یونانی *aganaktesis* «آگاناکتسیس» می‌باشد که بیانگر خشم، برآشفته‌گی، و حزن است. ایمانداری که به راستی توبه می‌کند به خاطر گناهی که مرتکب شده است به معنای واقعاً از خودش عصبانی است (افسیان ۲۶:۴-۲۷).

ه. بلکه خشم، بلکه _____ . این واژه به ترس خدا اشاره دارد، به ترس دور ماندن از ارادهٔ خدا، به ترس عواقب ویرانگر گناه. چنین ترسی ثابت می‌کند ایمانداری که توبه کرده است عواقب قبیح و خطرناک گناه را به درستی درک نموده است.

و. بلکه ترس، بلکه _____ . این واژه در زبان یونانی *epipothesis* «ایپپوتسیس» می‌باشد که بیانگر شوق یا آرزوی شدید، پرشور، و حتی آتشین می‌باشد. ایمانداری که به معنای واقعی توبه می‌کند آرزو و اشتیاق دلش پاکی و قدوسیت است و مشارکت دوباره با خدا و سایر ایمانداران.

ز. بلکه اشتیاق، بلکه _____ . این واژه در زبان یونانی *zelos* «زُلس» می‌باشد که بیانگر وقف و سرسپردگی شدید و پرحرارت است. این وقف و سرسپردگی نقطهٔ مقابل بی‌احساسی یا بی‌تفاوتی است.

ح. بلکه غیرت، بلکه _____ . این واژه در زبان یونانی *ekdikesis* «اکدیکسیس» می‌باشد که بیانگر اجرای عدالت، حتی گرفتن انتقام است. در اینجا، بحث انتقام‌گیری شخصی در میان نیست، بلکه بحث عدالتخواهی مطرح است. منظور این است که ایماندار خود را متعهد و سرسپرده بداند تا خواسته‌اش این باشد که عدالت اجرا شود و هر ناراستی و اشتباهی اصلاح گردد.

۲. چنان که قبلاً هم عنوان کردیم، در دوران عهدعتیق، روزه گرفتن اغلب با توبه همراه بود. در ادامه، به نمونه‌هایی از توبه فردی و توبه جمعی، که با روزه‌داری همراه است، اشاره می‌نماییم. این نمونه‌ها گویای بسیاری از حقایقی هستند که در رساله دوم قرن‌تین ۱۱:۷ آنها را بررسی نمودیم. چکیده‌ای از هریک از این آیات را توضیح دهید. از این آیات، درباره توبه و روزه چه می‌آموزیم؟

الف. نحمیا ۱:۳-۱۰

نکته: سازه‌های اصلی در روزه نحمیا از این قرارند: ماتم و سوگواری، گریه و زاری به خاطر رنج و درد و بی‌آبرو شدن قوم خدا (آیات ۳-۴)، دعا (آیه ۴)، اعتراف به گناه (آیات ۶-۷)، تمنای نجات و رهایی با توکل و تکیه به شخصیت خدا (آیه ۵) و وعده‌های خدا (آیات ۸-۱۰).

ب. نحمیا ۱:۹-۳

نکته: سازه‌های اصلی در روزه قوم اسرائیل از این قرارند: تواضع و فروتنی و ماتم و سوگواری (آیه ۱)، کناره گرفتن از ناپاکی و ناراستی (آیه ۲)، اعتراف به گناه به همراه نیایش و پرستش (آیات ۲-۳)، خواندن شریعت خدا (آیه ۳). در اینجا، به رابطه مستقیم میان شریعت یا کلام خدا، برملا شدن گناه در زندگی ایماندار، و اعتراف به گناه توجه کنید. هر شکسته‌دلی، هراعتراف، و هر روزه‌داری باید بر مکاشفه اراده خدا در کلامش استوار باشد.

ج. دانیال ۹: ۳-۵، ۱۷-۱۹

نکته: سازه‌های اصلی در روزه دانیال از این قرارند: دعا و تمنای آمرزش و بازایی (آیات ۳، ۱۷-۱۹)، تواضع و فروتنی و ماتم سوگواری که نشانه‌اش نشستن در پلاس و خاکستراست (آیه ۳)، اعتراف به امانت و وفاداری خدا (آیه ۴)، اعتراف به گناه قوم خدا (آیه ۵). توجه کنید که پایه و اساس تمنای دانیال برای بخشش قوم اسرائیل نه لیاقت و شایستگی آن قوم است و نه فضیلت روزه گرفتن دانیال، بلکه شخصیت خدا پایه و اساس تمنا و تقاضای دانیال می‌باشد (آیه ۱۸).

د. یوئیل ۲: ۱۲-۱۳

نکته: سازه‌های اصلی در روزه‌داری که از زبان یوئیل نبی مکشوف می‌شوند از این قرارند: بازگشت به سوی خدا که نشانه‌ی رویگردانی از گناه است (آیه ۱۲)، شکسته‌دلیِ اصیل و واقعی که خود را در گریه و زاری و ماتم و سوگواری نشان می‌دهد (آیات ۱۲-۱۳)، امید به شخصیت و وعده‌های خدا (آیه ۱۳). توجه کنید که روزه‌داری را نباید به چشم یک آیین و تکلیف مذهبی و ظاهری نگاه کنیم (یعنی ظاهر خود را مصیبت‌زده و غم‌زده نشان دهیم و به اصطلاح سینه چاک دهیم و جامه بدریم). روزه‌ی راستین نتیجه و بازتاب واقعیتی درونی است (یعنی غم و اندوه حقیقی به خاطر گناه یا به عبارتی چاک زدن دل).

ه. یونس ۳: ۴-۱۰

نکته: سازه‌های اصلی در روزه‌داری اهالی نینوا از این قرارند: ایمان آوردن به کلام خدا (آیه ۴)، تواضع و فروتنی از بزرگ و کوچک، از خُرد و کلان، حتی فروتن شدن پادشاه (آیات ۵-۶)، ماتم و سوگواری که نشانه‌اش نشستن در پلاس و خاکستراست (آیات ۶-۸)، دعای صادقانه (آیه ۸)، دست کشیدن و رویگردانی از گناه (آیه ۸)، امید به رحمت‌های خدا (آیات ۹-۱۰).

۳. کتاب اعمال رسولان فصل ۹ توصیف‌گر توبه کردن و ایمان آوردن شائول طرسوسی، بزرگ‌ترین جفاگر کلیسای اولیه، است. پس از ملاقات با عیسی مسیح جلال‌یافته در راه دمشق، شائول نابینا می‌شود، تا جایی که باید دستش را بگیرند و او را به شهر ببرند. به گفته‌ی آیه ۹، اولین واکنش شائول به ملاقات با مسیح و ایمان آوردن خودش چه می‌باشد؟ از این رویداد درباره‌ی توبه و روزه گرفتن چه حقایقی را می‌آموزیم؟

نکته: پس از ملاقات با عیسی مسیح قیام یافته، پایه‌های زندگی پولس ویران می‌شوند و کل واقعیت‌های زندگی او فرو می‌ریزند. پولس به این درک می‌رسد که درباره همه چیز در اشتباه بوده است. او از نظر جسمانی نابینا می‌شود، اما برای نخستین بار در زندگی‌اش نور را می‌بیند. البته توبه و ایمان شورانگیز پولس و واکنش و پاسخ بی‌درنگ او نباید به یک اصل و قاعده برای روند ایمان آوردن دیگران تبدیل شود. با این حال، می‌توانیم از تجربه پولس درس‌هایی را یاد بگیریم. اولین درس این است که گناهان و خطایای ما بسیار جدی هستند و نباید آنها را دست‌کم بگیریم. وقتی خدا گناهان ما را بر ما مکشوف می‌سازد، باید با تفکر و ژرف‌اندیشی به این مکاشفه پاسخ دهیم. دومین درس این است که هر مکاشفه‌ای از حقیقت کلام خدا امر بسیار جدی و مهمی است و ما را امانت‌دار حقیقت می‌گرداند. ما نباید نسبت به حقیقت بی‌دقت و بی‌توجه باشیم. ما باید حقیقت را در دلمان پاسداری نماییم، باید به معنا و مفهوم حقیقت، ژرف، بیندیشیم، باید پاسخ و واکنشمان به حقیقت بجا و سنجیده باشد. سومین درس این است که موقعیت‌هایی پیش می‌آیند که موقعیت‌هایی باوقار و باشکوه و باب‌بیت می‌باشند. در این زمان‌ها، لازم است فعالیت‌های روزمره را کنار بگذاریم و ملاحظه کنیم که خداوند در زندگی ما چه کرده و خواست و اراده‌اش برای زندگی ما چه می‌باشد. روزه گرفتن می‌تواند در این کناره‌گیری از فعالیت‌های روزمره نقش مهمی داشته باشد، به ویژه در این روز و روزگار پرمشغله و مملو از سرگرمی‌های سبک‌سرانه!

۴. کتاب مقدس گویای یکی از برجسته‌ترین و چشمگیرترین نمونه‌های توبه و روزه‌داری می‌باشد که نمودار فیض خدا و تمایل او به آمرزیدن است. کتاب مقدس به ما می‌فرماید آخاب پادشاه «از همه آنانی که قبل از او بودند در نظر خداوند بدتر کرد» (اول پادشاهان ۱۶: ۳۰) «و در اعمال خود افراط نموده، خشم یهوه، خدای اسرائیل، را بیشتر از جمیع پادشاهان اسرائیل که قبل از او بودند به هیجان آورد» (اول پادشاهان ۱۶: ۳۳). در پاسخ به شرارت‌های آخاب، خدا ایلای نبی را می‌فرستد تا داوری هولناک الهی را بر آخاب اعلام کند. به فرموده کتاب اول پادشاهان ۲۱: ۲۷-۲۹، آخاب چه واکنشی نشان می‌دهد؟ پاسخ خدا به آخاب چه می‌باشد؟ این رویداد درباره شخصیت خدا به ما چه تعلیمی می‌دهد؟ چگونه این حقایق در زندگی ایمانداران کاربرد دارند؟

نکته: خداوند خدای رحیم و رئوف و دیرخشم و کثیرالاحسان و وفا است (خروج ۳۴: ۶-۷). اگر خدا تا این اندازه مشتاق آمرزیدن پادشاهی پلید همچون آخاب است، آیا مایل نیست فرزندان خویش را بیامرزد؟ در رساله رومیان ۸: ۳۱-۳۵، پولس رسول می‌پرسد: «پس به این چیزها چه گوییم؟ هرگاه خدا با ما است، کیست به ضد ما؟ او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه جمیع ما تسلیم نمود، چگونه با وی همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟ کیست که بر برگزیدگان خدا مدعی شود؟ آیا خدا که عادل‌کننده است؟ کیست که برایشان فتوا دهد؟ آیا مسیح که مرد، بلکه نیز برخاست، آن که به دست راست خدا هم هست و ما را نیز شفاعت می‌کند؟ کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟»

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۷: روزه‌داری با نگاه به درون

بخش دوم: نبرد با گناه

فقط توبه هدف نیست، بلکه باید مشتاق باشیم در فیض رشد نماییم، بر خودمان تسلط داشته باشیم، و بر گناه پیروز شویم. کلام خدا (مطالعه، تفکر و تأمل، به حافظه سپردن) و دعا دو مورد از طریق‌های فیض می‌باشند که جهت رشد روحانی و تقدیس شدن ایمانداران همواره از آنها نام برده می‌شود، در حالی که روزه گرفتن نیز طریق بسیار مفید و پرفایده‌ای برای پیروزی بر گناه و تسلط بر خواسته‌ها و هوس‌های جسم می‌باشد.

پیروزی بر گناه

قصاص و محکومیتی در انتظار ایمانداران نیست (رومیان ۸:۱). ایمانداران دیگر برده گناه نیستند (غلاطیان ۵:۱۷). جسم، دنیا، و شیطان، همگی، همدستند تا بر ایمانداران غلبه و شهادت آنها را خراب کنند. به این دلیل، باید با هرچه در توان داریم محکم و استوار ایستادگی کنیم. فقط مطالعه کلام خدا و به کارگیری آن در زندگی و وقف دعا بودن تنها طریق‌های فیض نیستند که در دست ما می‌باشند. در سراسر تاریخ کلیسا، روزه‌داری نیز وسیله قوت گرفتن ایمانداران در نبرد با گناه بوده است. هر وقت کتاب مقدس را مطالعه می‌کنیم، باید کتاب مقدس سخن بگوید و خودش را تفسیر نماید. ما باید آموزه‌ها و تعالیم مسیحی را از کلام خدا یاد بگیریم، نه اینکه چند جمله‌ای را خارج از بافت و محتوای کل متن بیرون بکشیم و بر اساس آیه‌ای خارج از متن آموزه یا تعلیمی را برای خودمان شکل بدهیم. آیه‌ای در کتاب مقدس وجود ندارد که مستقیم تعلیم بدهد روزه‌داری وسیله‌ای است که می‌توانیم با آن بر گناه پیروز شویم یا بر گناهی خاص که پاکیز و دامنگیر ما شده است غلبه نماییم (عبرانیان ۱۲:۱). با این حال، کلام خدا اشاره می‌کند روزه گرفتن همراه با دعا یک انضباط روحانی است که در پیشبرد ملکوت خدا و پیشرفت ما در قدوسیت و خدا ترسی مددکار و یاری‌رسان است (متی ۵:۶، ۱۶). علاوه بر این، در زمان‌هایی که نیازی چشمگیر وجود دارد، وقتی واقعاً لازم و ضروری است که لطف خدا و قدرت خدا وارد عمل شوند، کلام خدا در کنار دعا از روزه گرفتن نام می‌برد. وقتی آشفته و سردرگم هستیم، وقتی لازم است از گناهی توبه کنیم، به وقت تمنا برای نجات از دست دشمن، شفای بیماری، و خلاصی از محنت و مصیبتی خاص، دعا و روزه‌داری توصیه می‌شود. به این دلیل، ما زیربنا و شالوده‌ای بر پایه کتاب مقدس در دست داریم که می‌دانیم روزه‌داری وسیله‌ای است برای پیروزی بر گناه. این قاعده به طور خاص در مواردی صدق می‌کند که لازم است با گناهانی مبارزه کنیم که جای پای خودشان را در زندگی ما محکم کرده‌اند و پیوسته بر ما چیره می‌شوند.

تسلط بر خود

در موعظه «خوشا به حال‌ها»، مسیح تعلیم می‌دهد پاکدلان مبارکند (متی ۵:۸). «پاکدل» به معنای واقعی کلمه توصیف کسی است که فقط دل‌باخته یک چیز است. در موعظه بالای کوه، مسیح به شاگردانش هشدار می‌دهد نمی‌توانند دو ارباب را خدمت کنند، چون یا از یکی بیزارند و آن دیگری را دوست دارند و یا سرسپرده یکی هستند و دیگری را حقیر می‌شمزند (متی ۶:۲۴). به قول معروف، دو پادشاه در یک اقلیم نگنجند. به این دلیل، ایماندار باید حواسش جمع باشد تا دل خود را محک بزند و با هرچه در توان دارد بکوشد تا خاطر جمع شود که مبادا گناهی بر او مسلط باشد، مبادا حتی برکت‌های نیکویی

که خداوند به او نعمت بخشیده است دلش را تسخیر کرده باشند. معمولاً، برای ایمانداران اتفاق بعیدی نیست که نعمت را بیشتر از نعمت‌دهنده در دلشان عزیز بدارند. روزه گرفتن می‌تواند وسیله‌ای باشد که به ما نشان دهد دلمان شیفته چه چیزهای دیگری است یا چه چیزهایی بر زندگی مان تسلط دارند تا آن‌گاه بتوانیم با توبه و ایمان به آنها رسیدگی کنیم.

به طور خاص، در کشورهای پیشرفته که نعمت فراوان است و مردم از امکانات مالی و رفاهی قابل توجهی برخوردارند، این جنبه از روزه‌داری در زندگی ایمانداران اهمیت ویژه‌ای دارد. رفاه و آسایش داشتن و بی‌درد بودن و روی سختی را ندیدن و به اصطلاح در پَر‌قو‌خوایدن به خودی خود گناه نیست. با این حال، ایمانداری که غرق ناز و نعمت و رفاه و آسایش است همواره در معرض این وسوسه قرار دارد که بیشتر دل خوش کند به رفاه و آسایش و خوش و خرم بودن و لذت بردن از مادیات و حظ بردن از موقعیت‌های دلپذیر و راضی شدن به خوشی‌های گذرا. ایمانداری که لب ترکند هرچه می‌خواهد برای او فراهم است برای یافتن هدف و تسلی و شادی وسوسه می‌شود بیشتر به این دلخوشی‌ها دل ببندد تا به خدا. این دلبستگی می‌تواند به بتی تبدیل شود که در خلوت دل ایماندار جا خوش می‌کند. کنار گذاشتن برکت‌های گذرا و وقف دعا و روزه شدن این بت‌های نهان را آشکار می‌سازند و مددکار ما می‌شوند تا بر آن دلباختگی‌ها تسلط بیابیم.

۱. در رساله اول قرن‌تین ۱۲:۶، پولس رسول این تعلیم اشتباه را اصلاح می‌کند که ایماندار آزاد است هر کاری دلش می‌خواهد انجام دهد. به گفته پولس رسول، آزادی ما به حد و اندازه‌ای است که برای رشد ما در قدوسیت و خداترسی مفید باشد. سپس پولس جمله‌ای می‌گوید که هم در مورد اشتیاق به کارهایی که کتاب مقدس آنها را تأیید نمی‌کند صادق است و هم در مورد اشتیاق به کارهایی که مورد تأیید کتاب مقدس می‌باشند.

الف. نمی‌گذارم که _____ بر من _____ . فعل «تسلط یابد» در زبان یونانی *exousiazō* «اگزوسیازو» می‌باشد که به این معنا است: «قدرت یا اقتدار داشتن بر یک نفر» یا «مسلط بودن بر یک نفر». عیسی مسیح می‌فرماید همه اقتدار بر زمین و آسمان از آن او می‌باشد (در دستور زبان این کلام مسیح، واژه «اقتدار» حالت اسم است که از همان فعل «تسلط یابد» ریشه می‌گیرد). پولس تصمیم می‌گیرد مسیح و اراده مکشوف مسیح بر او تسلط داشته باشد و هر فکری را به اطاعت مسیح اسیر سازد (دوم قرن‌تین ۵:۱۰). هوس‌ها و خواسته‌هایی که کتاب مقدس آنها را منع می‌کند ارباب پولس نیستند. حتی آزادی‌هایی که کتاب مقدس آنها را جایز می‌داند نیز بر پولس تسلط ندارند. مسیح آقا و سرور دل پولس است، مسیح تمرکز زندگی پولس است، مسیح سرچشمه رضایت و خرسندی پولس است.

۲. در رساله اول قرن‌تین ۲۴:۹-۲۷، پولس رسول زندگی ایماندار را به مسابقه ورزشی تشبیه می‌کند. او با چندین جمله مهم نشان می‌دهد نظم و انضباط در زندگی مسیحی امری بسیار مهم و جدی می‌باشد. این جمله‌ها را نام ببرید؟ این جمله‌ها برای ایمانداران به چه معنا می‌باشند؟

الف. لکن ما _____ را (آیات ۲۴-۲۵). جایزه یا حلقه گل را به برنده مسابقه ورزشی هدیه می‌دادند. این حلقه گل پژمرده می‌شد و از بین می‌رفت (در زبان یونانی: *phthartos* «فثارتوس»). ولی پاداش ایمانداران به مسیح ناپژمردنی و جاویدان می‌باشد (در زبان یونانی: *aphthartos* «آفثارتوس»). اگر یک ورزشکار برای یک لحظه شادی ناپایدار و حلقه گلی که در یک چشم به هم زدن پژمرده می‌شود کل زندگی‌اش را زحمت می‌کشد و عرق می‌ریزد و تمرین می‌کند و آموزش می‌بیند، چقدر بیشتر، یک ایماندار باید خودش را تربیت کند یا انضباط دهد که به جلال جاویدان برسد و پاداش ناپژمردنی را به دست آورد!

ب. به این‌طور شما _____ تا به کمال _____ (آیه ۲۴). این یک واقعیت است که زندگی مسیحی همانند یک مسابقه است. یا پاداش جاودانی را برنده می‌شویم یا بازنده عذاب ابدی می‌گردیم. اما این رقابت میان ایمانداران برگزار نمی‌شود. این رقابت میان ایماندار است و آنچه با او در جبهه مخالف قرار دارد، از جمله جسم او و نفس

سقوط کرده‌وی. زندگی مسیحی مانند یک مسابقه ورزشی است که پاداش چشمگیری را به کسانی وعده می‌دهد که با خط مشی درست و با خویشتن‌داری، هدفمند و همراه با دیدگاهی مقدس، به پیروزی دست می‌یابند (مکاشفه ۷:۲۱). با این حال، صرفاً به هر کسی که در مسابقه شرکت می‌کند، برای اینکه فقط دلش خوش باشد، جایزه نمی‌دهند.

ج. هر که _____ کند در هر چیز _____ (آیه ۲۵). واژه «ورزش» در زبان یونانی *agonizomai* «آگونیزومای» می‌باشد که به این معنا است: «غیرتمندانه و با سخت‌کوشی و به شدت تلاش و تکاپو نمودن برای دست یافتن به یک هدف». این واژه برای رقابت در مسابقه ورزشی یا مبارزه با حریف به کار می‌رود. واژه‌ای که در اینجا «ریاضت» ترجمه شده است در زبان یونانی *egkrateuomai* «اِگِکِراتِئومای» می‌باشد که بیانگر خویشتن‌داری یا خویشتن‌فرمایی است. ورزشکاری که در حال آماده شدن برای مسابقه است باید خویشتن‌داری یا خویشتن‌فرمایی پیشه کند. ورزشکار عزم خود را جزم می‌کند تا از خوراک‌ها یا فعالیت‌هایی که برای اجرای مسابقه مانع ایجاد می‌کنند پرهیز نماید.

د. من چنین می‌دوم، نه چون کسی که _____ (آیه ۲۶). هدف اصلی زندگی پولس این است که خداوند را خشنود سازد (دوم قرن‌یان ۹:۵). از این‌رو، او کل زندگی‌اش را برای دستیابی به این هدف نظم و ترتیب می‌دهد. زندگی پولس سبک‌سرانه و به اصطلاح باری به هر جهت نبود. او در زندگی‌اش هدفمند بود. همچون یک ورزشکار شرکت‌کننده در مسابقه المپیک، پولس هر جنبه از زندگی‌اش را با نظم و ترتیب پیش می‌برد تا در مسابقه برنده شود. پولس بی‌هدف نمی‌دوید، او در مسیر مشخصی می‌دوید: هدفش گرفتن پاداش آسمانی بود! پولس چشمش به خط پایان بود (فیلیپیان ۳:۱۳-۱۴)!

ه. و _____ نه آنکه هوا را _____ (آیه ۲۶). اینجا دوباره شاهد قصد، هدف، و خط مشی هستیم. پولس برای برنده شدن مبارزه می‌کند و تلاش او سبک‌سرانه و به اصطلاح باری به هر جهت نیست. پولس تکلیفش با خودش و مقصودش مشخص است و دقیقاً به هدف می‌زند. مانند یک ورزشکار حرفه‌ای، پولس ضعف‌های زندگی خود را شناسایی می‌کند و تلاش و تکاپو می‌نماید آنها را برطرف سازد تا بتواند به هدفش برسد.

و. بلکه _____ خود را _____ (آیه ۲۷). واژه‌ای که در اینجا «زبون» ترجمه شده است در زبان یونانی *hupopiazō* «هیپوپیاژو» می‌باشد که به این معنا است: «سیاه و کبود کردن» یا «به شدت ضربه زدن که باعث کوفتگی و جراحت شدید گردد». یک مشت زن خودش را در معرض شدیدترین و توان‌فرساترین تمرین‌ها قرار می‌دهد که بدنش محکم و به اصطلاح آبدیده شود تا بتواند مبارزه را تاب بیاورد. به همین شکل، پولس نیز بدن خود را نازپرورده بار نمی‌آورد و به التماس بدنش که دلش نوازش می‌خواهد گوش نمی‌دهد. خواست پولس این است که به قدرت روح‌القدس زندگی کند و خود را تسلیم ضعف جسمانی نگرداند و به امیال گناه‌آلود جسمش توجه نکند.

ز. آن را در _____ می‌دارم (آیه ۲۷). این عبارت در زبان یونانی واژه‌ای است به نام *doulagoeo* «دولاگوگئو» که به این معنا می‌باشد: «به بردگی کشاندن». این واژه در مورد فاتحی به کار می‌رود که دشمن مغلوب خود را اسیر و او را برده خود می‌سازد. نیازهای جسمانی پولس و امیال و خواسته‌های گذرا اختیاردار زندگی او نبودند، پولس به قدرت روح‌القدس و در راستای اراده خدا بر نیازهای جسمانی و امیال و خواسته‌های گذرا تسلط می‌یابد. پولس نیازهای جسمانی و امیال و خواسته‌های گذرا را غلام دست به سینه اراده خدا و هدف و مقصود انجیل می‌گرداند. باید به یاد داشته باشیم که بدن ما شریر و پلید نیست. با این حال، بدن ما ضعیف و در معرض این وسوسه قرار دارد که به رفاه و آسایش و امنیت و خوشی و راحتی تن دهد. وقتی حرف از انضباط به میان می‌آید، این بدن بی‌درنگ ناله سر می‌دهد و التماس می‌کند به آن سخت‌نگیریم و دست نوازش به سرش بکشیم!

ح. اکنون، که این عبارت‌ها را بررسی نمودیم، در مورد آنها توضیح دهید. این حقایق برای ایمانداران به چه معنا می‌باشند؟

نکته: در رسالهٔ اول قرن‌تین ۹: ۲۶-۲۷، پولس رسول می‌گوید بدنش را انضباط می‌دهد (به معنای واقعی کلمه: «آن را سیاه و کبود می‌کند.») با این حال، در رسالهٔ کولسیان ۲: ۲۳، او هشدار می‌دهد سختی و آزار دادن به بدن (یعنی به سبک صومعه‌نشینان زندگی کردن و ریاضت کشیدن) برای رفع تن‌پروری و عادت لذت‌گرایی فایده‌ای ندارد و ایماندار را مقدس‌تر نمی‌گرداند. در این دو کلام پولس تضادی وجود ندارد. در رسالهٔ اول قرن‌تین فصل ۹، پولس به ما گوشزد می‌کند بدن خود را انضباط بدهیم تا آن را غلام دست به سینه هدف تابناک زندگی و خدمت به مسیح بگردانیم. یک ورزشکار بدنش را به سختی نظم و انضباط می‌دهد و آن را با جدیت تربیت می‌کند. ورزشکار به این دلیل به این نظم و انضباط و سختگیری تن نمی‌دهد که از بدن خویش بیزار است یا دلش می‌خواهد بدنش را نابود کند. ورزشکار به این تعلیم و تربیت تن می‌دهد، چون دلش می‌خواهد بدنش را قوی‌تر کند و با آمادگی جسمانی به سوی برنده شدن در مسابقه پیش برود. در میانهٔ تب و تاب و جوش و خروش مسابقه، بدن دلش می‌خواهد کنار بکشد، مسابقه را رها کند، و تسلیم شود. اما، وقتی از قبل آبدیده و منضبط شده باشد، می‌داند باید درد را نادیده بگیرد و تاب آورد تا طعم پیروزی را بچشد.

۳. در رسالهٔ فیلیپیان ۳: ۱۸-۱۹، پولس رسول انبیا و معلمان کاذبی را توصیف می‌کند که به معنای واقعی کلمه «دشمنان صلیب مسیح» هستند. نه فقط تعالیم آنها اشتباه است، طرز تفکر و سبک زندگی این معلمان نیز کاملاً با سرمشق یادشده در رسالهٔ اول قرن‌تین ۹: ۲۴-۲۷ در تضاد می‌باشد. در رسالهٔ فیلیپیان ۳: ۱۹، پولس از سه صفت و عادت زشت و زننده نام می‌برد که جلوه‌گر و نمودار امیال جسمانی بوده و توصیف‌گر این معلمان کاذب می‌باشند. جای‌های خالی را با واژگان مناسب پُر نمایید.

الف. _____ ایشان _____ ایشان. واژهٔ «شکم» در زبان یونانی *koilia* «کوئلیا» می‌باشد که به مفهوم واقعی کلمه به معنای «شکم» یا «معه» است. نام بردن از این واژه در اینجا فقط به خوردن و آشامیدن محدود نمی‌شود، بلکه منظور همهٔ امیال و خواسته‌های انسان است. هرچند اشتها داشتن و خوردن و آشامیدن نعمت‌های خدا هستند، می‌توانند به بت تبدیل شوند. اگر می‌خواهیم تندرست باشیم، حتماً باید غذا بخوریم. با این حال، میل و اشتیاق ما به غذا (و سایر لذت‌های گذرا) می‌تواند زیاده باشد و از حد بگذرد. میل و اشتیاق ما به غذا (و سایر لذت‌های گذرا) می‌تواند به ارشد خواسته‌ها و میل و اشتیاق ما تبدیل گردد، می‌تواند به جای خدا پشتوانه و تسلی‌گاه ما گردد. همچنین میل و اشتیاق ما به غذا (و سایر لذت‌های گذرا) می‌تواند به یک تکیه‌گاه کاذب تبدیل شود و بر گناهی

که در ما پنهان شده است نقاب بزند. انضباط روزه‌داری این مشکل را به ما نشان خواهد داد و به ما یاری می‌رساند بر آن تسلط بیابیم.

ب. _____ ایشان در _____ ایشان. بافت و محتوای متن به ما نشان می‌دهد آن معلمان کاذب اشخاص بی‌ایمانی بودند که به اعمال شرم‌آور جسم خود فخر می‌فروختند (یعنی خودستایی می‌کردند و سرخوش بودند) (غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱). چقدر شرم‌آور است که بیشتر از آنکه مشتاق خدا باشیم مشتاق و بی‌تاب چیز دیگری باشیم، حتی مشتاق و بی‌تاب نعمت‌های خدا. روزه گرفتن میل و اشتیاق حقیقی ما را آشکار می‌کند و به ما نشان می‌دهد سرچشمه رضایت و خرسندی و دلخوشی ما کجا است؟ خدا یا لذت‌های گذرا؟ همچنین روزه‌داری می‌تواند امیال و خواسته‌های ما را با آنچه به راستی ارزشمند است، یعنی خدا و ملکوتش، هم‌دل کند.

ج. چیزهای _____ را _____ . پولس در رساله کولسیان ۳: ۱-۲ به ایمانداران می‌گوید: «پس، چون با مسیح برخیزانیده شدید، آنچه را که در بالا است بطلبید، در آنجایی که مسیح است، به دست راست خدا نشسته. در آنچه بالا است تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است.» حتی ایمانداران ممکن است تمرکز خود را از دست بدهند و دلشان بیراهه برود. روزه‌داری به ما نشان می‌دهد فکر ما کجا متمرکز است و شوق دلمان چیست و دلمان برای چه چیزی غنج می‌زند. روزه گرفتن به ما کمک می‌کند شوق و اشتیاق دلمان را بر خدا متمرکز نماییم.

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۸: روزه‌داری با نگاه به درون

بخش سوم: محک زدن خویش

محک زدن درون

این بخش از مطالعه خودمان را با مجموعه‌ای از پرسش‌هایی پایان می‌دهیم که ما را یاری می‌رسانند در خصوص وابستگی به خوردن و آشامیدن و سایر لذت‌های گذرا دل خود را محک بزنیم. ما باید حواسمان باشد با خدا چنان رابطه صمیمی و نزدیکی داشته باشیم که فقط در او شاد و خرسند گردیم و بیش از هر چیز دیگر در خدا سیراب باشیم. همواره باید متوجه باشیم مبدا نعمت‌های نیکوی زندگی‌مان از آن یکتا کسی که نعمت‌های نیکورا به ما بخشیده است مهم‌تر شوند!

۱. آیا اسیر (وابسته بیش از اندازه) غذا، تفریح و سرگرمی، یا لذت‌ها و خوشی‌های زودگذر هستید؟ صادقانه خود را بیازمایید و پاسخ خود را توضیح دهید.

[illegible]

This image shows a blank sheet of white paper with horizontal ruling lines. The lines are evenly spaced and run across the width of the page. There are no margins, text, or other markings on the paper.

نتیجه‌گیری

روزه گرفتن روشی مفید است برای تسلط یافتن بر بدن و زندگی کردن در اطاعت چشمگیر از خداوند. وقتی روزه می‌گیریم و از غذا خوردن و تفریح و سرگرمی و سایر لذت‌های گذرا پرهیز می‌کنیم، چشم ما بیشتر بر روی این واقعیت باز می‌شود که ببینیم همه این چیزهای ناپایدار تا چه اندازه در زندگی ما مهم هستند و ما تا چه اندازه به آنها وابسته‌ایم. اگر به هنگام روزه‌داری ناراحت و بدخلق و عصبانی یا حتی دلگیر و غم‌زده می‌شویم، می‌فهمیم که به جای خدا وابسته خوشی‌های زودگذر شده‌ایم. این رونمایی از واقعیتی زشت و ناخوشایند است، ولی به ما فرصتی می‌دهد تا توبه کنیم، اعتراف کنیم، و به تخت خدا و به درگاه خدا تمنا کنیم تا ما را فیض بیشتری عطا نماید. قبل از آنکه روزه خود را بشکنیم، باید در دعا اراده خدا را بطلبیم تا بدانیم چگونه از خوردن و آشامیدن و بقیه نعمت‌های خدا لذت ببریم. علاوه بر این، باید مشخص کنیم که چگونه با خدا رابطه عمیق‌تر داشته باشیم و بیش از پیش به او وابسته‌تر گردیم.

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۹: روزه‌داری با نگاه به بیرون

تا اینجا، روزه‌داری با نگاه به بالا و روزه‌داری با نگاه به درون را بررسی نمودیم. در این فصل، به چشم‌انداز پایانی می‌رسیم: روزه‌داری با نگاه به بیرون، جهت پیشبرد ملکوت خدا در جهان.

تمرکز

روزه‌داری با نگاه به بیرون از هر نظر به برافراشتن جلال خدا، پیشبرد ملکوت خدا، و رستگاری جهان ربط دارد. زندگی ما ایمانداران باید غرق این دلبستگی‌های مقدس باشد. ما خوانده شده‌ایم تا برای جلال خدا و خیریت مردم زندگی کنیم و زحمت بکشیم. با توجه به وضعیت سقوط کرده این جهان و ضعف و ناتوانی کنونی ما، واضح و بدیهی است که تا چه اندازه محتاج خدا هستیم. به این دلیل، چه بسا دعا مهم‌ترین کار ایمانداران و کلیسا است. در رویارویی با خط بی‌پایان نیازها، که حتی برطرف کردن کوچک‌ترین نیاز از توان ما خارج است، دعا نخستین کاری است که باید انجام دهیم و در کنار دعا روزه را هم با آن همراه کنیم.

در فصل یک، به فهرست گسترده‌ای از مناسبت‌های روزه‌داری در کتاب مقدس اشاره کردیم. در آن فهرست، متوجه شدیم روزه گرفتن دلایل مختلفی دارد. با این حال، در هر مناسبت روزه‌داری، دو اصل مشترک می‌باشند: ناتوانی انسان و نیاز مطلق به خدا.

به این دنیای قرن بیست و یکم که نگاه می‌کنیم، در هر گوشه و کنار، شاهد نیازهای بی‌شماری هستیم که گواه ناتوانی ما و نیاز به مداخله حاکمیت و اقتدار خدا می‌باشند. در چنین مواردی، دعا و روزه کاری بس بجا و سنجیده است. در این فرهنگ ما که سرهمه شلوغ است و همه می‌خواهیم زمام امور را خودمان به دست بگیریم، باید به یاد داشته باشیم که رفتن به درگاه خدا باید نخستین واکنش ما باشد، نه آخرین راه حل ما، نه اینکه آخراز همه دست به دامن خدا بشویم.

ملکوت و ناخرسندی مقدس

شوق و اشتیاقی که تمرکز و دغدغه اصلی خداوندان عیسی مسیح است در دعای ربّانی بیان شده است. این دعای خداوند در انجیل متی ۹:۶-۱۰ ثبت است.

«ای پدر ما که در آسمانی،
نام تو مقدس باد.
ملکوت تو بیاید.
اراده تو چنان که در آسمان است
بر زمین نیز کرده شود.»

دقیقاً، به همین شکل، محتوای دعای ربّانی باید تمرکز و دغدغه اصلی زندگی ما و شور و شوق اختیاردار ما باشد. آرزوی ما باید این باشد که نام خدا برتر از هر چیز دیگر مقدس باشد، ملکوت خدا در میان هر قوم و هر زبان و هر قبیله و هر ملت و هر امت گسترش بیابد، و کل عالم هستی دست به سینه اراده خدا باشد. نظریه اینکه چنین اتفاقی هنوز روی نداده است،

باید ما چنان ناراحت و ناخرسند باشیم و چنان آرزوی مقدسی در دل داشته باشیم که آرام و قرار نگیریم تا روزی که شاهد باشیم جهان از معرفت جلال خداوند مملو شود، به شکلی که آب‌ها دریا را می‌پوشاند (حقوق ۲: ۱۴). در هر شرایطی که باشیم، آرامش خدا باید بر دل‌های ما حکمفرما باشد و باید پیاموزیم در مشیت خدا آرام بگیریم. اما، همزمان، شوق ما برای ملکوت خدا باید ما را ناخرسند و ناراضی و حتی غمگین کند وقتی که می‌بینیم خدا را چنان که شایسته است نمی‌پرستیم و نمی‌ستاییم و ملکوت خدا چنان که باید پیشرفت نمی‌کند. این ناخشنودی و ناخرسندی، علاوه بر اینکه باید ما را به غیرت بیاورد، باید موجب شود در دعا پشتکار داشته و ثابت قدم باشیم. گاه به گاه، این شور و اشتیاق باید چنان شدید گردد که میل به خوردن و آشامیدن را از ما بگیرد و خوشی‌ها و لذت‌های گذرا را از ذهنمان پاک کند. وقت ملاقات با خدا است!

دعای سرسختانه

خدا خداوند حاکم و مقتدر بر کل جهان است که با لشکر آسمان و ساکنان جهان بنا بر اراده خود عمل می‌نماید و کسی نیست که دست او را بازدارد یا او را بگوید که چه می‌کنی؟ (دانیال ۴: ۳۴-۳۵). او خدایی نیست که انسان بتواند به اصطلاح دست او را بی‌چاند یا او را وادار به کاری بکند. با این حال، در سراسر کتاب مقدس، این خدای حاکم مطلق به قومش فرمان می‌دهد دعا کنند، خدا را بخوانند، از خدا درخواست کنند، و حتی در دعا با خدا کشتی بگیرند. این موضوع یک معما نیست که باید آن را حل کنیم، بلکه یک سرّ است که باید آن را بپذیریم و یک حکم است که باید مطیع آن باشیم. خدا ما را می‌خواند تا در دعا پشتکار داشته باشیم و پابرجا بمانیم. تا خدا ما را برکت ندهد، نباید او را رها کنیم! تا زمانی که خدا وعده‌هایش را به انجام نرسانده است، نباید به او آرامی بدهیم. در ادامه، به بررسی آیاتی می‌پردازیم که این شهادت و جسارت در دعا را تأیید می‌کنند.

۱. انجیل متی ۷: ۷-۸ گویای سه حکم به همراه سه وعده است که نشان می‌دهد این خواست خدا است که ما در دعا سمج و سرسخت و پیگیر باشیم. جای‌های خالی را با واژگان مناسب پُر نمایید.

الف. _____ که به شما داده خواهد شد (آیه ۷). از این عالی‌تر خدا چه وعده‌ای می‌تواند به ما بدهد تا ما را تشویق به دعا نماید؟ این وعده یادآور مزمور ۱۰: ۸۱ است: «دهان خود را نیکو باز کن و آن را پُر خواهم ساخت.»

ب. _____ که خواهید یافت (آیه ۷). خدا به ارمیای نبی چنین وعده می‌دهد: «مرا خواهید طلبید و چون مرا به تمامی دل خود جستجو نمایید، مرا خواهید یافت» (ارمیا ۲۹: ۱۳).

ج. _____ که برای شما باز کرده خواهد شد (آیه ۷). حقیقتی که در اینجا بیان می‌شود بدین قرار است: پشتکار، خواستن، طلبیدن، کوبیدن تا زمانی که دعایمان اجابت شود.

نکته: فعل هریک از این فرمان‌ها به زمان حال است که بر عملی مداوم و پیوسته دلالت دارد: «به خواستن، طلبیدن، کوبیدن ادامه دهید.» یکبار دعا کردن و دنبال کار خود رفتن فایده ندارد! سماجت، پشتکار، ثبات قدم، و سرسختی در دعا کلید اصلی است! در آیاتی که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد، با نمونه‌ها و مثال‌های بیشتری آشنا می‌شویم.

۲. انجیل لوقا ۱۸:۸-۸ یکی از مهم‌ترین آیات در این باره است که باید در دعا پافشاری کنیم و پشتکار داشته باشیم. آیات یادشده را بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این پرسش‌ها را پاسخ دهید.

الف. به گفته آیه ۱، مسیح درباره دعا چه حکمی می‌دهد؟

(۱) _____ دعا کرد. واژه «می‌باید» در زبان یونانی فعلی به نام *dei* «دی» می‌باشد که بیانگر الزام و ضرورت است. این واژه نشان می‌دهد لازم و واجب و حیاتی است کاری انجام شود. «بدین‌طور سزاوار بود یا لازم بود که مسیح زحمت کشد» (لوقا ۲۴:۴۶).

(۲) می‌باید همیشه دعا کرد و _____ نوزید. این واژه در زبان یونانی *enkakeo* «انکاکئو» می‌باشد که به این معنا است: «از حال رفتن، خسته شدن، از رمق افتادن، ضعف کردن، بی‌روح گشتن».

ب. به گفته آیات ۲-۵، چگونه بیوه‌زن در این حکایت مثالی است در مورد دعای سرسختانه؟

نکته: بیوه‌زنی که در قرن اول میلادی در سرزمین فلسطین زندگی می‌کرد بی‌بضاعت بود و معمولاً یا اصلاً منبع درآمدی نداشت یا منبع درآمدش بسیار ناچیز بود و از نظر سیاسی و اجتماعی یا اقتصادی موقعیت و جایگاهی نداشت که در دادگاه صدایش به گوش قانون برسد یا بتواند به وقت نیاز و تنگنا و سختی نظر مقامات دولتی را به خودش جلب کند تا به فریاد او برسند. با اینکه در این حکایت قاضی نه از خدا می‌ترسد و نه از مردم باکی دارد (آیه ۴)، به خاطر پافشاری و پشتکار بی‌وقفه بیوه‌زنی که با تقاضایش واقعاً قاضی را خسته کرده است تصمیم می‌گیرد به داد آن زن برسد. عبارتی که در اینجا «به رنج آورد» ترجمه شده است در زبان یونانی *hupopiazo* «هیپوپیا آزو» می‌باشد که به این معنا است: «کوبیدن زیر چشم، مشت زدن، ضربه زدن، خسته کردن، به شدت برخورد کردن یا رفتار کردن با کسی».

ج. به گفته آیات ۶-۸، چگونه عیسی مسیح حکایت بیوه‌زن را به عادت دعا کردن شاگردانش ربط می‌دهد؟ در پرتو این وعده‌ها، ما چگونه باید زندگی کنیم؟

نکته: منظور حکایت نامبرده این است: اگر دولتمردی سنگ‌دل و بی‌رحم، که قدرتش محدود است، می‌تواند به کمک بیوه‌زنی عاجز و ناتوان بیاید، چقدر بیشتر، پدر آسمانی ما، که رحمت او رفیع‌تر از آسمان‌ها است (مزمور ۱۱۰:۱۰۳)، به یاری فرزندان عزیزش می‌شتابد آن‌گاه که از او یاری بطلبند!

د. در نیمه دوم آیه ۸، مسیح پرسش بسیار مهمی را مطرح می‌نماید. آن پرسش چیست و به ما که شاگردان مسیح هستیم چه هشداری می‌دهد؟

نکته: «آیا ایمان را بر زمین خواهد یافت؟» این هشداری است به همه ایمانداران در هر دوره و زمانه. آیا خداوند ایمان به وعده‌هایش را در ما می‌بیند، ایمانی که ما را به دعای سرسختانه وادارد؟ یا مانند کسانی هستیم که کتاب صفیا ۱۲:۱ آنها را توصیف می‌کند، آنها که «در دل‌های خود می‌گویند خداوند نه نیکویی می‌کند و نه بدی». آیا ما با امید چشم‌انتظار بازگشت مسیح و اثبات حقانیت ایمانمان هستیم؟ یا مانند آنانی هستیم که در روزهای آخرت مسخرکنان می‌گویند: «کجا است وعده آمدن او؟» (دوم پطرس ۴:۳). خطر این نیست که مبادا خدا به وعده‌های خودش وفا نکند؛ خطر اینجاست که مبادا ما در دعا بی‌ایمان و بی‌وفا باشیم!

۳. انجیل لوقا ۱۱:۵-۱۰ یکی دیگر از آیات شگفت‌انگیز دربارهٔ پشتکار در دعا می‌باشد. آیات نامبرده را بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این پرسش‌ها را پاسخ دهید.

الف. آیات ۵-۸ گویای کدام حقایق اصلی و اساسی می‌باشند؟

ب. به فرمودهٔ آیات ۹-۱۰، چگونه مسیح حقایقی را که در مثال قبلی بیان کرده است برای شاگردانش توضیح می‌دهد؟ چگونه این حقایق باید در عادت دعای ما کارایی داشته باشند؟

۴. اشعیا ۶۲:۶-۷ یکی از شگفت‌انگیزترین آیات در کل کتاب مقدس می‌باشد. آیات یادشده دربارهٔ اصرار یا سرسختی در دعا به ما چه تعلیمی می‌دهند؟ چگونه این آیات در عادت دعای ما کاربرد دارند؟

نکته: در آیات یادشده و همچنین در حکایت نامبرده در انجیل لوقا ۱۸: ۱-۸ و لوقا ۱۱: ۵-۱۰، شاهد سماجت و پافشاری و پشتکاری هستیم که تا آستانه مزاحمت و اذیت پیش می‌رود. اگرچه باید این مثل‌ها را در بافت حاکمیت خدا و شأن و مقام خدا از نظر بگذرانیم، نباید از قصد و منظور حقیقی آنها غافل بمانیم: خدا ما را می‌خواند تا بی‌وقفه با پشتکار دعا کنیم. چنین جسارت و شهامتی خدا را حرمت می‌گذارد. دعای باسماجت نمودار ایمان اصیل و واقعی به شخصیت وفادار خدا و به قدرت خدا است که قادر و توانا است به وعده خود وفا کند.

۵. در زندگی یعقوب، پدر قوم اسرائیل، نمونه‌ای عالی از دعای سرسختانه را شاهد هستیم. کتاب پیدایش ۳۲: ۲۴-۳۲ را بخوانید. سپس کاربرد این حقایق را در عادت دعای ایمانداران توضیح دهید.

نکته: این نشانه مهربانی و رحمت خدا است که به یعقوب اجازه می‌دهد و حتی یعقوب را به کشتی گرفتن با خودش دعوت می‌کند. مانند یعقوب، کشتی گرفتن ما با خدا در دعا نیز باید از کتاب مقدس سرمشق بگیرد تا میان شهامت و جسارت ما و حرمت و احترام ما به خدا تعادل برقرار باشد.

اشتیاق، دعا، و روزه‌داری

چنان که در فیض و شناخت خدا ترقی می‌کنیم و به تصویر پسر خدا شبیه‌تر می‌گردیم، دغدغه روزافزون ما پیشرفت ملکوت مسیح خواهد بود و باری که برای پیشرفت ملکوت او در دل داریم هر روز بیش از روز قبل بر دل ما سنگینی خواهد کرد. ما با نیازهای تقریباً بی‌شمار روبه‌رو خواهیم بود: ضعف و ناتوانی که در زندگی خودمان وجود دارد، ایمانداران و مقدسانی که رنج‌دیده‌اند، کلیساهایی که پرتنش و پرکشمکش هستند، دوستانی که ایمان ندارند، ملت‌ها و امت‌هایی که بشارت مسیح را نشنیده‌اند، ناعدالتی که در اجتماع بیداد می‌کند. این فهرست ادامه دارد و ادامه خواهد داشت! وقتی مسایل و مشکلاتی چنین جدی و اساسی توجه ما را به خودشان جلب می‌کنند، ما این حکم را داریم که همه این مسایل و مشکلات و نیازها را در دعا به درگاه خداوند ببریم. اگر دل ما با هریک از آیاتی که در این فصل مطالعه نمودیم هم‌دل باشد، ما هم به قولی دست از سر خدا برنمی‌داریم، تا زمانی که برای مشکلی که به خاطرش دعا می‌کنیم راهگشا شود و یا اینکه خداوند اراده خودش را در مورد خاصی که برای آن دعا می‌کنیم بر ما آشکار سازد. آن‌گاه، از تمنا به خدا دست می‌کشیم و در مشیت الهی او آرام می‌گیریم. در این زمان‌ها، اشتیاق ما برای ملکوت مسیح چنان شدید می‌شود که خوراک و سایر لذت‌های گذرا را فراموش می‌کنیم یا از آنها پرهیز می‌نماییم و حتی آنها را مکروه می‌داریم (مزمور ۴: ۱۰۲؛ ۱۰۷: ۱۷-۱۸). ما به معنای واقعی کلمه نسبت به خوردن و آشامیدن و لذت‌های گذرا بی‌میل و بی‌اشتیاق می‌شویم و شوق پیشرفت ملکوت مسیح را در دل می‌پرورانیم. دغدغه‌ای که پیش‌روی ما قرار می‌گیرد، گاه، چنان بار سنگینی بر دلمان می‌گذارد که چشم می‌بندیم به هر زیبایی ناپایدار، و مرده و

بی حس می‌شویم به هر خوشی و لذت گذرا. وقتی چنین بارهای گرانی بردلمان سنگینی می‌کنند، به هر چیز دیگری اعتنا می‌شویم. ما عقب‌نشینی نمی‌کنیم، ما تسلی نمی‌یابیم، ما آرام و قرار نمی‌گیریم. تا خدا برکتمان ندهد، او را رها نمی‌کنیم! تا مشکل پیش‌روی ما برطرف نشود، به خدا آرامی نمی‌دهیم! نعومی در توصیف بوعز که قصد داشت ولّی روت بشود چنین می‌گوید: «آن مرد، تا این کار را امروز تمام نکند، آرام نخواهد گرفت» (روت ۱۸:۳).

چنین جسارتی چه بسا در نظر عده‌ای توهین‌آمیز یا حتی بی‌حرمتی به حساب بیاید. عده‌ای بحث حاکمیت خدا را به میان می‌آورند و استدلال‌شان این است که حکم و رأی خدا ثابت و تغییرناپذیر است. این عده حتی ما را متهم می‌کنند که می‌کوشیم به اصطلاح دست خدا را بی‌چانیم و او را در تنگنا قرار دهیم. با این حال، هرچند این عده با نیت پاک و بی‌ریا سعی می‌کنند پشتیبان شأن و مقام خدا باشند، کلام خدا را انکار می‌کنند. آنچه در این فصل بیان کردیم، مستقیم برگرفته از کتاب مقدس می‌باشد. خدا خودش به چنین جسارت و شهادتی حکم می‌کند. خدا حاکم مطلق است و حکم و رأی خدا ثابت و تغییرناپذیر است. خدا همه چیز را بر حسب قصد خودش از پیش تعیین نموده است. خدا «همه چیزها را موافق رأی اراده خود می‌کند» (افسیان ۱۱:۱). اما خدا این را هم به ما می‌فرماید: «ندارید، از این جهت که سوال [درخواست] نمی‌کنید» (یعقوب ۲:۴). خدا خودش به ما حکم می‌کند تا زمانی که وعده‌هایش را به انجام نرسانده است با تقاضاهایمان به او آرامی ندهیم (اشعیا ۶:۶۲-۷). خدا از ما خواهش می‌کند که بخواهیم و بطلبیم و بیابیم (متی ۷:۷-۸). خدا از مردانی به ما می‌گوید که تا از خدا برکت نیافته‌اند، او را رها نکرده‌اند (پیدایش ۳۲:۲۴-۳۲). خدا خودش درباره حکایت بیوه‌زن سرسخت (لوقا ۱۸:۲-۷) و همسایه مزاحم به ما تعلیم می‌دهد (لوقا ۱۱:۵-۸). خدا همه این حقایق را به ما بیان می‌کند تا ما با جسارت و سرسختی در دعا به درگاه او برویم. حال، سوال این است که وقتی پسرانسان بازگردد، آیا ایمان را بر زمین خواهد یافت (لوقا ۱۸:۸)؟

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۱۰: محفل مقدس

بخش اول: محفل‌های مقدس در کتاب مقدس

در کتاب مقدس، روزه گرفتن فقط یک انضباط شخصی و خصوصی نیست، بلکه آیینی جمعی و عمومی نیز می‌باشد. زمان‌هایی که قوم اسرائیل برای دعای دسته‌جمعی و روزه‌داری گرد هم می‌آمدند به محفل مقدس معروف است. چون عیسی مسیح هشدار می‌دهد برای جلب توجه دیگران دعا و نیایش خودمان را به اصطلاح در بوق و گونا جار نزنیم (متی ۶: ۳-۴، ۶، ۱۶-۱۷)، عده‌ای به اشتباه نتیجه‌گیری کرده‌اند که هرگونه مناسبت برای دعا و روزه عمومی ممنوع است. اما چنین فرضی درست نیست. در سراسر عهدعتیق، مناسبت‌های بی‌شماری وجود دارند که به دعا و روزه اختصاص دارند و همگی مورد تأیید خدا می‌باشند. در عهدجدید، در زمان تولد کلیسای اولیه (اعمال رسولان ۱: ۱۳-۱۴) و در شماری از لحظه‌های حساس و سرنوشت‌ساز شاهد دعای دسته‌جمعی می‌باشیم (اعمال رسولان ۴: ۲۳-۳۱؛ ۱۳: ۱-۳). دعای دسته‌جمعی و گاه روزه‌داری عمومی نه فقط برای کلیسای عهدجدید امری درخور و شایسته است، بلکه ما به این امر تشویق هم می‌گردیم. با توجه به نمونه‌های کتاب مقدس، به وقت نیاز یا بحران یا در لحظه‌های حساس و سرنوشت‌ساز، که تشخیص اراده‌ی خدا بی‌نهایت مهم و ضروری است، بجا و سنجیده است که کلیسا برای دعا و روزه در محفل‌های مقدس گرد هم آیند. همچنین بسیار شایسته و برازنده است که کلیسا در محفل مقدس گرد هم آیند تا با نشاط و شادمانی نیکویی خدا را جشن بگیرند.

با اینکه عبارت «محفل مقدس» در عهدجدید استفاده نشده است، کاملاً واضح و بدیهی است که کلیسای اولیه برای دعای دسته‌جمعی دور هم جمع می‌شدند. علاوه بر این، همواره باید اندرز پولس رسول را در رساله‌ی رومیان ۴: ۱۵ به یاد داشته باشیم:

«زیرا همه چیزهایی که از قبل مکتوب شد [در عهدعتیق] برای تعلیم ما نوشته شد تا به صبر و تسلی کتاب امیدوار باشیم.»

فهرستی که در ادامه به آن اشاره می‌گردد شامل آیات مهم و کلیدی درباره‌ی «محفل مقدس» می‌باشد. بیشترین آیات، مستقیم، از «محفل مقدس» نام می‌برند و شماری دیگر فقط به آن اشاره می‌کنند. هدف از یادآوری این آیات کمک به شاگردان در مطالعه‌ی خود در این زمینه می‌باشد.

اول سموئیل ۵: ۶-۷: سموئیل نبی تمامی قوم اسرائیل را در مِضفه جمع می‌کند تا به گناهانشان اعتراف نمایند و برای نجات از دست فلسطینیان به حضور خداوند دعا کنند.

دوم تواریخ ۹: ۷: سلیمان پادشاه جهت تقدیس معبد و بزرگداشت نیکویی خدا برای کل اسرائیل محفل مقدس برگزار می‌کند. این محفل مقدس با هفت روز روزه‌داری و نشاط و شادمانی و عیدانه همراه بود (اعداد ۱۲: ۲۹).

دوم تواریخ ۸: ۱۵-۱۵: آسای پادشاه کل شهروندان یهودا را گرد هم می‌آورد تا با خداوند خدا عهد ببندند که از بت‌پرستی رویگردان شوند و با تمامی دل و تمامی جان در طلب خدا باشند.

دوم تواریخ ۱:۲۰-۱۳: یهوشافاط پادشاه کل شهروندان یهودا را گرد هم می‌آورد و اعلام می‌کند همگان روزه بگیرند تا خدا آنها را از دست سپاهیان یورشگر موآب و بنی‌عمون و معونیان رهایی بخشد.

دوم تواریخ ۱۶:۲۳: یهویداع کاهن اهالی یهودا را فرا می‌خواند تا در میان خودش و تمامی قوم و پادشاه عهد ببندند که قوم خدا باشند.

دوم تواریخ ۳۳-۳۱:۳۴: یوشیای پادشاه همه حاضران در اورشلیم و بنیامین را فرا می‌خواند تا از خداوند پیروی کنند و با تمامی دل و تمامی جان خود احکام خدا را نگاه دارند.

عزرا ۲۳-۲۱:۸: عزرای کاهن همه تبعیدیانی را که همراه با او در حال بازگشت به اورشلیم بودند فرا می‌خواند تا روزه بگیرند و دعا کنند خدا آنها را در این سفر محافظت نماید.

عزرا ۱۲-۱:۱۰: جماعت انبوهی از اسرائیلیان همراه با عزرای کاهن گرد هم می‌آیند تا به گناهان خویش اعتراف کنند و با خداوند عهد ببندند که خود را از زنان بی‌ایمان سایر امت‌ها که در آن سرزمین ساکن بودند جدا سازند.

نحمیا ۳-۱:۹: به رهبری عزرای کاهن، اسرائیلیانی که از تبعید بازگشته بودند خودشان را از بیگانگان جدا می‌کنند و همه با هم جمع می‌شوند تا به کلام خدا گوش بسپارند، پلاس برتن کنند، روزه بگیرند، و به گناهان خود اعتراف کنند.

اشعیا ۱۵-۱۰:۱: به سبب سرکشی آشکار قوم اسرائیل و ریاکاری مذهبی آنها، خداوند از قربانی‌های ایشان، از عیدهای مذهبی، و از محفل‌های مقدس این قوم بیزار است.

یوئیل ۱۵-۱۴:۱: از زبان یوئیل نبی، خدا همه ساکنان زمین را فرا می‌خواند به خانه خدا بروند و به درگاه خدا تمنا کنند تا داوری الهی نازل نشود.

یوئیل ۱۷-۱۲:۲: از زبان یوئیل نبی، خدا جمیع مردم را بدون استثنا به محفل مقدس می‌خواند تا روزه بگیرند و به راستی توبه کنند تا داوری الهی نازل نشود.

اعمال رسولان ۴:۱؛ ۱:۲: مسیح پیش از صعودش به شاگردان خود فرمان می‌دهد در اورشلیم بمانند و منتظر نازل شدن روح القدس باشند که یوئیل نبی درباره آن وعده داده بود (۳۲-۲۸:۲).

اعمال رسولان ۳۱-۲۳:۴: شاگردان مسیح در هنگامه جفا دور هم جمع می‌شوند تا برای اثبات حقانیت خویش به درگاه خداوند دعا کنند و از او قوت بخواهند تا بتوانند با دلیری شهادت و بشارت دهند.

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۱۱: محفل مقدس

بخش دوم: فراخوان به محفل مقدس

چنان که در فصل قبل بررسی نمودیم، جمع شدن در محفل مقدس دلایل گوناگونی دارد. در این فصل، دو دلیل از مهم‌ترین دلایلی را که کتاب مقدس از آن نام می‌برد توضیح می‌دهیم: (۱) یاری طلبیدن از خدا به وقت بحران؛ (۲) توبه نمودن از گناه تا از داوری خدا یا از تأدیب خدا در امان بمانیم.

یاری طلبیدن از خدا

در کتاب دوم تواریخ ۱:۲۰-۳۰، یهوشافاط پادشاه کل شهروندان یهودا را گرد هم می‌آورد و اعلام می‌کند همگان روزه بگیرند تا خدا آنها را از دست سپاهیان یورشگر موآب و بنی‌عمون و معونیان رهایی بخشد. کلیسا می‌تواند از این رویداد عهدعتیق بسیار رهنمود بگیرد و فراوان تشویق گردد تا به وقت بحران‌ها، زمانی که از توانایی‌اش خارج است به تنهایی به جنگ بحران‌ها برود، بداند چه کند. کتاب دوم تواریخ ۱:۲۰-۳۰ را بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این تمرین‌ها را انجام دهید.

۱. به فرموده کتاب دوم تواریخ ۱:۲۰-۲، یهوشافاط پادشاه و شهروندان یهودا با چه بحران جدی و عظیمی روبه‌رو بودند؟ امروز، کلیسا ممکن است با چه بحران‌هایی روبه‌رو شود؟ به چه دلایل بجا و سنجیده است که ایمانداران در محفل مقدس گرد هم آیند؟

۲. به فرموده کتاب دوم تواریخ ۳:۲۰-۴ و ۱۳:۲۰، واکنش یهوشافاط پادشاه و شهروندان یهودا چه بود؟ کلیسا در رویارویی با بحرانی که برطرف کردن آن خارج از توان کلیسا است باید چه کند؟

۳. کتاب دوم تواریخ ۵:۲۰-۱۲ بیانگر دعای یهوشافاط پادشاه است. دعای او گویای چهار ویژگی یا مشخصه مهم است که شایسته است از آنها سرمشق بگیریم. هریک از این چهار ویژگی را توضیح دهید و بیان کنید که چگونه امروز کلیسا در رویارویی با بحرانی که نمی‌تواند برای آن چاره بیندیشد می‌تواند بر این چهار ویژگی و مشخصه تأمل نماید.

الف. سلطنت مقتدرانه خدا (آیه ۶)

نکته: شالوده و زیربنای همه دعاها باید بر حاکمیت و اقتدار مطلق خدا و این حقیقت که خدا قادر متعال است استوار باشد.

ب. وعده‌های خدا (آیات ۷-۹)

نکته: شالوده و زیربنای همه دعاها باید بروعه‌های خدا استوار باشد. شک کردن به وعده‌های خدا برابر است با بی‌ایمانی. توکل کردن به آنچه خدا وعده‌اش را نداده است گستاخی است. هر دو گناه است!

ج. بحران (آیات ۱۰-۱۱)

نکته: خدا، حتی پیش از آنکه از او درخواست کنیم، از نیازهای ما آگاه (متی ۸:۶) و از بحرانی که با آن روبه‌رو هستیم باخبر است، حتی قبل از آنکه آن بحران اتفاق افتد (اشعیا ۴۴:۷-۸). با این حال، ما باید نیازهای خودمان را به پیشگاه خدا ببریم، درخواستمان را به گوش خدا برسانیم، و وعده‌های خدا را تمنا کنیم.

د. ناتوانی و وابستگی مردم (آیه ۱۲)

نکته: شالوده و زیربنای دعا باید همزمان براین دو حقیقت بنا باشد: حاکمیت مطلق خدا و ناتوانی مطلق ما. عیسی مسیح برکت‌های خدا را برآنانی اعلام می‌کند که در روح تهیدست هستند، وابستگی کامل خود را به خدا قبول دارند، و با چنین روحیه‌ای زندگی می‌کنند (متی ۳:۵).

۴. در کتاب دوم تواریخ ۲۰:۱۳-۱۹، می‌خوانیم که خدا از زبان یَحْزَئِيل، پسر زکریا، با مردم سخن می‌گوید. خدا به قوم اسرائیل چه وعده‌ای می‌دهد؟ واکنش مردم به کلام خدا چه بود؟ موعظه یَحْزَئِيل و واکنش مردم به چه شکل امروز در کلیسا کاربرد دارد؟

نکته: امروز، دربارهٔ مشکلاتمان نبوت خاص و مشخصی بر ما مکشوف نمی‌شود، ولی ما کلام خدا را در دست داریم که شامل وعده‌های بی‌شماری دربارهٔ امانت و وفاداری خدا است که از قومش مراقبت می‌کند و به وقت سختی و دشواری به فریاد آنها می‌رسد. توصیف شخصیت خدا و اعلام وعده‌های خدا، که در کتاب مقدس مکشوف است، بخش مهمی از گفت و شنود در محفل‌های مقدس را تشکیل می‌دهند.

۵. به گفتهٔ کتاب دوم تواریخ ۲۰:۲۰-۲۲، قوم اسرائیل به این حکم خدا که به او توکل کنند و برای نجات و رهایی به بازوی بشر تکیه نکنند چگونه پاسخ می‌دهند؟ کلیسا از واکنش آنها چه درسی یاد می‌گیرد؟

نکته: حقیقتی که در اینجا باید بیاموزیم این نیست که وقتی با تنش و کشمکش روبه‌رو می‌شویم، دست روی دست بگذاریم و کاری نکنیم. باید به یاد داشته باشیم که خدا برای به انجام رساندن هدف و مقصود خویش راه‌ها و روش‌هایی را در اختیار ما قرار داده است. حقیقتی که لازم است فرا بگیریم این است که باید به خدا توکل کنیم و مطیعانه در حضورش قدم برداریم. ما نباید برای نجات و رهایی به درک و فهم و دانش خود تکیه کنیم یا توکلیمان را بر قوت و توان و حکمت و دانایی خودمان قرار دهیم. ما باید به کفایت و بسندگی کتاب مقدس توکل کنیم تا هادی و راهنمای ما باشد. ما باید تمامی رفتار و کردار خویش را با رهنمودها و فرمان‌های کتاب مقدس همگام نماییم. ما

محفل مقدس (بخش دوم)

نباید برای نجات یافتن از تنگناها و شرایط دشوار نقشه بکشیم و با ترفند و تدبیرهای زیرکانه یا با زیرپا گذاشتن اصول اعتقاداتمان به دنبال راه رهایی باشیم.

۶. به گفته کتاب دوم تواریخ ۲۵:۲۰-۲۲، نتیجه توکل شهروندان یهودا به خدا چه بود؟ آیا خدا آنها را نجات داد؟ چگونه این حقیقت در مورد کلیسا کاربرد دارد؟

نکته: رهایی و نجاتی که در آیات یادشده توصیف می‌گردند یکی از تماشایی‌ترین رویدادهای کل کتاب مقدس است. با این حال، در سراسر عصر کلیسا، جلوه‌های بی‌شماری از وفاداری و قدرت خدا را در رهایی قومش از شرایط و تنگناهای ناممکن شاهد بوده‌ایم. در کتاب مقدس و در شهادت‌های امانت و وفاداری خدا در سراسر تاریخ کلیسا، فراوان تشویق شده‌ایم که به خداوند توکل نماییم و به درک و فهم و دانش خود تکیه نکنیم (امثال سلیمان ۳: ۵-۶). به این شکل، انگیزه پیدا می‌کنیم نام خداوند را بخوانیم و برای نجات و رهایی به قوت بازوی او تکیه کنیم.

۷. در کتاب دوم تواریخ ۲۶:۲۰، به ما گفته می‌شود، پس از آنکه خدا قوم خودش را رهایی می‌بخشد، آنها بار دیگر در محفلی گرد هم می‌آیند. هدف از این محفل چیست؟ از این محفل چه می‌آموزیم؟

نکته: خدا قوم خود را نجات و رهایی می‌بخشد. این نجات و رهایی را باید جشن گرفت و قدردان آن بود. کلیسایی که اعضای خودش را به محفل مقدس فرا می‌خواند تا از خدا یاری بطلبند، پس از چشیدن طعم نجات و رهایی، باید دوباره در محفل مقدس گرد هم بیایند تا خدا را بپرستند و بستانید و او را حمد و سپاس بگویند.

توبه و بازایی

یکی از شیواترین و گویاترین تصویرها در مورد محفل مقدس در کتاب مقدس در کتاب یوئیل توصیف گشته است. یوئیل ۱۴:۱ و ۱۵-۱۲:۲ را بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این تمرین‌ها را انجام دهید.

۱. به چندین دلیل، برای برگزاری محفل مقدس ندا می‌شود: هجوم ملخ‌ها (۷-۴:۱)، خشکسالی (۱۲-۹:۱، ۱۵-۲۰)، هشدار درباره‌ی دآوری‌های شدیدتر (۱۱-۱:۲). همه‌ی اینها پیامد گناهان مردم است. مردم برای توبه و اعتراف به گناهانشان به محفل مقدس خوانده می‌شوند. چگونه این فراخوان، امروز، برای کلیسا کاربرد دارد؟

نکته: دلایل زیادی وجود دارد که کلیسا را به توبه جمع می‌خواند: گناه چشمگیر و دامنه‌دار، غفلت و کوتاهی کلیسا در به جای آوردن حکم تأدیب و انضباط اعضای کلیسا، که نتیجه ناطاعتی از خدا است، بی‌حسی و بی‌تفاوتی نسبت به خدا، و سایر موارد.

۲. به فرموده کتاب یوئیل ۱۴:۱ و ۱۶-۱۷، از میان قوم خدا، چه کسانی به محفل مقدس خوانده می‌شوند؟ امروز، چگونه این امر در مورد کلیسا و محفل‌های مقدس کلیسا کاربرد دارد؟

نکته: این واقعیت که کل فعالیت‌ها باید متوقف شوند نمودار اهمیت این مناسبت است. کودکانی که در محفل مقدس حضور می‌یابند درسی عملی فرا می‌گیرند که همواره آن را به یاد خواهند داشت.

محفل مقدس (بخش دوم)

۳. به فرموده کتاب یوئیل ۱۲:۲-۱۳، توبه راستین با چه چیزی همراه است؟ به گفته بخش اول آیه ۱۳، چه چیزی نمودار صداقت و اخلاص است؟ چگونه این امر در مورد کلیسا و محفل‌های مقدس کلیسا کاربرد دارد؟

۴. به گفته کتاب یوئیل ۱۷:۲، هدف اصلی برگزاری محفل مقدس و تمنا و تقاضایی که در آن مطرح می‌شود چه می‌باشد؟ چگونه این امر در مورد کلیسا و محفل‌های مقدس کلیسا کاربرد دارد؟

نکته: قوم خدا نه فقط برای نجات و رهایی به درگاه خدا تمنا می‌کنند، بلکه تمنای آنها حفظ شهرت و آوازه خدا در میان امت‌ها است. گناه قوم خدا اغلب سبب‌ساز بی‌حرمتی به نام خدا است (رومیان ۲:۲۴).

۵. کتاب یوئیل ۱۳:۲ درباره شخصیت خدا به ما چه می‌فرماید؟ چگونه این آیه تشویق و دلگرمی برای کسانی است که با توبه راستین در محفل مقدس تمنایشان نزدیک شدن به خدا است؟

نکته: ما برای آموزش و بازیابی به لیاقت و شایستگی یا نیکوکاری خودمان امید نداریم. امید ما خدا و وعده‌های خدا است.

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۱۲: محفل مقدس

بخش سوم: توصیه‌های کاربردی

این فصل برگرفته از کتابچه‌ای است به نام «محفل مقدس» به قلم ریچارد اوئن رابرتز (با اجازه رسمی از نویسنده).

Copyright 1989 by Richard Owen Roberts; ISBN 0-926474-03-0; published by International Awakening Press, P.O. Box 232, Wheaton, IL 60189, USA. This material is also included as a chapter in a book edited by Mr. Roberts entitled, *Sanctify the Congregation: A Call to the Solemn Assembly and to Corporate Repentance*, published by International Awakening Press and available from Reformation Heritage Books.

۱. «محفل مقدس» زمانی است که همه فعالیت‌های روزانه باید کنار گذاشته شوند. این فرمانی است که به روشنی در این کتاب‌ها حکم شده است: لاویان ۲۳:۳۴-۳۶، اعداد ۲۹:۳۵، تثنیه ۱۶:۸. کتاب مقدس صریح و قاطع درباره سخت‌کوشی و کار کردن و عرق ریختن و زحمت کشیدن تعلیم می‌دهد، حال آنکه، این نکته هم کاملاً بدیهی است که در همه کارها و فعالیت‌های روزانه باید دغدغه‌های روحانی در اولویت باشند. چنان که انسان شش روز کار می‌کند - فقط شش روز - و در روز هفتم استراحت می‌کند، باید برای پیشبرد امور روحانی و اخلاقی نیز زحمت بکشد و عرق بریزد. اما، زمانی که داوری عادلانه خدا از راه می‌رسد، لازم است انسان از فعالیت‌های روزانه دست بکشد و روی خدا را بطلبد.

۲. «محفل مقدس» زمانی است که داوری خدا گریبانگیر کل مردم است. در نتیجه، همه باید در محفل مقدس شرکت کنند. در چندین و چند متن عهدعتیق، که توصیفگر بیداری روحانی در میان مردم است، این امر کاملاً مشهود می‌باشد. ولی، از همه واضح‌تر، کتاب یوئیل است که عنوان می‌کند حتی عروس و داماد باید از رفتن به ماه عسل خودداری کنند و مادران با کودکان شیرخواره نیز باید در این محفل حضور داشته باشند (یوئیل ۱۶:۲). در میان بسیاری از کسانی که خودشان را مسیحی می‌نامند روح طغیان و سرکشی لانه کرده که حاضر نیستند از رهبر و پیشوای روحانی خودشان یک کلمه امر و نهی بشنوند. حال آنکه، همگی باید دسته‌جمعی از این گناه دست بکشند. این گناهکاران پلید چه عالی کمر همت بسته‌اند تا سرمشقی از آن نکوهش و محکومیت جدی و شدید برضد سرکشی و گردنکشی باشند که کتاب اول سموئیل ۲۳:۱۵ از آن نام می‌برد!

۳. «محفل مقدس» زمانی است برای روزه‌داری. به جای تأکید بر جنبه‌های جسمانی روزه‌داری و اهمیت آن از لحاظ جسمانی، بهتر است مسیحیان صریح و بی‌حاشیه بر اهمیت روزه‌داری از لحاظ روحانی تکیه کنند. ما می‌دانیم که در حضور خدا این مسوولیت را به عهده داریم که مراقب بدن خود باشیم. وقتی ایمانداران روزه می‌گیرند، به خدا اعلام می‌کنند دغدغه آنها برای امور روحانی بر دغدغه و دل‌مشغولی معمول آنها برای امور جسمانی اولویت دارد. جان کلام این است که وقتی روزه می‌گیریم، فروتنی خودمان را در پیشگاه خدا نشان می‌دهیم و همه گناهانی را که داوری خدا را برانگیخته‌اند تصدیق می‌کنیم. ما می‌پذیریم که دسته‌جمعی از آن گناهان دست بکشیم و قبول می‌کنیم پیامد و نتیجه این دست کشیدن از گناه مهم‌تر از خوردن و آشامیدن و خوراک رساندن به بدن است. زمان‌هایی پیش می‌آیند که ایمانداران باید بدن خود را تابع و گوش به فرمان بسازند تا بتوانند به نیازهای روحانی، که لازم و ضروری‌اند، بیشتر توجه کنند.

۴. «محفل مقدس» زمانی است برای تقدیم قربانی. شمار فراوانی از آیات عهدعتیق که از «محفل مقدس» نام می‌برند، واضح و روشن، به تقدیم قربانی اشاره می‌کنند (از جمله، اعداد ۱۰:۱۰ و ۳:۱۵). یکی از بزرگ‌ترین برکت‌هایی که خدا به بشر هدیه داده نعمت وقت و زمان است. کدام قربانی را مهم‌تر از قربانی زمان و وقت خود سراغ دارید که بتوانید آن را کاملاً وقف کاری نمایید که خدا مقرر نموده تا به این وسیله داوری عادلانه خود را از کلیسا یا از یک ملت بردارد؟

۵. «محفل مقدس» مدت زمانی بسیار طولانی است. هرچند بیشتر کسانی که خودشان را مسیحی می‌دانند، به قول معروف، راضی هستند که ساعت‌های طولانی در جلسات پرستشی کلیسا بنشینند و به موعظه گوش بدهند، اما باید به یاد داشته باشیم که فراخوان به «محفل مقدس» معمولاً فراخوانی است به جلسه‌های بسیار بسیار طولانی. عمده آیاتی که از محفل‌های مقدس نام می‌برند عنوان می‌کنند که گویا هر محفل چند روز، چه بسا هفت روز یا چهارده روز، ادامه داشت. البته در مواردی یک روز کامل نیز برای برگزاری محفل مقدس کفایت می‌کرده است. در کتاب دوم تواریخ ۸:۷-۹ گفته می‌شود که هفت روز عید را برگزار کنند و در روز هشتم محفل مقدس را برپا دارند. در این محفل مقدس است که خدا می‌فرماید: «و قوم من که به اسم من نامیده شده‌اند متواضع شوند و دعا کرده، طالب حضور من باشند و از راه‌های بد خویش بازگشت نمایند، آن‌گاه، من از آسمان اجابت خواهم فرمود و گناهان ایشان را خواهم آمرزید و زمین ایشان را شفا خواهم داد» (آیه ۱۴). هیچ محفل مقدسی شایسته نیست «محفل مقدس» نامیده شود، اگر که مردم دست‌کم یک روز کامل را وقف دعا نکنند و آن روز را به توبه و فروتن نمودن خویش و طلبیدن روی خدا اختصاص ندهند.

۶. «محفل مقدس» زمانی است برای دعای جدی و کوشا. در کل، کلیساها زمان اندکی را به دعا اختصاص می‌دهند. تا دلتان بخواهد، وقت‌های طولانی را به درخواست‌های دعا اختصاص می‌دهیم و تقاضاهایمان را به حضور خدا می‌بریم، اما وقت اندکی را به خدا می‌دهیم تا او خواسته‌هایی را که از ما دارد به گوشمان برساند. نه فقط باید زمان طولانی را به دعا و نیایش در محفل مقدس اختصاص بدهیم، بلکه جهت آماده شدن برای حضور در محفل مقدس نیز لازم است زمانی طولانی را در دعا سپری کنیم. اگر قرار است محفل مقدس در روز یک‌شنبه برگزار شود، بهتر است اعضای کلیسا، پیش از یک‌شنبه، در هر روز هفته، زمان قابل توجهی را در دعا سپری نمایند تا خود را برای آن روز مخصوص آماده کنند.

۷. «محفل مقدس» مناسبتی اجباری برای توبه جمعی است. به این منظور، کلیسا باید از قبل فهرستی از گناهان را آماده کند تا اعضای کلیسا، دسته‌جمعی، آن را اعتراف نمایند. شماری از کلیساها از کل اعضای کلیسا درخواست می‌کنند در آماده‌سازی این فهرست شرکت کنند. کلیسا از گروه‌هایی که برای مشارکت و مطالعه کتاب مقدس جمع می‌شوند درخواست می‌کند هر یک فهرستی از گناهانی را که کلیسا دسته‌جمعی به خدا و به دیگران مرتکب شده است تهیه کنند. رهبران کلیسا این فهرست‌ها را مرور می‌کنند و آنها را در صورت نیاز به فهرست اصلی اضافه می‌کنند. هدف از چنین اقدامی این نیست که خطایا و اشتباه‌ها را جلوه بدهند، بلکه تا همه موارد و مسایلی را که سبب‌ساز داوری عادلانه خدا شده است به طور جدی کندوکاو نمایند.

۸. «محفل مقدس» فرصتی است برای موعظه‌ای که مسح روح القدس را در خود دارد، موعظه‌ای که حقایق کتاب مقدس را کاوش می‌نماید تا زندگی قوم خدا را ژرف و عمیق، از نو، جانی دوباره ببخشد. در محفل‌های مقدسی که فقط یک روز برگزار می‌شوند، این اتفاقی معمول است که دست‌کم یک یا احتمالاً دو موعظه را به طور مشخص به مسایل روز اختصاص بدهند و فرصت را غنیمت بدانند و مردم را برای رسیدگی به مسؤولیت‌هایشان یاری برسانند.

۹. «محفل مقدس» فرصتی عالی برای کودکان است تا همدلی و همنشینی والدین خود را با رهبران کلیسا و عمق و ژرفای مشارکت در کلیسا و ایمان مسیحی را به چشم ببینند. نظر به اینکه کل خانواده به این محفل خوانده می‌شوند، کودکان و خردسالان

از این امتیاز ویژه برخوردارند که در محفل‌ها حضور داشته باشند و از آن جمع تأثیر بگیرند. در شماری از کلیساها، نوزادان و کودکان را به مهد کودک کلیسا می‌سپرنند تا پدرها و مادرها با خیال راحت در این محفل‌ها شرکت کنند.

۱۰. «محفل مقدس» فرصتی است تا خدا به قوم خودش نزدیک‌تر شود، چرا که وقتی زندگی قوم خدا در بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به کلام خدا یا سرپیچی مستقیم از احکام خدا سپری شود، محال است چنین صمیمیت و مشارکتی وجود داشته باشد. تاریخ نشان داده است که خدا در محفل‌های مقدس موج‌های تازه و طراوت بخش برکت‌ها را در زندگی فرد فرد ایمانداران و در جمع کلیسا سرازیر نموده است. در مواردی، حتی بیداری‌های روحانی شکوهمندی رخ داده است. یکی از شگفت‌انگیزترین نمونه‌ها بیداری روحانی است که در سال ۱۵۹۶ میلادی در «جماعت همگان» در کلیسای اسکاتلند اتفاق افتاد.

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۱۳: هشدارها و وعده‌ها

در ادامه مطالعه خود درباره مقوله روزه‌داری، برخورد واجب می‌دانیم دو موضوع مهم را بررسی نماییم: «پاداش‌ها و هشدارها در خصوص روزه‌داری». در کتاب مقدس، هم در مورد وعده‌ها و هم درباره پاداش روزه‌داران نمونه‌هایی را می‌خوانیم. با این حال، باید حواسمان باشد مبدا روزه گرفتن را وسیله‌ای برای جلب رضایت خدا یا برکت گرفتن از خدا ببینیم، مبدا گمان کنیم می‌توانیم با روزه گرفتن با خدا معامله کنیم و به اصطلاح او را در تنگنا قرار بدهیم که به ما پاداش بدهد. در کتاب مقدس، همچنین با توبیخ‌های شدید و حتی داوری بر کسانی روبه‌رو می‌شویم که با انگیزه خودمحوری و تظاهر و ریاکاری و طغیان و سرکشی روزه می‌گیرند. در پرتو این حقایق، لازم است با تکیه به کتاب مقدس پاداش‌ها و هشدارهای مربوط به روزه‌داری را درک نماییم.

هشدارها و وعده‌ها از زبان مسیح

انجیل متی ۱۶:۶-۱۸ کامل‌ترین خطابه در کتاب مقدس درباره روزداری است. در این آیات، عیسی مسیح، همزمان، هشدارهای چشمگیر و پاداشی عظیم را درباره روزه‌داری وعده می‌دهد. آیات یادشده را بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این پرسش‌ها را پاسخ دهید.

۱. در انجیل متی ۱۶:۶، مسیح کسانی را که با انگیزه‌های خودمحور و با ناخالصی روزه می‌گیرند چه می‌نامد؟

الف. مانند _____. این نام در زبان یونانی *hupokrites* «هیپوکریټس» می‌باشد و دقیقاً به بازیگریا هنرپیشه اشاره دارد. این واژه توصیفگر کسی است که آن شخصی که وانمود می‌کند نیست. این واژه توصیفگر کسی است که بر چهره‌اش نقاب می‌زند یا خود واقعی‌اش را پنهان می‌کند. مسیح کوبنده‌ترین توبیخ‌ها را نثار مذهبیان ریاکار می‌نماید (متی ۷:۹-۱۵؛ ۲۳:۱۳-۱۵، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۲۹؛ ۲۴:۵۱).

۲. به فرموده انجیل متی ۱۶:۶، ریاکاران به چه شکلی روزه می‌گیرند؟ انگیزه آنها چیست؟

نکته: واژه «تُرش‌رو» در زبان یونانی صفتی به نام *skuthropos* «اسکوتروپوس» می‌باشد که می‌تواند «غمگین یا اوقات تلخ» ترجمه شود. چهره غمگین ریاکاران حس و حالی نیست که از صمیم قلب سرچشمه گرفته باشد، بلکه، در اصل، آنها نقاب غم‌زدگی به چهره می‌زنند. فعلی که در اینجا «تغییر می‌دهند» ترجمه شده است در زبان یونانی *aphanizo* «آفانیزو» می‌باشد که به معنای «از شکل انداختن یا خراب کردن» است. ریاکاران، به عمد، ظاهر خود را تغییر می‌دهند.

نشانه‌های ظاهری روزه‌داران، یعنی پوشیدن پلاس و بر خاکستر نشستن، در سراسر کتاب مقدس به چشم می‌آید (استر ۱:۴، ۳؛ اشعیا ۵۸:۵؛ ارمیا ۲۶:۶؛ دانیال ۳:۹؛ یونس ۶:۳؛ متی ۲۱:۱۱؛ لوقا ۱۳:۱۰). مشکلی نیست اگر کسی این نشانه‌های ظاهری را داشته باشد، به شرطی که هرآنچه انجام می‌دهد با تواضع و فروتنی و صداقتی راستین و بی‌ریا باشد. اما ریاکاران این کارهای ظاهری را انجام می‌دهند تا دیگران آنها را ببینند و تحسینشان کنند.

۳. در انجیل متی ۱۶:۶، مسیح می‌فرماید ریاکارانی که جلال را از مردم می‌خواهند پاداش خودشان را کامل می‌گیرند. منظور مسیح چیست؟ چرا این فرموده مسیح خبر خوشی نیست؟

نکته: ریاکاران مذهبی برای آنکه مردم از آنها تعریف کنند روزه می‌گیرند و دغدغه واقعی آنها این نیست که با خدا رابطه صحیح و سالمی داشته باشند. از این رو، خدا دقیقاً خواسته دل ریاکاران را به آنها عطا می‌کند. شخص ریاکار از انسان تعریف و تمجید می‌شنود، ولی همچنان با خدا غریبه می‌ماند. شخص ریاکار پاداش خود را کامل می‌گیرد، از تعریف و تحسین دیگران دلش غنچ می‌زند، و محکومیت از جانب خدا گریبانش را می‌گیرد.

۴. به فرموده انجیل متی ۱۷:۶-۱۸، روزه شاگردان مسیح از چه نظر با روزه ریاکاران فرق دارد؟ چگونه اطاعت ما از دستور مسیح می‌تواند نشان‌دهنده صداقت ما باشد؟

نکته: تدهین سربیک رسم روزمره نبود و مخصوص عیدها و جشن‌ها و مناسبت‌های شادایانه بود. ریاکار تقلا می‌کند هر طور شده به دیگران نشان بدهد روزه‌دار است، حال آنکه، ایماندار صادق و بی‌ریا هر کاری می‌کند که دیگران نفهمند او روزه‌دار است. بسیار مهم است توجه داشته باشیم که تعلیم مسیح در این آیات به این معنا نیست که

روزه‌داری عمومی و همگانی را که کتاب مقدس آن را تأیید می‌کند بی‌اعتبار گرداند. حرف مسیح در این آیات قصد و نیت و انگیزه دل است. ما باید از خودمان این سوال‌های مهم را بپرسیم: «ما برای چه کسی روزه می‌گیریم؟» «دل‌مان می‌خواهد چه کسی ما را ببیند و به ما پاداش بدهد؟»

۵. به فرموده انجیل متی ۱۸:۶، به کسانی که با روزه گرفتن صادقانه و بی‌ریا جویای نزدیک شدن به خدا هستند چه وعده‌ای داده می‌شود؟ این آیه چه مفهومی دارد؟

نکته: روزه‌داری به قصد پاداش گرفتن خالی از لطف یا حتی خودخواهانه به نظر می‌رسد. اما به کسانی که صدقه می‌دهند و دعا می‌کنند نیز همین وعده داده می‌شود (۶:۳-۴، ۶). قصد مسیح این نیست که خدا را به گونه‌ای معرفی کند که می‌توانیم با او معامله کنیم و با دعا و روزه و نیکوکاری و پارسایی و پرهیزکاری نظر لطفش را جلب کنیم تا به ما پاداش بدهد. با این حال، نباید این حقیقت را انکار کنیم که خدا وعده داده به فکر تأمین قومش است و آنانی را که به وسیله ایمان در پی شناخت او هستند برکت می‌دهد. ما می‌توانیم دو حقیقت مهم را از این آیه نتیجه‌گیری کنیم: حقیقت اول این است که کارهای نیکویی که با انگیزه درست و بی‌ریا و خداپسندانه انجام می‌شوند نمودار رابطه صحیح و سالم ما با خدا می‌باشند، که پدر آسمانی ما است. حقیقت دوم این است که خدا خشنود می‌شود هنگامی که قوم خدا با این باور به حضور او می‌آیند که خدا و فقط خدا پاداش‌دهنده جویندگان خدا است (عبرانیان ۱۱:۶).

هشدارها و وعده‌ها از زبان اشعیا

کتاب اشعیا ۱:۵۸-۱۲ محکم‌ترین بیانیه درباره روزه‌داری در عهدعتیق است. هشدارهای جدی و وعده‌های باشکوه این آیات امید و هادی دانا برای جویندگان خداوند می‌باشند. آیات نامبرده را بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این پرسش‌ها را پاسخ دهید.

۱. در کتاب اشعیا ۱:۵۸، خدا به اشعیای نبی فرمان می‌دهد گناهان و خطایای قوم خدا را اعلام نماید. در ادامه، به چکیده‌ای از این گناهان و خطایا و مرجع آیات اشاره می‌شود. آن گناهان و خطایا را توصیف نمایید و تأثیر منفی آنها را در مشارکت ایماندار با خدا توضیح دهید.

الف. کوری روحانی و ریاکاری - آیه ۲: «و ایشان هر روز مرا می‌طلبند و از دانستن طریق‌های من مسرور می‌باشند، مثل [انگار] امتی [هستند] که عدالت را به‌جا آورده، حکم خدای خود را ترک ننمودند. احکام عدالت را از من سوال نموده، از تقرب جستن به خدا مسرور می‌شوند.»

نکته: عبارت «مثل امتی که عدالت را به‌جا آورده» به‌تراست این‌گونه ترجمه شود: «انگار امتی هستند که عدالت را به‌جا آورده.» قوم اسرائیل نمی‌توانند گناهانشان را ببینند. اما به شکلی جویای خدا می‌باشند که انگار امتی هستند که در اطاعت از خدا گام برمی‌دارند.

ب. ناراستی و ناعدالتی - آیات ۳-۴: «اینک، شما در روز روزه خویش خوشی خود را می‌یابید و بر عمل‌های خود ظلم می‌نمایید. اینک، به جهت نزاع و مخاصمه روزه می‌گیرید و به لطمه شرارت می‌زنید.»

نکته: در این جمله‌های کوتاه، همه‌گونه گناه به چشم می‌آید. توجه به این نکته مهم است که گناه کردن به دیگران، به خصوص گناه کردن به قوم خدا، به معنی گناه کردن به خدا است. خدا به سبب چنین گناهی مشارکت و برکت خویش را دریغ می‌کند. کسانی که به ناراستی و ناعدالتی ادامه می‌دهند، هر روز هم که روزه بگیرند فایده‌ای ندارد.

۲. در کتاب اشعیا ۳:۵۸، قوم اسرائیل می‌پرسند: «چرا روزه داشتیم و ندیدی و جان‌های خویش را رنجانیدیم و ندانستی؟» به گفتهٔ آیات ۴-۵، خدا به آنها چه پاسخی می‌دهد؟ چگونه این تذکر، امروز، در مورد ایمانداران و کلیسا کاربرد دارد؟

نکته: کتاب مقدس به شدت محکوم می‌کند کسی را که در ظاهر خودش را مطیع و متعهد به خدا می‌داند، در حالی که دلش از هرگونه اطاعت و تعهد خالی است. قوم اسرائیل همچون فریسیان هستند که به ظاهر خودشان را متعهد و سرسپرده می‌دانند (متی ۲۳:۲۷)، با تظاهر، ساعت‌ها دعا می‌کنند و سر بر سجاده دارند (متی ۲۳:۱۴)، و برای تعریف و تمجید دیگران روزه می‌گیرند (متی ۱۶:۶).

۳. به گفتهٔ آیات ۶-۷ و ۹-۱۰، روزهٔ قوم اسرائیل باید با چه چیزی همراه باشد تا خدا را خشنود کند؟ چگونه این حقایق، امروز، در مورد ایمانداران و کلیسا کاربرد دارند؟

نکته: کاربرد گسترده‌ترین دستورهای الهی این است که آنانی که در دعا و روزه نام خداوند را می‌خوانند تا خداوند در حق آنها نیکویی نماید باید خودشان نیز در حق دیگران نیکویی کنند، به ویژه در حق اهل خانه خدا (غلاطیان ۶: ۱۰).

۴. به فرموده کتاب اشعیا ۵۸: ۸-۱۲، خدا به قوم خودش که با دل بی‌ریا نام او را می‌خوانند و خواستشان این است که در راستای احکام عادلانه خدا زندگی کنند چه وعده‌ای می‌دهد؟

نکته: با وجود گناهان قوم اسرائیل در گذشته، خدا آمرزش، نجات، و بازایی را به آنها وعده می‌دهد.

هشدارها از زبان زکریا

کتاب زکریا ۱: ۷-۱۴ تذکری محکم درباره روزه‌داری است که به تذکر کتاب اشعیا ۱: ۵۸-۱۲ بی‌شباهت نیست. در آیات نامبرده از کتاب زکریا، با چندین حقیقت (هشدار) روبه‌رو می‌شویم که در مورد همه جویندگان خداوند کاربرد دارند. آیات یادشده را بخوانید تا با بافت و محتوای آن آشنا شوید. سپس این پرسش‌ها را پاسخ دهید.

۱. به گفته کتاب زکریا ۵: ۷-۶، گلايه اصلی خدا در خصوص روزه‌داری قوم اسرائیل و سبک زندگی آنها چیست؟ این کلام، امروز، درباره ایمانداران و کلیسا چه کاربردی دارد؟

نکته: تعهد مذهبی قوم اسرائیل و سبک زندگی آنها به شکلی نبود که خدا را حرمت بگذارد و به فکر خیریت دیگران باشد. سبک زندگی و تعهد مذهبی قوم اسرائیل بر خودمحموری و خودپسندی استوار بود (زکریا ۹:۷-۱۰). این خودمحموری و خودپسندی خودش را در روزه‌داری آنها نشان می‌داد. خوردن و آشامیدن قوم اسرائیل برای جلال خدا نبود (اول قرن‌تین ۳۱:۱۰). روزه گرفتن آنها نیز برای جلال خدا نبود.

۲. به گفته کتاب زکریا ۸:۷-۱۲، قوم اسرائیل کدام گناهانی را مرتکب شده بودند که باعث شد خدا روزه آنها را نپذیرد؟ این موضوع، امروز، برای ایمانداران و کلیسا چه کاربردی دارد؟

نکته: دو گناه از بزرگ‌ترین گناهان قوم اسرائیل ناعدالتی اجتماعی و بی‌اعتنائی به کلام خدا بود که از زبان انبیای خدا اعلام می‌شود.

۳. به گفته کتاب زکریا ۱۲:۷-۱۴، طغیان و سرکشی قوم اسرائیل چه پیامدی دارد؟ این موضوع، امروز، برای ایمانداران و کلیسا چه کاربردی دارد؟

نکته: اگر یک فرد یا یک ملت نخواهد از سرکشی و طغیان به ضد خدا دست بکشد، حتی اگر جدی‌ترین و متعصبانه‌ترین اعمال مذهبی را هم به جای بیاورد، آن اعمال مذهبی قادر نیستند کسی را از داوری خدا نجات دهند.

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۱۴: مراقبت‌ها و احتیاط‌ها

روزه‌داری امری است که به جای آوردن آن برای ایمانداران عهدجدید و برای کلیسای عهدجدید بجا و برازنده است. با این حال، با توجه به گوناگونی باورها دربارهٔ روزه‌داری در سراسر تاریخ کلیسا و با توجه به افراط‌ها و تفریط‌های نامتعادلی که گاه در روزه‌داری شاهد بوده‌ایم، واجب و ضروری است که در مورد اصول روزه‌داری از تعلیم کتاب مقدس جنبش نخوریم. ما نباید از کلام مکتوب کتاب مقدس فراتر برویم یا آموزه‌ها و اصول روزه‌داری را بر مبنای برداشت‌های شخصی شکل بدهیم. در ادامه، با تکیه به کتاب مقدس، فهرستی از مراقبت‌ها و احتیاط‌های لازم را در مورد روزه‌داری بررسی می‌نماییم.

۱. روزه‌داری انضباطی است بر مبنای کتاب مقدس که در عهدعتیق و عهدجدید رعایت می‌شود. در حالی که کتاب مقدس روزه گرفتن با انگیزه‌های نادرست و ناخالص را به شدت محکوم می‌نماید (اول پادشاهان ۹:۲۱-۱۳؛ اشعیا ۵۸:۳-۵؛ متی ۱۶:۶؛ لوقا ۱۸:۹-۱۴)، روزه‌داران صادق و بی‌ریا را تحسین می‌کند و در بیشتر موارد به آنها پاداش می‌دهد (خروج ۲۷:۳۴-۲۸؛ داوود ۲۶:۲۰-۲۸؛ اول سمویل ۱۱:۶-۱۱؛ ۶:۷-۸؛ اول پادشاهان ۲۰:۲۱-۲۹؛ دوم تواریخ ۴:۱-۲۰؛ عزرا ۸:۲۱-۲۳؛ نحمیا ۴:۳-۴؛ ۱۰:۹-۲؛ استر ۴:۱۶؛ دانیال ۱۶:۶-۱۹؛ ۳:۹-۲۰؛ یونس ۳:۴-۱۰؛ متی ۱۷:۶-۱۸).

۲. در کتاب مقدس، شاهد هستیم که به دلایل گوناگونی روزه می‌گیرند.

الف. به وقت معرفی رویدادی که برای ملکوت خدا از اهمیت فراوانی برخوردار است. موسی، هنگامی که شریعت به او عطا می‌شود، روزه می‌گیرد (خروج ۱۲:۲۴-۱۸). مسیح، پیش از وسوسه شدن در بیابان و قبل از شروع خدمت عمومی‌اش، روزه می‌گیرد (متی ۴:۱-۳). شاگردان مسیح، پیش از خدمت بشارتی و عظیمی که از انطاکیه آغاز گشت، روزه می‌گیرند (اعمال رسولان ۱۳:۱-۲).

ب. شفاعت به درگاه خدا تا خدا از داوری صرف‌نظر نماید. موسی برای طغیان و سرکشی قوم اسرائیل شفاعت می‌کند (خروج ۲۷:۳۴-۲۸). داوود از خدا درخواست می‌کند خدا پسر او را که به بیماری سختی مبتلا بود شفا دهد (دوم سمویل ۱۲:۱۵-۲۳). خدا به قوم اسرائیل فرمان می‌دهد روزه بگیرند و توبه کنند تا داوری خدا نازل نشود (یوئیل ۱۴:۱-۱۵؛ ۱۲:۲-۱۷). اهالی نینوا از شرارت و پلیدی توبه می‌کنند و روزه می‌گیرند تا خداوند بلا و مصیبتی را که اعلام نموده بود بر سر آنها نازل نکند (یونس ۳:۴-۱۰).

ج. توبه و اعتراف. قوم اسرائیل در منطقهٔ مِصْفَه روزه می‌گیرند و توبه می‌کنند (اول سمویل ۷:۶-۸). آخاب، پادشاه پلید اسرائیل، روزه می‌گیرد و خویشان را فروتن می‌کند و بخشیده می‌شود (اول پادشاهان ۲۰:۲۱-۲۹). نحمیا روزه می‌گیرد و گناهان قوم اسرائیل را اعتراف و از خدا تمنای رحمت می‌نماید (نحمیا ۱:۳-۱۰). قوم اسرائیل در محفل مقدس روزه می‌گیرند تا به شریعت خدا گوش بسپارند و گناهان خویش را اعتراف کنند (نحمیا ۹:۱-۳). دانیال روزه می‌گیرد و به گناهان خودش و گناهان قوم خودش اعتراف می‌کند (دانیال ۳:۹-۲۰). خدا به قوم اسرائیل فرمان می‌دهد روزه بگیرند و توبه کنند تا داوری خدا نازل نشود (یوئیل ۱۴:۱-۱۵؛ ۱۲:۲-۱۷). اهالی نینوا از شرارت و پلیدی توبه می‌کنند و روزه می‌گیرند تا خداوند بلا و مصیبتی را که اعلام نموده بود بر سر آنها نازل نکند (یونس ۳:۴-۱۰).

د. رهایی و نجات. قوم اسرائیل در منطقهٔ مِصْفَه برای رهایی از دست فلسطینیان روزه می‌گیرند (اول سمویل ۷:۶-۸). یهوشافاط پادشاه و شهروندان یهودا برای رهایی از دست موآبیان، عَمُونیان، و مَعُونیان روزه می‌گیرند (دوم تواریخ ۲۰:۱-۴). عزرا و کسانی که همراه با او در تبعید به سر می‌بردند روزه می‌گیرند تا خدا آنها را در سفرشان به اورشلیم ایمن

نگاه دارد (عزرا ۸: ۲۱-۲۳). نحمیا برای رهایی جمعی که در اورشلیم دردمند و پریشان‌خاطر و گرفتار مصیبت بودند روزه می‌گیرد (نحمیا ۱: ۳-۴). شهبانو استرو و یهودیان ساکن در شوش روزه می‌گیرند تا از دسیسه هامن برای نابودی یهودیان نجات بیابند (استر ۴: ۱۶). داریوش پادشاه برای نجات دانیال از چاه شیران روزه می‌گیرد (دانیال ۶: ۱۶-۱۹).

ه. پی بردن به اراده خدا. قوم اسرائیل روزه می‌گیرند تا خدا آنها را برای نبرد هدایت نماید (داوران ۲۰: ۲۶-۲۸). دانیال روزه می‌گیرد و از خداوند حکمت می‌خواهد تا نبوت‌ها درباره آینده اسرائیل را درک نماید (دانیال ۹: ۲-۳، ۲۰-۲۳).

و. تمنا به درگاه خدا برای اجابت دعایی خاص. حنا روزه می‌گیرد و از خدا درخواست می‌کند صاحب پسری شود (اول سمویل ۱: ۶-۱۱). داوود روزه می‌گیرد و از خدا می‌خواهد پسرش را که خدا به بیماری سختی مبتلا نموده بود شفا دهد (دوم سمویل ۱۲: ۱۵-۲۳). عزرا و کسانی که همراه با او در تبعید به سر می‌بردند روزه می‌گیرند تا خدا آنها را در سفرشان به اورشلیم ایمن نگاه دارد (عزرا ۸: ۲۱-۲۳). نحمیا روزه می‌گیرد و از خدا تمنا می‌کند لطف اردشیر پادشاه شامل حالش شود (نحمیا ۱: ۳-۴، ۱۱: ۲-۸). داوود برای بیماران و نیازمندان روزه می‌گیرد (مزمور ۱۳۵: ۱۴).

ز. سوگواری. مردان یابیش جلعاد در سوگ مرگ شائول و پسرانش روزه می‌گیرند (اول سمویل ۳۱: ۱۱-۱۳). داوود و دلاورانش در سوگ مرگ شائول، پسران شائول، و جماعتی از قوم اسرائیل که در نبرد شکست خورده بودند روزه می‌گیرند (دوم سمویل ۱: ۱۱-۱۲).

ح. غیرت برای خدا. داوود به خاطر غیرتش برای امور الهی و به سبب خدانشناسانی که نام خدا را بی‌حرمت کرده بودند روزه می‌گیرد (مزمور ۹۶: ۹-۱۰).

ط. عبادت یا خدمت به خدا. حنای نبیه شب و روز به روزه و مناجات در عبادت مشغول بود (لوقا ۲: ۳۶-۳۸). شاگردان مسیح در انطاکیه خدمت به خداوند را با روزه‌داری شروع می‌کنند (اعمال رسولان ۱۳: ۱-۳).

ی. تعیین و انتخاب خادمان. هرچند کتاب مقدس در این مورد حکم نمی‌دهد، ولی عنوان می‌کند برای تعیین و انتخاب مبشران (اعمال رسولان ۱۳: ۲-۳) و رهبران کلیسا روزه می‌گیرند (اعمال رسولان ۱۴: ۲۳).

۳. روزه گرفتن جلوه‌گر واقعیت‌های درونی می‌باشد، از جمله فروتنی، شکسته‌دلی، ترس، آرزومندی، سوگواری، ناتوانی. روزه گرفتن واکنشی خودانگیخته و از صمیم قلب است نسبت به بحران، نیاز، یا اشتیاقی استثنایی و چشمگیر. ایماندار زمانی روزه می‌گیرد که محتاج بخشش خدا باشد، محتاج رهایی، یاری، تسلی، حکمت، و حضور خدا. در این شرایط، ایماندار برای برطرف شدن نیازهای نامبرده به هر قیمتی که باشد روزه می‌گیرد. ایماندار به معنای واقعی کلمه خوراک خودش را فراموش می‌کند یا از آن اکراه می‌دارد، چرا که به سبب گناه یا آرزو یا اشتیاق یا یک نیاز پریشان‌خاطر است و روح و جان‌ش آشفته و در تلاطم (مزمور ۱۰۲: ۴؛ ۱۰۷: ۱۷-۱۸). ایماندار، چون دلش می‌خواهد در خدا خوش و مسرور باشد، حاضر است از همه خوشی‌ها و لذت‌های گذرا چشم‌پوشد (مزمور ۷: ۴؛ ۲۷: ۴؛ ۳۴: ۸؛ ۴۲: ۱-۲؛ ۶۳: ۱؛ ۷۳: ۲۵-۲۶). در کتاب مقدس، حکم و فرمان و آیه یا پشتوانه‌ای وجود ندارد که برای روزه گرفتن به اصطلاح یک فتوی‌ای خاص بدهد یا یک آیین‌نامه یا پرهیز خوراکی ویژه‌ای را معین کند یا برای روزه‌داری زمان‌ها و ساعت‌های مشخصی را حکم بدهد یا به قول معروف آداب روزه‌داری را تعلیم بدهد.

۴. هدف و منظور روزه‌داری هرگز این نبوده است که یک آیین و تشریفات مذهبی یا یکی از اصول دین یا انضباط روحانی باشد که باید مرتب و منظم به‌جا آورده شود. تیت روزه گرفتن این نیست که کسی با روزه‌داری در نظر دیگران شخصی پارسا و پرهیزکار به چشم بیاید. در عهد عتیق، فقط یک روز خاص مخصوص روزه گرفتن بود: روز کفاره (لاویان ۱۶: ۲۹-۳۱: «جان‌های خود

را ذلیل سازید»)). از دوران تبعید به بعد، یهودیان ماه‌های چهارم و پنجم و هفتم و دهم سال را نیز روزه می‌گرفتند (زکریا ۷:۱-۷؛ ۸:۱۹). در زمان مسیح، فریسیان روزه‌های مشخصی را برای روزه گرفتن تعیین کرده بودند و کسی که این روزها را روزه می‌گرفت شخصی پارسا و پرهیزکار و باتقوا به حساب می‌آمد (لوقا ۱۸:۱۱-۱۲؛ متی ۹:۱۴). حال آنکه، مسیح آنها را ریاکار می‌نامد و محکومشان می‌کند (متی ۶:۱۶). جای تأسف است که بسیاری در کلیساهای اولیه و دوران قرون وسطی اشتباه فریسیان را تکرار کردند و آیین روزه‌داری را یک رسم و نشانه قرار دادند تا گواه اصالت ایمان یک مسیحی پارسا و پرهیزکار باشد.

۵. عیسی مسیح آیین روزه‌داری قدیم را که فریسیان و شاگردان یحیی تعمید دهنده آن را به جای می‌آوردند از آیین تازه روزه‌داری که شاگردان خودش آن را به جای می‌آوردند تفکیک می‌نماید. برخلاف آداب پوچ و بی‌معنی فریسیان، روزه‌داری شاگردان مسیح برخاسته از شور و اشتیاقی صمیمانه و شوقی خالصانه برای خدا بود. برخلاف روزه شاگردان یحیی، شاگردان مسیح با حس و حال کسی که در آرزوی نجات و رستگاری به سر می‌برد روزه نمی‌گیرند، آنها حالا که طعم رستگاری را چشیده‌اند روزه می‌گیرند (متی ۹:۱۶-۱۷).

۶. اگرچه مسیح فرض را بر این قرار می‌دهد که شاگردانش روزه می‌گیرند، عهدجدید برای روزه‌داری حکم و فرمان یا توصیه و اندرز مستقیمی نمی‌دهد. هرچند لازم است گاه به گاه درباره روزه گرفتن تعلیم بدهیم و حتی تشویق به روزه‌داری بنماییم، نباید به روزه گرفتن حکم کنیم، نباید روزه‌داری را یک وظیفه اجباری بدانیم یا اعلام کنیم روزه‌داری بر همه واجب است. همچنین نباید روزه گرفتن را نشانه بلوغ روحانی بدانیم یا تصور کنیم کسی که روزه می‌گیرد با ایمان تراست. اگر چنین کنیم، اشتباه فریسیان و کلیسای قرون وسطی را تکرار می‌کنیم (متی ۶:۱۶؛ ۹:۱۴-۱۵).

۷. بدعت و ارتداد و کژاندیشی است که مردم را تشویق کنیم از خوردن و آشامیدن پرهیز کنند، چرا که خدا خوراک را آفریده است تا با ایمانداران و عارفان حقیقت سربیک سفره بنشینیم و خوراکمان را با شکرگزاری با آنها سهیم شویم. (اول تیموتائوس ۳:۴). علاوه بر این، کتاب مقدس تعلیم می‌دهد ایمانداران در خصوص رعایت روزه‌های خاص و آداب خوردن و آشامیدن و پرهیز غذایی در قید و بند نیستند: «آن که روز را عزیز می‌داند به خاطر خداوند عزیزش می‌دارد و آن که روز را عزیز نمی‌دارد هم برای خداوند نمی‌دارد و هر که می‌خورد برای خداوند می‌خورد، زیرا خدا را شکر می‌گوید و آن که نمی‌خورد برای خداوند نمی‌خورد و خدا را شکر می‌گوید» (رومیان ۱۴:۶).

۸. به گفته کتاب اعمال رسولان، کلیسای اولیه روزه می‌گرفتند. (اعمال رسولان ۱۳:۲؛ ۱۴:۲۳). البته، با توجه به اینکه در کتاب اعمال رسولان گاه به گاه شاهد روزه گرفتن ایمانداران هستیم و با توجه به اینکه عهدجدید درباره روزه گرفتن حکم و فرمان مشخصی نمی‌دهد، واضح است که روزه‌داری یک رسم و آداب و آیین روزمره نیست. بسیاری از پژوهشگران کتاب مقدس بر این باورند که اگر می‌خواهیم تصویر درست و دقیقی از کلیسای اولیه داشته باشیم، باید کتاب اعمال رسولان ۲:۴۲-۴۷ را بخوانیم. علاوه بر این، باید توجه داشته باشیم که در دو مناسبت مهم در کتاب اعمال رسولان، که به جلسه دعا اشاره می‌شود، حرفی از روزه گرفتن در میان نمی‌باشد (اعمال رسولان ۱:۱۲-۲:۴؛ ۴:۳۱-۲۳).

۹. با اینکه پیش از انتخاب پولس و برنابا برای خدمت بشارت و قبل از تعیین رهبران در آسیای صغیر، شاگردان مسیح و ایمانداران روزه گرفتند، عهدجدید در این مورد به حکم مشخص یا اجبار خاصی برای روزه گرفتن اشاره نمی‌کند. (اعمال رسولان ۱۳:۱-۲؛ ۱۴:۲۳). عیسی مسیح پیش از انتخاب دوازده رسول شب را در دعا سپری می‌کند، اما به روزه گرفتن او اشاره‌ای نمی‌شود (لوقا ۱۲:۶). زمانی که رسولان مسیح متیاس را برمی‌گزینند (اعمال رسولان ۱:۲۳-۲۶) یا وقتی آن هفت نفر را انتخاب می‌کنند (اعمال رسولان ۶:۱-۶)، حرفی از روزه‌داری در میان نیست. پولس برای انتخاب و تعیین رهبران و شماسان به تیموتائوس و تیتوس درباره روزه گرفتن حکمی نمی‌دهد (اول تیموتائوس ۳:۱-۱۵؛ تیتوس ۱:۵-۹).

۱۰. جز رهنمود مختصر مسیح درباره روزه‌داری در انجیل متی ۱۶:۶-۱۸، کتاب مقدس درباره زمان روزه‌داری یا آداب روزه‌داری حکم مخصوص یا رهنمودی موبه موبه ما نمی‌دهد. بخش عمده‌ای از دانش ما درباره روزه‌داری مربوط به شرح رویدادها یا نمونه‌های روزه‌داری و یا زمانی است که توبیخ یا نکوهش یا وعده‌هایی را درباره روزه گرفتن از زبان انبیا می‌شنویم. با توجه به اینکه در کتاب مقدس حکم و فرمان چندان مستقیمی درباره روزه‌داری وجود ندارد، ایمانداران باید با درک و بینش صحیح و سنجیده از رأی و اراده خدا، که در کلام خدا مکشوف است (رومان ۱۲:۲)، و با تکیه بر تشخیص صحیح و سنجیده از رهبری روح القدس آیین روزه‌داری را به جای آورند (مزمور ۳۲:۸؛ رومان ۱۴:۸).

۱۱. در بافت و زمینه علم تفسیر کتاب مقدس، نادرست و ناپجا است که اهمیت روزه‌داری را با اهمیت دعا کردن در یک سطح قرار دهیم. عهد جدید سرشار است از حکم و دستور و رهنمود درباره دعا. به ایمانداران حکم شده است دعا کنند. درباره دعا رهنمودها و توصیه‌های جامع و گسترده‌ای وجود دارد. حال آنکه، چنین حکم و فرمان و رهنمود و توصیه درباره روزه‌داری تقریباً در انجیل‌ها و رساله‌ها به چشم نمی‌آید.

۱۲. در کتاب مقدس، در مواردی، دعا و روزه را کنار هم می‌بینیم. (اول سموئیل ۷:۵-۶؛ دوم سموئیل ۱۲:۱۶، ۲۱-۲۳؛ دوم تواریخ ۳:۲۰، ۵؛ عزرا ۸:۲۱-۲۳؛ نحمیا ۱:۴؛ اشعیا ۵۸:۶، ۹؛ ارمیا ۱۴:۱۲؛ دانیال ۹:۳؛ لوقا ۲:۳۷؛ اعمال رسولان ۱۳:۲-۳؛ ۲۳:۱۴). با این حال، در کلام خدا استدلال و دلیل و برهان و باور قاطع و محکمی وجود ندارد که تعلیم دهد روزه گرفتن دعا را مؤثرتر می‌گرداند. اگرچه در بسیاری موارد خدا تقاضاها و درخواست‌های روزه‌داران را اجابت می‌کند (متی ۱۷:۶-۱۸)، روزه گرفتن تضمینی برای اجابت دعا نیست. خدا پسر داوود را شفا نداد (دوم سموئیل ۱۲:۱۵-۲۳).

۱۳. روزه‌داری مددکاری است به وقت نبرد روحانی. با این حال، ما باید از تعلیم کلی کتاب مقدس به این نتیجه برسیم، نه از یک متن یا آیه مشخص (مرقس ۹:۲۹): «ایشان را گفت: این جنس به هیچ وجه بیرون نمی‌رود، جز به دعا [و روزه]».

۱۴. روزه‌داری وسیله‌ای است برای انضباط بدن تا آن را تسلیم و گوش به فرمان اراده خدا نماییم. (اول قرنطیان ۹:۲۴-۲۷). با این حال، باید از ریاضت دادن و سختگیری شدید به بدن، بی‌درنگ و قاطعانه، خودداری شود (کولسیان ۲:۲۳).

۱۵. گناه هرگونه سود و فایده روحانی را که حاصل روزه‌داری است بی‌اثر و بی‌نتیجه می‌کند. خدا روزه قوم اسرائیل را به این دلیل نمی‌پذیرد که روزه آنها با توبه و نیکوکاری همراه نیست (اشعیا ۵۸:۱-۱۴). اعلام می‌شود شهروندان اورشلیم و شهرهای یهودا روزه بگیرند و به طومار ارمیا گوش فرا دهند. حال آنکه، آنها به هشدار خدا توجه نمی‌کنند (ارمیا ۳۶:۲۰-۲۶). فریسیان دو بار در هفته روزه می‌گرفتند، اما پاداشی در انتظارشان نبود، چون ریاکار و خودنما بودند (متی ۶:۱۶؛ لوقا ۱۸:۹-۱۴).

۱۶. در خصوص روزه‌داری، حکمت فراوان نیاز داریم، حکمتی که کاربردی و بر مبنای کتاب مقدس باشد. به خصوص در مورد مدت زمان و شدت روزه‌داری نیازمند حکمت هستیم. روزه‌داری طولانی بدن را ضعیف می‌کند (مزمور ۱۰۹:۲۴). روزه گرفتن موسی و ایلیا به مدت چهار شبانه‌روز و پرهیز از خوردن غذا و نوشیدن آب (خروج ۲۸:۳۴؛ تثنیه ۹:۹، ۱۸؛ اول پادشاهان ۸:۱۹) یک روزه کاملاً فراطبیعی بود که ما نباید آن را تکرار کنیم. هر شخص سالم و تندرست شاید بتواند چهار روز بدون غذا طاقت بیاورد، اما بدون آب فقط سه روز دوام می‌آورد. کسانی که شرایط جسمانی خاص دارند (مشکلات قلبی، دیابت، بارداری، یا سایر بیماری‌ها) در مورد روزه گرفتن باید با پزشک مشورت کنند.

درک انضباط روزه‌داری

پی‌نوشت: راهنمای کاربردی برای روزه‌داری

در جمع‌بندی مطالعه در مورد روزه‌داری، به فهرستی کوتاه اما مهم درباره راهنمای کاربردی و عملی روزه‌داری اشاره می‌کنیم.

مشورت با پزشک

برای کسی که از لحاظ جسمانی سلامت و تندرست است، خطری ندارد که در زمان‌های محدود و مشخص روزه بگیرد. ولی خانم‌های باردار و کسانی که بیماری خاصی دارند باید قبل از روزه گرفتن با پزشک مشورت کنند. این نشانه روحانی بودن نیست که خداوند خدای خود را امتحان کنید (متی ۷:۴).

فشارهای جسمانی به بدن

۱. روزه گرفتن می‌تواند به بدن آسیب برساند. داوود می‌فرماید: «زانوهایم از روزه داشتن می‌لرزد و گوشتم از فربهی کاهیده می‌شود» (مزمور ۱۰۹:۲۴).

۲. پس از اکسیژن، آب مهم‌ترین عنصر حیاتی برای بشر است. هفتاد تا هفتاد و پنج درصد از وزن بدن ما و تقریباً نود درصد از خون ما را آب تشکیل می‌دهد. به این دلیل، بدن ما روزانه تقریباً دو لیتر آب لازم دارد. در بدترین شرایط، پیش آمده که کسی بتواند یک هفته بدون آب دوام بیاورد. حال آنکه، فقط پس از چند روز بی‌آبی، اندام‌های بدن کم‌کم از کار می‌افتند. کتاب مقدس از چند مورد روزه‌داری خاص و فراطبیعی نام می‌برد که روزه‌داران مدت چهل روز حتی آب هم لب نزدند (خروج ۲۸:۳۴؛ تثنیه ۹:۹، ۱۸؛ اول پادشاهان ۸:۱۹). این‌گونه روزه‌داری توصیه نمی‌شود.

۳. پس از اکسیژن و آب، خوراک و تغذیه سالم سومین عنصر حیاتی است. این درست است که هنگام روزه گرفتن از خوردن غذا پرهیز می‌کنیم، اما دلیل پرهیز از غذا این نیست که خوردن و آشامیدن کار نادرستی است و یا اینکه کسی که غذا می‌خورد با تقوا و باایمان نیست. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد خدا خوراک را آفرید تا ایمانداران و عارفان حقیقت آن را با شکرگزاری بخورند (اول تیموتائوس ۳:۴).

۴. با اینکه با روزه گرفتن به بدن خود سختی می‌دهیم، اما هدف اصلی روزه‌داری این نیست. مانند خوراک، بدن را هم خدا آفریده که امری نیکو است. در روزه‌داری بنا بر تعلیم کتاب مقدس، جایی برای ریاضت دادن به بدن و مرتاض منشانه زیستن وجود ندارد. کتاب مقدس هشدار می‌دهد سختگیری شدید به بدن ارزش و فایده‌ای ندارد (کولسیان ۲:۲۳).

قبل، بعد، و طی روزه‌داری

۱. کسی که تغذیه سالم دارد و از سبک غذایی سالمی پیروی می‌کند راحت‌تر روزه می‌گیرد و از روزه‌داری لذت بیشتری می‌برد.

۲. اشتباه بزرگی است، هم از لحاظ روحانی و هم از لحاظ جسمانی، که قبل یا بعد از روزه گرفتن پُرخوری کنیم یا غذای سنگین بخوریم. این عادت، علاوه بر اینکه هدف روزه گرفتن را بی‌اثر می‌کند، باعث می‌شود، زمانی که روزه هستیم و حتی پس از شکستن روزه، بدنمان ناراحت و ناآرام باشد.

۳. بسیار مهم است زمانی که روزه هستیم به قدر کافی آب بنوشیم، دست‌کم، روزانه دو لیتر.

۴. روزه‌های اولی که روزه می‌گیریم، طبیعی است که سردرد بگیریم یا حتی احساس تهوع و دل به هم خوردن داشته باشیم که دلیلش سم‌زدایی بدن است. به خاطر تغذیه ناسالم، مواد سمی در بدن انباشته می‌شوند. با این حال، اگر این علایم همچنان ادامه داشته باشند، بهتر است روزه نگیرید و با پزشک مشورت کنید.

انواع و مدت زمان روزه‌داری

۱. در کتاب مقدس، انواع گوناگون روزه‌داری را شاهد هستیم. از جمله، روزه گرفتن خاص و فراطبیعی که شخص روزه‌دار چهل روز نه غذا می‌خورد و نه آب می‌نوشد (خروج ۲۸:۳۴؛ تثنیه ۹:۹، ۱۸؛ اول پادشاهان ۸:۱۹)، پرهیز کامل از آب و غذا به مدت سه روز (استر ۱۶:۴)، پرهیز از خوراک به مدت چهل روز (متی ۲-۱:۴)، پرهیز از خوراک لذیذ و خوشمزه، در حالی که مصرف خوراک معمولی و روزانه ادامه دارد (دانیال ۳:۱۰)، روزه‌داری در پلاس و خاکستر (اول پادشاهان ۲۷:۲۱؛ نحμία ۱:۹؛ مزمور ۱۳:۳۵).

۲. در کتاب مقدس، مدت زمان‌های گوناگونی را برای روزه‌داری شاهد هستیم. از جمله، از طلوع تا غروب خورشید (داوران ۲۶:۲۰؛ اول سموئیل ۲۴:۱۴؛ دوم سموئیل ۱۲:۱؛ ۳۵:۳)، سه روز (استر ۱۶:۴)، هفت روز (اول سموئیل ۱۳:۳۱)، سه هفته (دانیال ۳:۱۰)، چهل روز (خروج ۲:۳۴، ۲۸؛ تثنیه ۹:۹، ۱۸؛ اول پادشاهان ۸:۱۹؛ متی ۲-۱:۴).

۳. کتاب مقدس مدت زمان مشخصی را برای روزه گرفتن تعیین نمی‌کند. کسانی که می‌خواهند برای اولین بار روزه بگیرند بهتر است روزه خود را با مدت زمانی کوتاه شروع کنند و کم‌کم با توجه به اشتیاقی که در دل دارند، آهسته‌آهسته، قدم‌های حکیمانه بعدی را بردارند و مدت زمان روزه‌داری را بیشتر کنند. ایماندار می‌تواند برای یک وعده غذایی روزه بگیرد و آن زمان را در حضور خداوند در دعا سپری کند. سپس، دفعه بعد، می‌تواند نصف روز را روزه بگیرد یا یک صبح تا عصر را روزه باشد و بعدها با توجه به اشتیاقی که در دل دارد، آهسته‌آهسته، با تکیه به کتاب مقدس و با هدایت روح القدس قدم‌های حکیمانه را بردارد. امروزه، در همین دوره و زمانه، شماری از ایمانداران حتی بیش از یک تا دو هفته روزه می‌گیرند.

روزه فردی

و خوار کردن خویشتن

توماس بوستون

PERSONAL **FASTING** AND HUMILATION

Written by Thomas Boston (1676-1732).

Public domain. Originally published as *A Memorial Concerning Personal and Family Fasting and Humiliation* within *The Whole Works of Thomas Boston (Volume 11)*. More information on the modernization and abridgement process is detailed by the editor, Forrest Hite, in "A Word from the Editor" in the introduction of this book.

Originally published in English by:

HeartCry Missionary Society

PO Box 3506

Radford, VA 24143

www.heartcrymissionary.com

روزه فردی و خوار کردن خویشتن

توماس بوستون

همه حقوق برای سازمان HeartCry محفوظ است.

سال انتشار: دسامبر ۲۰۲۱

ترجمه، ویرایش، نمونه خوانی، صفحه‌آرایی: انجیل بنیاد راستی

Email: EnjilBonyadeRasti@gmail.com

Telegram: <https://t.me/EnjilBonyadeRasti>

Instagram: [instagram.com/EnjilBonyadeRasti](https://www.instagram.com/EnjilBonyadeRasti)

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۱: مروری بر روزه فردی و خوار کردن خوشتن

این فصل یک یادآوری است درباره روزه‌داری در خلوت. این یادآوری هم برای مقدسان است و هم برای گناهکاران. روزه‌داری یک وظیفه یا تکلیف مذهبی روزانه نیست. روزه‌داری آدابی نیست که به جای آوردن روزانه آن واجب باشد. روزه‌داری وظیفه یا تکلیفی نیست که لازم باشد مانند دعا و نیایش و پرستش و خواندن کلام خدا هر روز آن را انجام دهیم. روزه‌داری تکلیفی خاص برای زمان‌های خاص است. روزه‌داری آیینی است که آن را بنا بر تدبیر و مشیت الهی (که در زمان‌های مختلف تغییر می‌کند) گاه به گاه به جای می‌آوریم.

کلام خدا تکلیف روزه‌داری را شرح داده و این تکلیف را به دوش ما گذاشته است. بنابراین، به وقت روزه‌داری، باید بگوییم: «غلامان بی منفعت [نالایق] هستیم، زیرا که آنچه بر ما واجب بود به جا آوردیم» (لوقا ۱۷:۱۰). حتی نباید یک سرسوزن این فکر را به ذهن خود راه بدهیم که بخواهیم با روزه گرفتن نظر لطف خدا را جلب کنیم یا خدا را از خودمان خشنود بگردانیم! مشیت و تدبیر الهی، خودش، برای ما مشخص می‌کند چه وقتی وقت روزه گرفتن است. از این رو، روزه‌داران باید گوش خود را به فراخوان خدا تیز نگاه دارند. از طرفی، چه بسا خدا دقیقاً ما را زمانی به گریه و زاری و سوگ و ماتم فرا بخواند که سرخوش و بی اعتنا غرق خوشی و خوشگذرانی هستیم (اشعیا ۲۲:۱۲-۱۳). حال آنکه، این داد و ستدی خطرناک است! «و یهوه صباوت در گوش من اعلام کرده است که این گناه شما تا بمیرید هرگز کفاره نخواهد شد. خداوند یهوه صباوت این را گفته است» (ایه ۱۴). از این رو، ایماندارانی که جدی و حساس هستند درنگ را جایز نمی‌دانند و روزه می‌گیرند. روزه‌داری دو جنبه دارد: (۱) جنبه بیرونی که به شرایط و موقعیت ربط دارد، (۲) جنبه درونی و باطنی.

جنبه بیرونی که به شرایط و موقعیت ربط دارد

در این خصوص، زمان روزه‌داری، مکان روزه‌داری، و پرهیز از خوردن و آشامیدن را بررسی می‌کنیم.

زمان روزه‌داری

قبل از هر چیز، لازم است وقت مناسبی را به روزه گرفتن اختصاص بدهیم. هر ایماندار، با توجه به شرایط و موقعیتش، در زمان مناسب روزه می‌گیرد.

در کتاب مقدس، شماری از مقدسان طول روز را روزه می‌گیرند. البته در موقعیت‌های دیگری افراد روزه خود را تا شب هنگام ادامه می‌دهند، برای نمونه، کتاب دوم سمویل ۱۶:۱۲ می‌فرماید: «داوود روزه گرفت و داخل شده، تمامی شب بر روی زمین خوابید.» من اینها را می‌نویسم تا مبادا کسی به بهانه کمبود وقت از روزه گرفتن غافل بماند. اگر دلمان مشتاق باشد، درنگ را جایز نمی‌دانیم و حتماً زمان مشخصی را به روزه‌داری اختصاص می‌دهیم، چه روز باشد چه شب. به افتخار بانویی به نام حنا، که خدا را خدمت می‌نمود، کلام خدا می‌فرماید: «شبانه‌روز، به روزه و مناجات در عبادت مشغول می‌بود» (لوقا ۳۶:۲-۳۷). از نظر کمیت زمان، نظر من این است که کسی که می‌خواهد روزه بگیرد باید با توجه به شرایط و موقعیتی که در آن قرار دارد و با توجه به نیازها و محدودیت‌هایش مدت زمان روزه را تعیین کند، نه اینکه قضیه برعکس باشد، یعنی مدت زمان روزه در شرایط و موقعیت روزه‌دار تأثیر بگذارد. ایستر و کنیزانش و همه یهودیان ساکن در شوش سه روز روزه گرفتند (ایستر ۴:۱۶).

کتاب ارمیا ۳۶:۶ از «روز روزه» نام می‌برد. در برخی موارد، فقط ساعت‌هایی از روز را روزه می‌گرفتند، مانند روزه گرنیلیوس که گویا قبل از ساعت نهم روزه خود را می‌شکند (یعنی قبل از سه بعد از ظهر): «چهار روز قبل از این، تا این ساعت روزه‌دار می‌بودم و در ساعت نهم در خانه خود دعا می‌کردم» (اعمال رسولان ۱۰:۳۰). دانیال روزه می‌گیرد و دعا می‌کند تا زمانی که «به وقت هدیه شام» (دانیال ۹:۲۱) دعایش اجابت می‌شود، یعنی ساعت نهم.

به این دلیل، معتقدم مدت زمان روزه‌داری نباید دغدغه ما باشد، بلکه تمرکز ما باید بر هدف روزه گرفتن باشد. در واقع، به نظرم، مردم معمولاً تلاش می‌کنند خودشان را به زمان‌بندی خاصی پایبند کنند و حتماً در قید و بند هستند که در ساعت‌های مشخصی روزه بگیرند. حال آنکه، این مشکل به سادگی برطرف می‌شود اگر که به اندازه قوت و توانایی مان، تا زمانی که لازم است، روزه بمانیم.

مکان روزه‌داری

انتخاب مکان مناسب نیز مهم است، مکانی که شخص روزه‌دار بدون مزاحمت و فارغ از دغدغه‌ها بتواند روزه بگیرد. البته زمان و مکان روزه‌داری، هر دو، امری عادی و طبیعی هستند و نباید به آنها حس و حال روحانی و معنوی بدهیم. در زیر چترانجیل، همه مکان‌ها مانند هم هستند، یعنی مکانی وجود ندارد که به اصطلاح مقدس‌تر از مکانی دیگر باشد. ما می‌توانیم همه جا دعا کنیم، چه در خانه چه در مزرعه، همه جا می‌توانیم دست‌های مقدس را برافرازیم (اول تیموتائوس ۲:۸). اما باید توجه داشته باشیم که روزه گرفتن آدابی خصوصی و در خلوت است. پس لازم است به یک مکان خلوت برویم و ناپیدا و دور از هیاهو روزه بگیریم و به هشدار منجی مان گوش بسپریم: «تا در نظر مردم روزه‌دار ننمایی، بلکه در حضور پدرت که در نهان است» (متی ۶:۱۸).

پرهیز از خوردن و آشامیدن

اصل و ماهیت روزه‌داری پرهیز از خوردن و آشامیدن است، پرهیز از خوشگذرانی جسم، پرهیز از دل‌مشغولی‌های دنیا. خدا به روزه‌داری یهودیان اعتنا نداشت، چرا که یهودیان در زمان روزه‌داری به دنبال خوشی و خرسندی خودشان بودند و بر کارگران ستم می‌کردند (اشعیا ۵۸:۳). حال آنکه، وقت روزه گرفتن وقت تواضع و فروتنی است (آیه ۵)، وقت خودانکاری است، وقتی است که حتی از خوشی و لذت و آسایش مشروعی که سایر وقت‌ها برایمان مجاز است خودداری کنیم. «ماتم گرفتند و هیچ‌کس زیور خود را بر خود ننهاد» (خروج ۳۳:۴). «پس روی خود را به سوی خداوند متوجه ساختم تا با دعا و تضرعات و روزه و پلاس و خاکستر مسألت نمایم» (دانیال ۹:۳). «از یکدیگر جدایی مگزینید، مگر مدتی به رضای طرفین تا برای روزه و عبادت فارغ باشید» (اول قرنتیان ۷:۵).

البته قانون پرهیز از خوردن و آشامیدن برای همه روزه‌داران یکسان نیست. روزه گرفتن به خودی خودش پرستش و عبادت به حساب نمی‌آید، بلکه وسیله‌ای است که ما را برای پرستش و نیایشی روحانی و معنوی آماده و مجهز می‌کند. بنابراین، روزه را باید فقط به چشم مددکاریا یاری‌رسان در پرستش و نیایش نگاه کنیم. بدیهی است که روزه گرفتن می‌تواند برای برخی ایمانداران کمک بزرگی در پرستش و نیایش آنها باشد، در حالی که برای برخی دیگر می‌تواند مانعی بزرگ به حساب بیاید. از این رو، برای کسانی که طبع و خوی و منش ضعیف‌تری دارند ممکن است پرهیز کامل از خوردن و آشامیدن عاملی بازدارنده و نامناسب برای روزه‌داری باشد (یعنی نتیجه‌ای خلاف هدف روزه‌داری حاصل کند). در نتیجه، این افراد خوانده نشده‌اند تا در این حد و اندازه روزه بگیرند. در مورد آنها، این اعلان خدا صادق است: «زیرا که رحمت را پسند کردم و نه قربانی را» (هوشع ۶:۶). با این حال، چنین شخصی باز هم می‌تواند تا اندازه‌ای که در توانش است از خوردن و آشامیدن پرهیز کند و زمانی که روزه می‌گیرد، خویشتن‌داری پیشه کند و از غرق شدن در لذت خوردن و آشامیدن خودداری نماید. در این مورد، شخص روزه‌دار کیفیت یا کمیت (یا هم کیفیت و هم کمیت) خوراکی را که برده‌ان می‌گذارد تغییر می‌دهد. در این حالت،

او خود را ذلیل می‌سازد (لاویان ۲۳: ۲۹). دانیال در سوگ و ماتم خویش می‌گوید: «خوراک لذیذ نخوردم و گوشت و شراب به دهانم داخل نشد» (دانیال ۱۰: ۳).

جنبه درونی و باطنی

آنچه تا به حال بررسی کردیم، پوسته بیرونی روزه‌داری است. در آداب روحانی که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم، به جنبه درونی و باطنی روزه‌داری می‌پردازیم.

۱. تفکرو تأمل جدی و توجه به راه‌های خویش. «پس، حال، یهوه صباوت چنین می‌گوید: دل خود را به راه‌های خویش مشغول سازید» (حجی ۵: ۱). ما باید جدی و کوشا زندگی گذشته خودمان را مرور نماییم. به وقت روزه‌داری، باید از گپ و گفتگو با دنیا کناره بگیریم و دل خودمان را قاطع و جدی بیازماییم تا بتوانیم تشخیص بدهیم که رابطه ما با خدا چه حال و روزی دارد! «راه‌های خود را تجسس و تفحص بنماییم» (مراثی ارمیا ۳: ۴۰). ما باید گناهانمان را کندوکاو کنیم، باید گناهانی را که در دل و زندگی مان جا خوش کرده‌اند با غم و اندوه و ماتم به یاد آوریم. بهتر است تا جایی که امکان دارد گناهانمان را به طور مشخص به یاد بیاوریم و روی آنها انگشت بگذاریم. ما باید گناهانمان را کاوش نماییم، باید به عمق برویم و شرارت و پلیدی را که در گناهانمان ریشه گرفته‌اند بررسی کنیم: (۱) باید ژرف بیندیشیم به نور و محبت و رحمت‌هایی که به آنها گناه ورزیده‌ایم و هشدارهایی که نادیده گرفته‌ایم؛ (۲) باید ردیابی کنیم گناهانی را که خدا را رنجانده‌اند، گناهانی که از ذات ما، از این چشمه زهراآگین، برمی‌خیزند. هرچه بیشتر و راحت‌تر درباره گناهانمان با خودمان گفتگو کنیم، راحت‌تر و سنجیده‌تر می‌توانیم درباره گناهانمان با خدا صحبت کنیم. ما گناهانمان را به خدا اعتراف می‌نماییم و از او بخشش و آمرزش تمنا می‌کنیم.

۲. خوار و ذلیل نمودن جانمان در حضور یهوه. در شریعت عهدعتیق، نشستن در پلاس و خاکستر نشانه خوار و ذلیل نمودن جسم و جان بود. ما باید چنان به راه‌های خود توجه کنیم که جانمان در درونمان به خاک بیفتد، تا دلمان از پشیمانی و دریغ و غم و اندوه ناخودآگاه برای گناهانمان ریش‌ریش شود، دلمان را باید چاک بزنیم از اینکه به خدای «رئوف و رحیم» اهانت کرده‌ایم (یوئیل ۲: ۱۲-۱۳). به سبب عریانی روحانی و آلودگی و نجاست و ناپاکی، در حضور خدا خجالت‌زده و شرم‌منده‌ایم و از شدت شرم نمی‌توانیم سرمان را در پیشگاه خدا بلند کنیم (عزرا ۹: ۶) و در چشم خودمان خویشتن را حقیر و پست فطرت و فرومایه می‌بینیم (حزقیال ۳۶: ۳۱؛ ایوب ۴۰: ۴).

۳. اعتراف صریح و بی‌پرده به گناهانمان در پیشگاه خدا، عیان و آشکارا. این یکی از جنبه‌های مشخص و محسوس و چشمگیر روزه‌داری است. توجه به راه‌های خویش و خوار و ذلیل نمودن جان، که آن را بررسی نمودیم، ثمره‌اش اعتراف به گناه است، اعترافی برجسته و شایان توجه که چه بسیار مناسب و برازنده زمان روزه‌داری است! در عهدعتیق، یهودیان یک چهارم از روز را به گناهانشان اعتراف کردند و خداوند را پرستش نمودند (نحمیا ۹: ۳). فرشته‌ای که اجابت دعای دانیال را به او خبر می‌دهد دانیال را در حال دعا و اعتراف به گناهش می‌بیند (دانیال ۹: ۲۰-۲۱). به راستی که گناهکار فروتن در این مرحله چقدر کار دارد! (۱) خودش در جایگاه دادستان می‌نشیند و اتهامات خودش را اعلام می‌کند و گناهان و خطایایی را که به شریعت قدوس خدا مرتکب شده است، تا جایی که حافظه‌اش یاری می‌کند، در پیشگاه خداوند شرح می‌دهد؛ (۲) خودش در جایگاه وکیل می‌نشیند و صحنه ناخوشایند جرم را با جزییات به یاد می‌آورد؛ (۳) خودش در جایگاه قاضی می‌نشیند و از چشم‌انداز خدای عادل داوری خدا را بر خودش اعلام و خودش را محکوم می‌کند که نالایق‌ترین است و نه فقط سزاوار رحمت‌های خدا نیست، بلکه لیاقتش این است که غضب الهی بر او نازل شود و هلاکش کند.

۴. **توبه در دل و در زندگی.** توبه یعنی پشت کردن به گناه و بازگشت به خدا. توبه ثمره طبیعی تواضعی عمیق و اعترافی صادقانه است. «با تمامی دل و با روزه و گریه و ماتم به سوی من بازگشت نمایید» (یوئیل ۱۲:۲). روزه ما بیهوده و بی نتیجه است اگر که عشقمان به گناه به تنفر از گناه تبدیل نشود، اگر علاقه‌مان به گناه به بیزارى از گناه تبدیل نشود، اگر چسبیدن ما به گناه به اشتیاق ما برای خلاص شدن از شرّ گناه تبدیل نشود. روزه ما بیهوده و بی نتیجه است اگر که کمر همت نبندیم تا بایستیم در مقابل کوچک‌ترین لرزش دلمان برای گناه و هر سرک کشیدن گناه در زندگی مان. روزه ما بیهوده و بی نتیجه است اگر که نزد خدایمان که به حق خداوند و سرور و ارباب ما است نیاییم و به تکلیف اصلی مان که غلامی و کنیزی او است بازنگردیم. اگر قرار است به راستی توبه کنیم، باید به گناه پشت کنیم، نه فقط چون گناه برای ما خطرناک و ویرانگر است، بلکه چون گناه به خدا اهانت می‌کند، چون به پسر خدا بی حرمتی می‌کند، چون روح القدس را محزون می‌کند، چون از شریعت خدا سرپیچی می‌کند، چون تصویر خدا را کج و معوج می‌کند. اگر قرار است به راستی توبه کنیم، باید تمامی گناهان و خطایایمان را دور بیندازیم، مانند زمانی که زغال سوزان را که دست را می‌سوزاند به گوشه‌ای پرت می‌کنیم، مانند وقتی که چیزی کثیف و ناپاک را که ما را آلوده می‌کند و حالم را به هم می‌زند از خود دور می‌کنیم. اما، در همه این اقدام‌ها، باید به یاد داشته باشیم که راه درست برخورد با قلب سنگی و دگرگون شدن طبع و خلق و خوی آن این است که به **انجیل ایمان بیاوریم**. پرنده شکاری که برای طعمه خود حریص است، ابتدا، در اوج پرواز می‌کند، آن‌گاه، ارتفاعش را کم می‌کند و بر طعمه خود فرود می‌آید. ما هم باید اول با ایمان آوردن اوج بگیریم، سپس، در تواضع و فروتنی، با اعتراف صریح و صادقانه به گناهانمان و با توبه راستین از گناهانمان به عمق برویم. «و بر من که نیزه زده‌اند خواهند نگریست و نوحه‌گری خواهند نمود» (زکریا ۱۲:۱۰). کتاب مقدس وعده فیض خدا را انگیزه بخش توبه ما اعلام می‌کند و می‌فرماید که ایمان آوردن به این وعده قلب‌های سنگی را دگرگون می‌کند: «به یهوه خدای خود بازگشت نمایید، زیرا که او رؤف و رحیم است» (یوئیل ۱۳:۲). شاید یک نفر با سخت‌کوشی و تلاش و تقلا بخواهد توبه کند، ولی، بدون ایمان به وعده خدا، توبه‌اش پوچ و بیهوده است. «بدون ایمان، تحصیل رضامندی خدا محال است» (عبرانیان ۶:۱۱). بدون ایمان، محال است به راستی فروتن شویم، محال است به درستی اعتراف کنیم، محال است بی‌ریا توبه نماییم، حال آنکه، همه اینها بسیار موجب خشنودی خدا است (ارمیا ۳۱:۱۸-۲۰). شریعت خدا می‌تواند گناهکار بی‌ایمان را به نقطه‌ای برساند که از ترس و وحشت به خود بلرزد، ولی، اگر انجیل در او اثر نگذارد، گناهکار هرگز خود به خود برای گناهانش به سوگ نمی‌نشیند و خاک بر سر نمی‌ریزد! وقتی تقصیر گناه به صورت کسی خیره می‌شود، بی‌ایمانی بر دلش قفل می‌زند و قلبش یخ‌بندان می‌شود. حال آنکه، ایمان به خون آن یگانه نجات‌دهنده یخ‌ها را آب می‌کند و آن‌گاه اشک ناشی از غم و اندوه خداپسندانه جاری می‌شود. **بی‌ایمانی** باعث می‌شود کسی که بار سنگین گناهان کمرش را خم کرده است طرز فکرش درباره خدا تلخ باشد و با دل چرکینی و ترش‌رویی به خدا بیندیشد و هر روز بیشتر و بیشتر از خدا دورتر و با خدا غریبه‌تر شود، تا جایی که با حالتی حق به جانب از خدا بیزار و رویگردان می‌شود. حال آنکه، ایمان به آمرزشی که خدا اعلام نموده است دل یاغی و سرکش را نرم می‌کند تا خودش را به پای سلطانش بیندازد و خودخواسته تسلیم و فرمانبر او گردد.

۵. **عهد و پیمان رسمی با خدا.** این عهد و پیمان باید با صدایی رسا و زبانی شیوا بسته شود. روز روزه گرفتن روزی است برای گشودن بندهای شرارت (اشعیا ۶:۵۸)، همچنین روزی است برای عهد و پیمان مقدس، آشکار و هویدا: «ایشان گریه‌کنان خواهند آمد و یهوه خدای خود را خواهند طلبید ... و خواهند گفت بیایید و به عهد ابدی که فراموش نشود به خداوند ملحق شویم» (ارمیا ۴:۵۰-۵۱). طبیعی است که پس از آنکه فروتن می‌شویم و اعتراف و توبه می‌کنیم و عهد خود را با گناه می‌شکنیم، آن‌گاه با خدا عهدی تازه می‌بندیم. این عهد بستن شامل اعترافی رسمی در حضور خداوند است: (۱) ما اعتراف می‌کنیم که به عهد خدا پایبندیم، به نام پسر خدا ایمان داریم و او را منجی عالم و نجات‌دهنده خودمان می‌دانیم؛ (۲) ما اعتراف می‌کنیم که در پسر خدا و به وساطت پسر خدا او خدای ما و ما قوم او هستیم؛ (۳) ما اعتراف می‌کنیم که قانع و راضی و خرسندیم که خدا سهم ما باشد، او که خداوند ما و سرور و ارباب ما است و ما فقط و فقط تسلیم و سرسپرده او هستیم، تمام و کمال، تا ابد الاباد (مزمور ۱۶:۲؛ اشعیا ۴۴:۵؛ ۴۹:۸؛ ۵۶:۶؛ یوحنا ۱:۱۲؛ عبرانیان ۸:۱۰).

۶. **دعای چشمگیر.** در راستای هدف مشخصی که برای آن روزه می‌گیریم، باید تقاضاها و درخواست‌های خود را با اصرار و پافشاری با خدای خود که با او عهد بسته‌ایم در میان بگذاریم. بدیهی است که اعتراف به گناه و عهد بستن با خدا (که درباره آنها صحبت کردیم) هر دو باید در دعا به حضور خدا برده شوند (دانیال ۴:۹-۱۵؛ نحمیا ۶:۹-۳۸). علاوه بر این، باید برای نیاز مشخص یا شرایط خاصی که به خاطر آن روزه گرفته‌ایم دعاها و درخواست‌ها و تقاضاهای خود را به حضور خدا ببریم. «و اما من چون ایشان بیمار می‌بودند، پلاس می‌پوشیدم، جان خود را به روزه می‌رنجانیدم، و دعایم به سینه‌ام برمی‌گشت» (مزمور ۱۳:۳۵). در واقع، هدف از چنین روزه‌ای این است که شخص روزه‌دار انگیزه پیدا کند و مجهز شود تا بتواند برای موضوع خاصی که بر دلش سنگینی می‌کند در دعا به حضور خدا برود و با خدا به قول معروف کشتی بگیرد. بار تهدید ویرانی و هلاکت چنان بردوش پادشاه نینوا سنگینی می‌کرد که دستور می‌دهد: «مردمان و بهایم به پلاس پوشیده شوند و نزد خدا به شدت استغاثه نمایند» (یونس ۸:۳). اهالی نینوا باید در دعا به خدا تمنا می‌کردند که دلش به حال آنها بسوزد و به ایشان رحم کند. این تب و تاب و شور و حرارت برای تمنا به درگاه خدا چنان شدید بود که به آنها حکم می‌شود حتی حیوانات را هم پلاس بپوشانند. این اوضاع و شرایط، یعنی تمنای شدید آدمیان به همراه ناله حیوانات گرسنه و ناآرام (ایوب ۴۱:۳۸)، جدی بودن و وخامت آن سوگ و ماتم فراطبیعی را چشمگیرتر نشان می‌دهد و آن‌گاه که دل آدمیان با ناله حیوانات زبان بسته و بی‌آزار به درد می‌آید، شدیدتر، جدی‌تر، و با سماجت و تب و تاب بیشتری به خدا التماس می‌کنند که به ایشان رحم کند.

پرسش جهت مرور متن

۱. بنا بر تعلیم توماس بوستون، سه جنبه بیرونی روزه‌داری را که به شرایط و موقعیت ربط دارند نام ببرید.

۲. یک یا دو مورد از جنبه‌های درونی یا باطنی روزه‌داری را که به دلتان نشسته است انتخاب کنید و در مورد آنها توضیح دهید.

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۲: تأیید الهی برای روزه فردی و خوار کردن خویشتن

اطاعت زمانی اطاعت است که از ارادهٔ مکشوف خدا سرچشمه بگیرد و هدایت شود. به این دلیل است که کلام خدا آداب مذهبی خودساختهٔ بشر را محکوم می‌کند (کولسیان ۲: ۲۳). در پرتو این واقعیت، همهٔ کسانی که با ایمان روزه می‌گیرند باید این دغدغه را داشته باشند که مطمئن شوند چه کسی بر روزه‌داری مُهر تأیید زده است تا بتوانند به راستی از آن اطاعت نمایند. پس، در این فصل، نکته‌ها و مواردی را بررسی خواهیم کرد تا در وجدانمان مُهر و موم شود که روزه‌داری تأییدی خدا است.

۱. در کلام خدا، مستقیم و غیرمستقیم، از قوم خدا انتظار می‌رود روزه بگیرند.

الف. کلام خدا، مستقیم، از قوم خدا انتظار دارد روزه بگیرند. «خود را خوار سازید و ناله و گریه نمایید» (یعقوب ۴: ۹). با توجه به بافت و زمینهٔ متن و آیات قبل و آیات بعد، مشخص است که مخاطبان این آیه افرادی هستند که شخصاً در شرایط و موقعیت خاصی قرار داشتند (آیات ۸ و ۱۰). آنچه در این آیات به آنها حکم می‌شود، یعنی روزه گرفتن و خوار نمودن خویشتن، برای مخاطبان امری کاملاً واضح و روشن است، زیرا این رساله خطاب به یهودیانی نوشته شد که در نقاط مختلف پراکنده بودند (یعقوب ۱: ۱) و با کلام عهدعتیق نیز به خوبی آشنایی داشتند. انبیای عهدعتیق یهودیان را با همین لحن آشنا به روزه‌داری فرا می‌خواندند: «در دهم این ماه هفتم روز کفاره است ... جان‌های خود را ذلیل سازید» یعنی روزه بگیرید (لاویان ۲۳: ۲۷). «آیا روزه‌ای که من می‌پسندم مثل این است، روزی که آدمی جان خود را برنجانند؟» (اشعیا ۵۸: ۵). «با تمامی دل و با روزه و گریه و ماتم به سوی من بازگشت نمایید» (یوئیل ۲: ۱۲). توجه کنید که ماتم در این آیات با گریه فرق دارد، همان‌طور که چهره و رخسار سوگواران با اشکی که از چشمانشان جاری می‌شود فرق می‌کند (پیدایش ۳۷: ۳۴؛ جامعه ۴: ۳).

ب. کلام خدا، غیرمستقیم، از قوم خدا انتظار دارد روزه بگیرند. با توجه به اینکه خدا ما را دربارهٔ روزه‌داری رهنمود بخشیده است، طبیعی است که فرض را بر این قرار دهیم که روزه‌داری آدابی است که مقدسان آن را به‌جای خواهند آورد. نجات‌دهندهٔ ما، خودش، ما را دربارهٔ روزه‌داری رهنمود داده است: «اما، چون روزه دارید، مانند ریاکاران تَرش‌رو مباشید، زیرا که صورت خویش را تغییر می‌دهند تا در نظر مردم روزه‌دار نمایند. هرآینه، به شما می‌گویم اجر خود را یافته‌اند. لیکن تو، چون روزه‌داری، سر خود را تدهین کن و روی خود را بشوی تا در نظر مردم روزه‌دار ننمایی، بلکه در حضور پدرت که در نهان است و پدر نهان بین تو تورا آشکارا جزا خواهد داد» (متی ۶: ۱۶-۱۸). این آیات حاکی از آن هستند که روزه گرفتن در واقع تکلیفی است که مسیح از ما می‌طلبد آن را به‌جای آوریم، زیرا این خلاف قدوسیت خدا می‌بود اگر که خدا دربارهٔ آداب مذهبی خودساختهٔ بشر، که خودش آن را محکوم می‌نماید، به ما حکم و رهنمود می‌داد (متی ۹: ۱۵؛ کولسیان ۲: ۲۳؛ ارمیا ۳۱: ۷).

۲. کلام خدا روزه‌داری را وعده می‌دهد، به این معنا که مقدسان این تکلیف را به‌جای آورند. خدا، روشن و شفاف، در کلامش اعلام می‌کند قومش شخصاً روزه می‌گیرند. «و بر خاندان داوود و بر ساکنان اورشلیم روح فیض و تضرعات را خواهم ریخت و بر من که نیزه زده‌اند خواهند نگریست و برای من مثل نوحه‌گری برای پسر یگانهٔ خود نوحه‌گری خواهند نمود ... و برای من ماتم تلخ خواهند گرفت. در آن روز، ماتم عظیمی در اورشلیم خواهد بود و اهل زمین ماتم خواهند گرفت. هر قبيله ... و زنان ایشان» (زکریا ۱۲: ۱۰-۱۲). این آیات وعده می‌دهند که روزه گرفتن و خوار نمودن خویشتن در واقع به نشانهٔ اطاعت

از خدا در میان قوم خدا مشهود خواهد بود. علاوه بر این، خداوندمان عیسی به شاگردانش نیز در این مورد وعده می‌دهد: «ایامی می‌آید که داماد از ایشان گرفته شود. در آن هنگام، روزه خواهند داشت» (متی ۹: ۱۵).

۳. کلام خدا روزه‌داری را توصیه می‌کند، کلام خدا از مقدسانی نام می‌برد که روزه می‌گرفتند. قبلاً هم اشاره کردیم که داوود، مردی که موافق دل خدا بود، روزه می‌گرفت (دوم سمویل ۱۶: ۱۲؛ مزمور ۱۳: ۳۵). دانیال، این مرد بسیار محبوب، روزه می‌گرفت (دانیال ۹: ۳؛ ۱۰: ۲-۳). گرنیلوس، آن فرمانده سرسپرده، روزه می‌گرفت (اعمال رسولان ۱۰: ۳). پولس، رسول سخت‌کوش امت‌ها، بارها روزه می‌گرفت (دوم قرنتیان ۱۱: ۲۷). همه این مقدسان با روزه‌داری خدا را خشنود نمودند. تکلیف ما هم این است که در پی قدم‌های این جمع گام برداریم و از نمونه معتبر آنها سرمشق بگیریم.

۴. کلام خدا به روزه‌داری تشویق می‌کند، چرا که قوم خدا در مناسبت‌های مختلف اجتماعی روزه می‌گرفتند و خویشان را خوار و فروتن می‌نمودند. گمان نمی‌کنم واقعیت این روزه‌داری‌های عمومی و همگانی برای کسی سوال باشد (برای نمونه، داوران ۲۰: ۲۶؛ عزرا ۸: ۲۱-۲۳؛ یوئیل ۱: ۱۴؛ یونس ۳: ۵-۹). با توجه به این نمونه‌ها، در ادامه، درباره روزه‌داری فردی و خوار نمودن خویشان، شما را تشویق می‌کنیم.

الف. در آیین روزه‌داری و خوار نمودن خویشان، شرط یا پیش‌نیازی وجود ندارد که روزه‌داران را موظف کند حتماً به شکل عمومی و همگانی و یا با جمعی از مردم روزه بگیرند. طبیعی است که هنگام موعظه کلام خدا و به وقت برگزاری جشن‌ها و آیین‌های مذهبی لازم است مردم دور هم جمع شوند و اجتماعی را تشکیل دهند. پس واضح است که این‌گونه مراسم مخصوص جمع است و قرار نیست یک نفر، تک و تنها، به خلوت برود و با خودش جشن بگیرد و مراسمی را برگزار کند. اما این در مورد روزه گرفتن صادق نیست. بدیهی است که ما می‌توانیم به تنهایی و در خلوت روزه بگیریم، همان‌طور که در خلوت دعا می‌کنیم، کتاب مقدس را مطالعه می‌کنیم، یا به تنهایی سرودهای روحانی می‌خوانیم. اگر خدا تکلیفی را تعیین نموده اما جمع شدن در جماعت یا محفلی را پیش‌شرط آن تکلیف قرار نداده است، پس هر کسی می‌تواند آن تکلیف را به تنهایی به جای بیاورد.

ب. در مناسبت‌های خاص و ویژه، لازم است که جمعی در یک محفل گرد هم آیند و روزه بگیرند و خود را فروتن کنند، حال آنکه، تک‌تک افراد نیز می‌توانند شخصاً روزه بگیرند و خود را فروتن سازند. آری، کلیسا یا جماعتی تصمیم می‌گیرد محفلی را برای روزه گرفتن و فروتن نمودن خویشان برگزار کند، اما مگر نه اینکه هر فردی خودش به تنهایی نیز می‌تواند روزه بگیرد و خود را فروتن سازد؟ اگر گناهی در میان جماعت کلیسا جولان می‌دهد یا اگر داوری بر امت و ملتی در راه است که می‌طلبد محفل دعا و روزه تشکیل شود تا مردم جسم و جان خویش را خوار و فروتن سازند، مگر نه اینکه بر هر فردی هم که با گناهی دست به گریبان است یا داوری بر روح و جاننش سایه افکنده واجب است شخصاً روزه بگیرد و خویشان را خوار و فروتن نماید؟ به یقین، همان‌گونه که تاکستان‌های عمومی دیده‌بان دارند، هر شخصی نیز باید تاکستان خویش را دیده‌بانی نماید. کسی که از این مراقبت و دیده‌بانی غفلت کند دستاوردی جز تلخی و ناکامی برای او باقی نمی‌ماند (غزل غزل‌های سلیمان ۱: ۶).

ج. یک جمعیت انبوه، معمولاً، آهسته پیش می‌رود. به ندرت اتفاق می‌افتد که ملت‌ها و امت‌ها یا اعضای کلیسا در رویارویی با بحران یا نیازی عظیم، بی‌درنگ، به فراخوان خدا برای روزه گرفتن و خوار نمودن خویشان پاسخ دهند. اغلب به روزه ملی یا روزه همگانی در میان اعضای کلیسا، که فراخوان خدا در مشیت الهی خویش است، چندان توجهی نمی‌شود. در این زمان‌ها، هر ایماندار که خواندگی خدا را تشخیص می‌دهد چگونه باید به این خواندگی پاسخ بدهد؟ آیا یک ایماندار، با این استدلال که جماعت کلیسایش نمی‌تواند چنان که دلخواهشان است به این فراخوان پاسخ بدهند، با اینکه می‌داند شخصاً توانایی انجام این تکلیف را دارد، باید ساکت بنشیند و واکنشی نشان ندهد؟ آیا نباید ایمانداران دست به کار شوند و شخصاً برای هدف و خواسته‌ای روزه بگیرند که دیگران نمی‌توانند و

تأیید الهی برای روزه فردی و خوار کردن خویشتن

یا امکانش را ندارند که محفلی عمومی برای آن برگزار کنند؟ زمانی که خدا دعوی خود را بر سرزمین مصر اعلام نمود، «هر کسی از بندگان فرعون که از قول خداوند ترسید» دست به کار شد و به هشدار خدا توجه کرد (خروج ۹: ۲۰)، در حالی که کل مصریان از توبه سرباز زدند.

پرسش جهت مرور متن

۱. بنا بر تعلیم توماس بوستون، چرا مهم است بدانیم که خدا در کلامش روزه‌داری را تأیید می‌کند؟

۲. یک متن از عهدعتیق و یک متن از عهدجدید را نام ببرید که در آن مشخص است روزه‌داری از قوم خدا انتظار می‌رود، به آنها وعده داده شده و توصیه گشته است یا ایشان را تشویق به روزه‌داری نموده است. آیات مورد نظر درباره دیدگاه خدا به روزه‌داری به ما چه تعلیمی می‌دهند؟

۳. از شرح و توصیف کتاب مقدس درباره محفل‌های عمومی و همگانی برای روزه‌داری چه درسی می‌آموزیم که بتوانیم به روزه‌داری فردی و به جای آوردن این انضباط روحانی ربط بدهیم؟ وقتی یک ایماندار متوجه می‌شود لازم است محفلی مقدس برگزار شود (فصل‌های ۱۰ و ۱۱) ولی احساس می‌کند که به تنهایی باید این بار را به دوش بگیرد، چه واکنشی باید نشان بدهد؟

درک انضباط روزه‌داری

فصل ۳: فراخوان مشیت الهی به روزه فردی و خوار کردن خویشتن

چه بسا شرایط و موقعیت یک فرد یا اعضای کلیسایش یا همسایه‌اش، هریک به تنهایی و شاید همگی با هم، سبب‌ساز و زمینه‌ساز شوند که او روزه بگیرد و خویشتن را خوار و فروتن نماید. دانیال نبی، شخصاً، به خاطر کلیسا روزه می‌گیرد (دانیال ۲:۹-۳)، در حالی که داوود به خاطر همسایه‌اش (مزمور ۱۳:۳۵) و بار دیگر به خاطر خودش روزه می‌گیرد (دوم سموئیل ۱۶:۱۲). فرزندان خدا باید حفاظت و مراقبت از منافع ملکوت خدا را حفاظت و مراقبت از منافع خودشان بدانند. از این‌رو، به خلوت رفتن و روزه گرفتن به خاطر ملکوت خدا بسیار سفارش شده است، که اگر درست و سنجیده به جای آورده شود، در چشم خدا مقبول و پسندیده خواهد بود (دانیال ۲۰:۹-۲۱).

مشارکت با مقدسان امری پسندیده و بسیار سودمند است. دو جنبه از این مشارکت، که توجه به آن برای ما مفید است، یکی مشارکت جهت به دوش کشیدن بارهای یکدیگراست (غلاطیان ۲:۶) و دیگری مشارکت جهت دعا برای یکدیگر (یعقوب ۱۶:۵). این دو بهترین همسفران برای مسافرانی هستند که رهسپار اورشلیم آسمانی می‌باشند، زیرا همسایه را مانند خود محبت نمودن، که روزه گرفتن به خاطرش گواه چشمگیر این محبت است، از همه قربانی‌های سوختنی و هدیه‌ها بهتر است (مرقس ۱۲:۳۳). حال، خواه این روزه‌داری به سود همسایه باشد خواه برایش ثمری نداشته باشد، برای شخص روزه‌دار که ضرری ندارد، زیرا، اگر بجا و سنجیده انجام شود، به گفته مزمورنویس، سود و فایده فراوانی به سینه‌اش بازمی‌گردد (مزمور ۱۳:۳۵). با این حال، از کسی که هنوز به خاطر خودش روزه نگرفته است نمی‌توان انتظار داشت برای دیگران روزه بگیرد. ولی بدیهی است که اگر کسی که ادعا می‌کند ایماندار است برای سعادت و پیشرفت روحانی خودش دغدغه داشته باشد، تکلیف روزه‌داری فردی و خوار نمودن خویشتن را از سرباز نمی‌کند. پولس رسول، که برای امور روحانی بسیار دغدغه داشت (اعمال رسولان ۱۶:۲۴)، بارها روزه می‌گیرد (دوم قرنتیان ۱۱:۲۷) و تن خود را زبون می‌سازد و آن را در بندگی می‌آورد (اول قرنتیان ۹:۲۷).

مناسبت‌های کلی که روزه‌داری را واجب می‌سازند

سه مناسبت این تکلیف برجسته را بنا بر شرایط و موقعیت واجب می‌سازند. مناسبت اول زمانی است که شرارتی خاص—گناه یا عواقب گناه—گریبانگیر ما یا کلیسای ما یا همسایه ما می‌شود و ما را دل‌نگران می‌کند. یک دسته از گناهان هستند که چنان احساس تقصیری در وجدان ما به جای می‌گذارند و چنان دل ما را نجس و زندگی ما را آلوده می‌کنند که بر ما واجب می‌شود روزه گرفتن و خوار نمودن خویشتن را جار بزنیم تا از تأثیر تیره و تاریک آن گناهان و پلیدی‌ها خلاص شویم. رساله یعقوب ۸:۴-۹ می‌فرماید: «و به خدا تقرب جوید تا به شما نزدیکی نماید. دست‌های خود را طاهر سازید ای گناهکاران و دل‌های خود را پاک کنید ای دودلان. خود را خوار سازید و ناله و گریه نمایید و خنده شما به ماتم و خوشی شما به غم مبدل شود.» از این جهت است که اسرائیلیان، که نسبت به بت‌پرستی‌های چندش‌آور خود هشیار و بیدار شده بودند، «در مصفّه جمع شدند و آن روز را روزه داشته، در آنجا گفتند که بر خداوند گناه کرده‌ایم» (اول سموئیل ۶:۷).

ما نیز وقتی با این واقعیت روبه‌رو می‌شویم که خدا تا چه اندازه از گناهان ما رنجیده‌خاطر است و در مشیت و تدبیر خود اجازه می‌دهد عواقب گناهانمان را به چشم بینیم، وقتش است که خاک بر سر بریزیم و خویشتن را خوار و ذلیل کنیم، وقتش است با روزه گرفتن در پیشگاه خدا به خاک بیفتیم، که همین روزنه امید است برای ما. به همین دلیل است که نحما، با

شنیدن خبر ویرانی اورشلیم و رنج و عذاب و درد و رنج یهودیانی که از تبعید بازگشته بودند (نحمیا ۱: ۳-۴)، می‌داند که باید روزه بگیرد. به همین دلیل است که داوود و همراهانش، با شنیدن خبر شکست اسرائیل و مرگ شائول و یوناتان (دوم سمویل ۱: ۱۲)، می‌دانند که باید روزه بگیرند. به همین دلیل است که قوم اسرائیل، که می‌فهمند بنیامینیان هزاران تن از قوم و خویش خودشان را در نبرد قتل عام کردند (داوران ۲۰: ۲۶)، می‌دانند که باید روزه بگیرند.

مناسبت دوم زمانی است که **خطری خاص** در کمین است. از این جهت است که شهروندان اسرائیل، که خطر اسارت در دست دشمنانشان در کمین آنها است، در مشیت و تدبیر الهی به گریستن و ماتم گرفتن خوانده می‌شوند، البته به این فراخوان توجه نمی‌کنند (اشعیا ۲۲: ۱۲-۱۳). اما اهالی نینوا از داوری و هلاکتی که در انتظارشان است می‌ترسند و مشیت الهی را جدی می‌گیرند (یونس ۳: ۴-۹). داوود نیز زمانی که خدا کودک او را به بیماری مبتلا می‌کند روزه می‌گیرد (دوم سمویل ۱۵: ۱۶-۱۷). در واقع، حتی آخاب، زمانی که پیغام گران‌بار ایلیا را درباره‌ی خودش و خانواده‌اش می‌شنود، روزه می‌گیرد (اول پادشاهان ۲۱: ۲۷). شیر که می‌غرد، وحشت می‌کنیم، زمانی هم که خدا دست خود را بلند می‌کند و آماده‌ی ضربه زدن است، وقتش است خودمان را فروتن و خوار و خفیف کنیم.

مناسبت سوم زمانی است که **رحمت و لطف خاص** خداوند در راه است. از این جهت است که دانیال، که آرزو دارد قوم اسرائیل از تبعید در بابل به میهن بازگردند، روزه می‌گیرد (دانیال ۹: ۱-۳). برای ایماندارانی که خالصانه و صادقانه جویا و طالب زندگی خداپسندانه هستند به ندرت پیش می‌آید (شاید اصلاً پیش نیاید) که از خدا پاسخی نگیرند. آنان که خواسته‌ی مشخصی را به پیشگاه تخت فیض خدا می‌برند خواسته‌شان را خدا بی‌درنگ و گاه با تأخیر اجابت می‌کند. چه بسا خدا رحمت‌های خاص را که آدمیان حتی آنها (نیازها و خواسته‌ها) را اصلاً به درگاه خدا تمنا نکرده‌اند در دامن ایشان می‌ریزد. حال آنکه، تدبیر خدا اغلب این‌گونه است که فرزندان او به حضورش بیایند و پیش از آنکه درخواست‌هایشان را برآورده کند، بارها و بارها، به درگاهش تمنا کنند. به خاطر فیض عام است که خدا به آدمیان نعمت می‌بخشد. حال آنکه، همراه با رحمت، گاه، لعنت هم برای آنها از راه می‌رسد. اما فرزندان خدا با امید در مسیر وعده‌های خدا گام برمی‌دارند و علاوه بر اینکه نعمت می‌یابند، در مسیری که گام برمی‌دارند، تقدیس هم می‌گردند.

موارد خاصی که روزه‌داری را واجب می‌کنند

جهت شفاف‌تر شدن موضوع، نمونه‌هایی را در این مورد بررسی می‌کنیم. این نمونه‌ها در اصل به شرایط و موقعیت فردی و خصوصی مربوطند، ولی در چندین مورد می‌توانند در خصوص کلیسا یا همسایه نیز کاربرد داشته باشند. در ادامه، به چندین مورد خاص اشاره می‌کنیم که روزه فردی و خوار نمودن خویش را واجب می‌سازند (وقتی کسی تشخیص می‌دهد شرایطش روزه را براو واجب می‌گرداند).

۱. زمانی که ردپای طولانی گناه و بی‌توجهی و بی‌اعتنایی به گناه روح و جان شخص را آشفته و نابسامان و پریشان و سرگشته می‌گرداند. «ای زنانِ مطمئن، بلرزید و ای دخترانِ ایمن مضطرب شوید. لباس را کنید، برهنه شوید و پلاس بر میان خود ببندید» (اشعیا ۳۲: ۱۱). در چنین مواردی، هشدار و تذکر خدا هشدار و تذکری جدی و قاطع است. «پس، حال، یهوه صباوت چنین می‌گوید: دل خود را به راه‌های خویش مشغول سازید» (حجی ۵: ۱). غافل ماندن از خودآزمایی، زندگی بسیاری را نابود می‌کند. کسانی که در خواب غفلت روحانی به سر می‌برند مانند تاجران نادانی هستند که با ناشی‌گری و بی‌تدبیری شغل و پیشه خود را نابود می‌کنند و کشتی کسب و کار خود را به گل می‌نشانند. اما کسانی که به دام گناه افتاده‌اند باید به خاطر گناهانشان ماتم بگیرند و به سوگ بنشینند، چون نمی‌توان انتظار داشت حسابی را که مدتی طولانی تسویه نشده و معامله‌ای را که پرداخت آن دیرکردی طولانی داشته است در یک چشم به هم زدن تسویه کرد و آن را پرداخت نمود. ای گناهکار سهل‌انگار و سربه‌هوا، دقت کن تا بفهمی چه مانعی میان تو و خدا قرار دارد؟! آیا اگر عمرت تمام شود، آماده‌ی ورود به ابدیت هستی؟ آیا حواست است که روح و جان در چه بدبختی و فلاکتی دست و پا می‌زند؟ آیا حواست

است در گناه و ناراستی تلف می‌شوی؟ مبادا از قافله عقب باشی و روح و جانیت مانند تاکستانی باشد که «بر تمامی آن خارها می‌رویید و خس تمامی روی آن را می‌پوشانید و دیوار سنگی‌اش خراب شده بود» (امثال سلیمان ۳۱:۲۴). بشتاب و روزه بگیر و از خوار نمودن خویشتن غفلت نکن! باغ و بوستانی که عمری است به آن رسیدگی نشده است با یک رسیدگی عادی و باغبانی معمولی و روزمره سامان نمی‌گیرد؛ باید دوباره از اول کار را شروع کنی! باغ و بوستانی که روزانه به آن رسیدگی می‌شود و پیوسته هرس می‌شود کار زیادتری لازم ندارد، ولی چه بسا این در مورد تاکستان شما صادق نباشد که عمری است به آن رسیدگی نشده است.

۲. زمانی که کسی ملزم می‌شود و می‌داند نیازمند اصلاح و تجدید نظر است. در چنین زمانی، بنی اسرائیل روزه گرفتند (نحمیا ۱:۹-۲) و چه ثمره و نتیجه خوبی هم به بار نشست (۲۸:۱۰-۲۹)؛ روزه گرفتن راه بسیار خوب و پسندیده‌ای است که باعث می‌شود کمر همت ببندیم و برای اصلاح و بازایی قدم‌های جدی برداریم، که اگر جز این باشد تلاشی بی‌نتیجه و بی‌فایده خواهد بود. برخی مردم گاه ملزم می‌شوند و دست به دعا بلند می‌کنند و اندک زمانی بعد، دوباره، تب و تاب آنها سرد می‌شود و هیچ‌گاه به مرحله‌ای نمی‌رسند که زندگی خود را از اساس و بنیان اصلاح کنند. بیماری آنها چنان ریشه دوانده است که به آسانی ریشه‌کن نمی‌شود. حال آنکه، اگر حکمت داشته باشند و این ملزم شدن را جدی بگیرند و مدت زمانی را به روزه‌داری و خوار نمودن خویشتن اختصاص دهند، با فیض خدا، در همت و کوشش خود برای اصلاح و بازایی موفق خواهند شد.

۳. زمانی که کسی به خاطر حس تقصیر گناهای زشت و زننده عذاب وجدان دارد. اگر ملت یا امتی برای چنین گناهای عذاب وجدان دارند و احساس تقصیر می‌کنند و این عذاب وجدان و احساس تقصیر باعث می‌شود روزه‌داری ملی را اعلام کنند، آیا فردی که شخصاً به خاطر گناهانش عذاب وجدان و حس تقصیر دارد نباید خودش به تنهایی روزه بگیرد؟ در واقع، در چنین مواردی، خدا آدمیان را می‌خواند که خود را خوار سازند و ناله و گریه کنند (یعقوب ۴:۸-۹). وقتی به بیماری سختی مبتلا می‌شویم، پیگیر درمان آن می‌شویم. به همین نسبت، تقصیر گناهی که وجدان ما را داغ می‌کند نیازمند خوار و ذلیل نمودن خویشتن است، همانند داوود (مزمور ۵۱)، همانند پطرس (متی ۲۶:۷۵). چه بسا دنیا و اطرافیان ما این حس تقصیر و گناه را که روح را زخمی می‌کند و جان را نیش می‌زند و وجدان را آلوده می‌کند و عذاب می‌دهد در ما به چشم نبینند، اما خدا شاهد گناهان پنهان است، حتی شاهد گناهای است که در دل ما اتفاق می‌افتد. از این رو، کسی که وجدان حساسی دارد از چنین گناهای دل‌آشوب می‌شود، حتی اگر آن گناهان از چشم دنیا پنهان باشند.

۴. زمانی که کسی شاد و مسرور است تا از تله‌ای که اغلب او را در دام می‌اندازد آزاد شود و بر شهوتی که مدام بر او سلطه دارد پیروز گردد. بسیاری از مردم صاحب خصوصیت‌های فراوانی هستند که باعث می‌شود دیگران از آنها به نیکونامی یاد کنند. اما آنها یک چیز را ندارند و همین کمبود یک چیز سد راهی است برای ورود آنها به بهشت که کل اعمال نیک آنها را کدر می‌کند و از جلا می‌اندازد (مرقس ۱۰:۲۱). مردم اغلب می‌کوشند اشتباهات خود را رفع کنند و دیگران آنها را تکرار نکنند. اما، هرگاه با وسوسه‌ای تازه روبه‌رو می‌شوند و شیطان به نقطه ضعف آنها حمله می‌کند، همه تصمیم‌ها و راه‌ها و چاره‌ها را در یک لحظه به باد فراموشی می‌سپارند. مانند ستونی که زیر بار سنگینی که توان تحملش را ندارد می‌شکند، آنها هم دوباره سخت و محکم در دام گرفتار می‌شوند. دوستان عزیز، این جنس جزبه دعا و روزه بیرون نمی‌رود (متی ۱۷:۲۱)؛ بنابراین، به خاطر این دام و تله مخصوص، زمانی را به روزه فردی و خوار نمودن خویشتن اختصاص دهید و درباره این موضوع، در دعا، به اصطلاح با خدا کشتی بگیرید. آن قدر این کار را تکرار کنید تا بر آن دام یا تله چیره شوید. اگر دست روی دست بگذارید، همین یک غفلت شما را نابود می‌کند و شما به خاطرش محکوم خواهید شد، نه به سبب آنکه توانایی غلبه بر آن را نداشتید، بلکه چون به چاره‌ای که خدا برای آزاد شدن از آن دام مقرر نموده است بی‌اعتنا بودید.

۵. زمانی که کسی که به حال خودش رها شده است از این رها شدن بی‌خبر است. منظورم این است که گاه خداوند از یک نفر رویگردان می‌شود و برکت‌های آسمانی را از او دریغ می‌کند، اما او، که از لحاظ روحانی مرده است، نه می‌فهمد خدا او را ترک کرده و نه اصلاً درد این جدایی را احساس می‌کند. این موقعیت همسری است که کتاب غزل‌های سلیمان ۱:۳ آن را توصیف می‌کند: «شبانگاه، در بستر خود او را که جانم دوست می‌دارد طلبیدم. او را جستجو کردم، اما نیافتم.» اما او برمی‌خیزد و از هیچ تلاشی برای بازگرداندن همسرش دریغ نمی‌کند (آیات ۲-۴)! بسیاری در این موقعیت قرار دارند: خدا از آنها روی تافته است، برکت‌های آسمانی نسبت به گذشته بسیار کمتر و چه بسا نایاب شده است، توانی در آنها نمانده و در حال عقب‌گرد هستند. هرچند هنوز هر از گاه تکان می‌خورند و حرکتی می‌کنند، ولی گویی یک عمر است محبوبشان به آنها گوشه‌چشمی نظر نکرده و با خدا مشارکتی نداشته‌اند. آه! پس بشتابید و برای اصلاح این رابطه دعا کنید! قوم اسرائیل نیز پس از آنکه سال‌ها خداوند از آنها روی تافته بود و آنها هم درد این جدایی را چندان احساس نکرده بودند، به سوگ می‌نشینند و در پی خداوند می‌روند (اول سموئیل ۷:۲، ۶). برای جبران خسارتی که یک شخص بیکار و بی‌عار به بار آورده باید سخت تلاش کرد و عرق ریخت، مانند ساختمانی متروکه که فقط خرابه‌ای از آن باقی مانده است. فیض اصیل و راستین هرگز کاملاً از بین نمی‌رود، ولی این فیض می‌تواند تحلیل برود.

۶. زمانی که کسی که به حال خودش رها شده است از این رها شدن باخبر است. منظورم این است که گاه خداوند از یک نفر رویگردان می‌شود و برکت‌های آسمانی را از او دریغ می‌کند، اما، وقتی می‌فهمد خداوند ترکش کرده است، این رویگردانی به شدت در او تأثیر می‌گذارد. او نیش این جدایی را احساس می‌کند. «اما صهیون می‌گوید: یهوه مرا ترک نموده و خداوند مرا فراموش کرده است» (اشعیا ۴۹:۱۴). هرچند خیلی دردناک است، اما، دست‌کم، برای این شخص امید بیشتری وجود دارد نسبت به کسی که اصلاً نمی‌فهمد خدا او را ترک کرده است. «روح انسان بیماری او را متحمل می‌شود، اما روح شکسته را کیست که متحمل آن بشود؟» (امثال سلیمان ۱۸:۱۴). این درد چنان عظیم و غم‌انگیز است که روح و روان را به شدت آزار می‌دهد، «مثل زن مهجور و رنجیده‌دل» (اشعیا ۵۴:۶). کسی که خدا این چنین از او روی گردانده است خشم را در چهره خدا می‌بیند و می‌داند که روز و روزگارش را با غضب خدا که بر زندگی‌اش سنگینی می‌کند می‌گذراند (مزمور ۷۸:۸-۸). حال و هوا و حس و حالش به او می‌گویند: «دعای تو منع می‌شود! این خوف و وحشت تو را هلاک می‌کند!» (مراثی ارمیا ۳:۸؛ مزمور ۸۸:۱۵-۱۶). در چنین تنگنایی، کسی که هشیار و بیدار است نمی‌تواند خویشتن‌دار بماند: «ماتم‌کنان، بی‌آفتاب گردش می‌کنم و در جماعت برخاسته، تضرع می‌نمایم» (ایوب ۳۰:۲۸). کسی که از این رها شدن باخبر است، در هر صورت، با ترس و لرز، پیگیر وضعیت خود خواهد بود، همانند تجربه آن محبوبه در کتاب غزل‌های سلیمان ۷:۳-۵. اینجا نیازی شدید به روزه‌داری و خوار نمودن خویشتن احساس می‌شود: «ولکن ایامی می‌آید که داماد از ایشان گرفته شود. در آن هنگام، روزه خواهند داشت» (متی ۱۵:۹).

۷. زمانی که مصیبتی گریبانگیر کسی می‌شود، خواه با مشکل جسمانی دست و پنجه نرم می‌کند، خواه در رابطه‌هایش دچار مشکل است، خواه نام و شهرت و موقعیتش در خطر است، یا سایر موارد. «آن‌گاه، ایوب برخاسته، جامه خود را درید و سر خود را تراشید و به زمین افتاده، سجده کرد» (ایوب ۱:۲۰). زانوان داوود «از روزه داشتن می‌لرزد» (مزمور ۱۰۹:۲۴). وقتی مصیبتی از راه می‌رسد، وقت دعا و روزه است. اغلب، خداوند زندگی قومش را به سختی یا مصیبتی دچار می‌کند که آنها را از خواب غفلت بیدار کند تا بفهمند در انجام تکلیفشان کوتاهی کرده‌اند، تا اهمیت تکلیفشان را به آنها نشان دهد. «در حضور خدا فروتنی کنید تا شما را سرافراز فرماید» (یعقوب ۴:۱۰). این‌گونه است که سختی و مصیبت یک نفر را تقدیس می‌کند و (وقتش که برسد) از زندگی‌اش رخت می‌بندد. از این‌رو، باید حواسمان باشد مانند کسانی باشیم که وقتی خدا سختی و مصیبتی را در زندگی‌شان می‌آورد، باز هم، به درگاه خدا نمی‌روند و در پیشگاهش ناله و زاری نمی‌کنند. برعکس، ما باید از خادمان بنهد پیاموزیم که وقتی در نبرد شکست می‌خورند، بر کمر خود پلاس می‌بندند، خود را فروتن می‌کنند، و نزد پادشاه اسرائیل، که آنها را شکست داده بود، می‌روند (اول پادشاهان ۳۱:۲۰).

۸. زمانی که در مشیت الهی سختی و مصیبت گریبانگیر کسی می‌شود. این نهایت سنگ‌دلی و سخت‌دلی زننده و مضمئزکننده است که حتی زمانی که خداوند دستش را بر ضد ما بلند می‌کند، نسبت به آن بی‌توجه و بی‌اعتنا هستیم. مزمورنویس، که مردی است صاحب روحی والا، می‌گوید: «موی بدن من از خوف تو برخاسته است و از داوری‌های تو ترسیدم» (مزمور ۱۱۹: ۱۲۰). شاید یک شجاع‌دل از رویارویی با انسان خوف به دلش راه ندهد، ولی، زمانی که با خدا روبه‌رو می‌شود، هر دلیری و شجاعت از روح و جان‌ش رخت می‌بندد. به این دلیل، وقتی خداوند به خاطر ننگ و بی‌آبرویی داوود از او خشمگین می‌شود و کودکش را به بیماری مبتلا می‌کند، داوود تصمیم می‌گیرد روزه بگیرد و به خاطر نجات جان فرزندش خویشتن را در حضور خداوند فروتن کند (دوم سموئیل ۱۲: ۱۶، ۲۲).

۹. زمانی که کسی در مورد موضوع خاص و مهمی نیازمند شفافیت و راهنمایی است. این واقعیت غم‌انگیزی است که کسانی که معترفند به مشیت الهی در زندگی آدمیان اعتقاد دارند، اغلب، تقلا می‌کنند بار مسایل و مشکلات را خودشان به تنهایی به دوش بگیرند و به حکمت و دانایی خودشان اعتماد کنند، بی‌آنکه به خدا تکیه و توکل داشته باشند. این اقدام فقط یک هدف را نشان می‌دهد که همانا راضی نگه داشتن خویشتن است، نه خشنودی خدای خود، گویی خواسته یا منفعت یا آسایش و راحتی خویشتن عامل اصلی در تصمیم‌گیری‌های آدمیان است، نه وجدان آنها. با چنین تکبر و غروری، حتی باحکمت‌ترین اشخاص نیز گاه اشتباهات احمقانه‌ای مرتکب می‌شوند، رفتار جاهلان‌ه‌ای از خود نشان می‌دهند، و برای تصمیم‌های شتاب‌زده و بی‌ملاحظه خود چاره‌ای جز خشم و برآشفتگی خدا باقی نمی‌گذارند. زمانی که یوشع و سروران قوم اسرائیل با جبّعونیان عهد می‌بندند، به استدلال و ارزیابی خودشان تکیه می‌کنند، نه به ایمانشان، و چه بیهوده گمان می‌کنند می‌توانند به چشم‌های خودشان و به آنچه می‌بینند اعتماد کنند: «از توشه ایشان گرفتند و از دهان خداوند مشورت نکردند» (یوشع ۹: ۱۴). در نتیجه، جبّعونیان با حيله و نیرنگ از آنها سوءاستفاده می‌کنند و یوشع زمانی به واقعیت پی می‌برد که دیگر دیر است (آیه ۲۲). ما حکم و وعده‌ای الهی در دست داریم که هم در مسایل دنیوی و هم در مسایل روحانی کارآمد است: «به تمامی دل خود بر خداوند توکل نما و بر عقل خود تکیه مکن. در همه راه‌های خود او را بشناس و او طریق‌هایت را راست خواهد گردانید» (امثال سلیمان ۳: ۵-۶). این حکم، مستقیم، به وابستگی کامل ما، که مخلوقیم، به خدا، که خالقمان است، ربط دارد. بنابراین، ما باید برای انجام هر کاری خدا را هادی خودمان بدانیم و کل کارها و اقدام‌ها را در مسیری که خدا ما را به وسیله کلامش و مشیت خویش هدایت می‌کند پیش ببریم. نظر به اینکه خدا وعده داده است «تو را حکمت خواهیم آموخت و به راهی که باید رفت ارشاد خواهیم نمود و تو را به چشم خود که بر تو است نصیحت خواهیم فرمود» (مزمور ۳۲: ۸)، تردید نداریم تکلیف ما این است که «خداوند را همیشه پیش‌روی خود» بداریم (مزمور ۸: ۱۶). هدایت الهی باید راهنمای ما باشد که بدانیم در مسیری قدم برداریم یا نه. اسرائیلیان نیز در بیابان با هدایت ستون ابر یا آتش حرکت و توقف می‌کردند (اعداد ۹: ۱۵-۲۳). گاه، ممکن است با شرایطی روبه‌رو شویم که به ما مجال ندهد محفل دعا تشکیل دهیم و از خدا حکمت بخواهیم، با این حال، در هر شرایط و هر موقعیتی که باشیم، همواره می‌توانیم چشمان خود را به سوی خدا برافرازیم و به درگاهش دعا کنیم و از او هدایت بخواهیم. نحما نیز چنین کرد (نحما ۲: ۴-۵). ما در خصوص این‌گونه دعا کردن وعده‌ای تسلی‌بخش در دست داریم، وعده‌ای که در تجربه مقدسانی که جوای هدایت الهی هستند تأیید شده است: «چون در راه بروی، قدم‌های تو تنگ نخواهد شد و چون بدوی، لغزش نخواهی خورد» (امثال سلیمان ۴: ۱۲). با این حال، ایمانداران به مسیح باید خودشان را تربیت کنند، که اگر شرایط مهیا است، مسایل و مشکلاتشان را در محفل دعا به حضور خداوند ببرند و برای شفاف شدن موضوع از خداوند هدایت بخواهند. خادم پارسای ابراهیم در خصوص تکلیفی که اربابش به او سپرده بود همین قدم را برمی‌دارد (پیدایش ۲۴: ۱۲-۱۴) و تحقق این وعده را به زیباترین شکل به چشم خود می‌بیند: «چون در راه بروی، قدم‌های تو تنگ نخواهد شد.» زمانی که موضوعی اهمیت خاص و ویژه‌ای دارد، برای نمونه، وقتی قرار است تغییر بزرگی در زندگی‌مان ایجاد شود یا برای شغل‌مان یا داد و ستد‌مان یا سایر موضوعات مشابه باید تصمیم مهمی بگیریم، آن‌زمان است که یک ایماندار جدی با روزه گرفتن دست به دعا بلند می‌کند و از خداوند، پدر نورها، حکمت و شفافیت درخواست می‌نماید تا درک کند خداوند از او چه

می‌خواهد. اسیرانی که همراه با عزرا از بابل بازمی‌گشتند، در کنارۀ نهر آهوا، در حضور خداوند روزه می‌گیرند تا برای راه راست از خدا هدایت بطلبند (عزرا ۸: ۲۱).

۱۰. زمانی که خدا کسی را در مورد موضوع خاصی هدایت می‌کند و آن شخص باید در آن مسیر پیش برود. در چنین وقتی، باید قبول کنیم اگر می‌خواهیم در مسیری که پیش گرفته‌ایم به مقصد برسیم، باید حضور خدا با ما باشد. از این جهت است که استر، زمانی که آماده می‌شود به حضور پادشاه برود و درخواست خود را برای قومش مطرح کند، همراه با یهودیان ساکن در شوش محفل روزه تشکیل می‌دهد (استر ۴: ۸، ۱۶). بارنابا و شائول، که خدا آنها را برای رسالتی ویژه انتخاب می‌کند، پس از روزه و دعا، برای خدمت فرستاده می‌شوند (اعمال رسولان ۱۳: ۲-۳). ما به هدایت خداوند احتیاج داریم تا بدانیم در هر موردی چه تکلیف و رسالتی بر دوش داریم. حال آنکه، زمانی هم که خدا ما را هدایت می‌کند، به حضور خداوند احتیاج داریم که با ما همراه باشد تا بتوانیم در راهی که او ما را در راستی و عدالت هدایت می‌کند قدم بگذاریم. به این دلیل، موسی دعا می‌کند: «هرگاه روی تو نیاید، ما را از اینجا مبر» (خروج ۳۳: ۱۵). گناه همه چیز را برای ما نجس کرده است. هر اتفاق فرخنده‌ای در این دنیا که در چشم ما نویدبخش و امیدوارکننده به نظر برسد، اگر حضور خدا با ما نباشد و اگر برکت تقدیس‌گرا و همراهمان نباشد، نتیجه‌اش گرفتاری و در دام افتادن ما است.

۱۱. زمانی که کسی در آستانۀ سختی و تنگنای بسیار دشوار است و این خطر وجود دارد که در دام گناه گرفتار شود یا آسیب ببیند. در چنین موقعیتی است که شهروندان شوش روزه می‌گیرند، چرا که جان استر که قصد داشت «نزد پادشاه به صحن اندرونی، بی‌اجازه، داخل شود» در خطر بود (استر ۴: ۱۱، ۱۶). یک کشتی، که در تندباد حرکت می‌کند، باید با مهارت هدایت شود و تعادلش را به درستی حفظ کند؛ یک ایماندار، که در تندباد سختی‌ها پیش می‌رود و احتمال گرفتار شدنش بسیار است، باید در دعا و روزه از خدا هدایت بخواهد تا مطمئن شود راهش امن و هموار است. کسانی که در چنین زمان‌هایی به خودشان تکیه می‌کنند شک نداشته باشند که حتماً خودشان را در دام گرفتار می‌کنند.

۱۲. زمانی که کسی مشتاق است در محفلی خاص به حضور خدا برود، لازم است برای این ملاقات تهیه و تدارکی خاص ببیند و خودش را آماده کند. از این جهت است که یعقوب از خانواده‌اش می‌خواهد برای رفتن به حضور خداوند در بیت‌ئیل توبه و خودشان را آماده کنند (پیدایش ۳۵: ۲-۳). در آن مناسبت رسمی، به هنگام عطای شریعت در کوه سینا، از اسرائیلیان خواسته می‌شود خود را آماده کنند (خروج ۱۹: ۱۰-۱۱، ۱۵). این نکته نیز شایان توجه است که هرچند عید خیمه‌ها شادترین عید یهودیان در کل سال به حساب می‌آمد، مناسبتی بود که باید بنا بر حکم خدا همواره قبل از آن محفل روزه را برگزار می‌کردند (لاویان ۲۳: ۲۷، ۳۴). حال آنکه، در محفل فیض، آن کسانی سرافراز می‌شوند که بیش از همه خودشان را فروتن می‌کنند (اشعیا ۴۰: ۴؛ لوقا ۱۴: ۱۸؛ یعقوب ۴: ۱۰).

با توجه به همه این حقایق، هر ایماندار باید مجهز باشد تا بتواند تشخیص دهد چه زمانی مشیت الهی او را به روزه فردی و خوار نمودن خویشتن فرا می‌خواند.

پرسش جهت مرور متن

۱. چگونه روزه گرفتن می‌تواند نشانه‌ی ابراز محبت خداپسندانه به همسایه باشد؟ چگونه مشارکت با سایر ایمانداران می‌تواند کوششی در این زمینه به حساب آید؟

فراخوان مشیت الهی به روزه فردی و خوار کردن خویشتن

۲. سه مناسبت کلی را که توماس بوستون روزه گرفتن و خوار نمودن خویشتن را برای آن واجب می‌داند نام ببرید و در مورد هر یک از آنها مختصر توضیح دهید.

۳. در میان مواردی که توماس بوستون نام می‌برد، کدام یک را شخصاً تجربه کرده‌اید؟ آیا در حال حاضر چنین تجربه‌ای دارید؟ با توجه به همه آنچه در مورد این انضباط روحانی یاد گرفته‌اید، به طور خلاصه توضیح دهید، در شرایط و موقعیت خاصی که با آن روبه‌رو بوده یا در حال حاضر درگیر آن هستید، چگونه روزه گرفتن می‌تواند کمک حال یا ارزشمند باشد؟

HeartCry

MISSIONARY SOCIETY

سازمان خدمات مسیحی HeartCry (ندای دل) در یک نگاه:

این سازمان در سال ۱۹۸۸ در کشور پرو با این شور و اشتیاق قدم به عرصه وجود نهاد که به کمک مبشران بومی یا محلی بیاید تا آنها بتوانند به هموطنان خود بشارت دهند و کلیساهایی را پایه‌گذاری نمایند که شالوده‌شان بر کتاب مقدس استوار باشد. از آن زمان تاکنون، خداوند مرزهای خدمت ما را گسترش داده است تا علاوه بر آمریکای لاتین در آفریقا، آسیا، اروپا، خاورمیانه، و آمریکای شمالی نیز به خدمات بشارتی مشغول باشیم.

هدف خدمت ما این است که در گوشه و کنار جهان راهگشای پیشرفت خدمت مبشران بومی و محلی باشیم. خط‌مشی خدمت ما از چهار بخش تشکیل یافته است: پشتیبانی مالی، تعلیم و آموزش الهیات، پخش کتاب مقدس و نشر ادبیات مسیحی، فراهم نمودن هرا ابزار و وسیله‌ای که در به انجام رساندن آن «مأموریت عظیم» لازم و ضروری می‌باشد.

در حال حاضر، بیش از دویست و پنجاه مبشر را به همراه خانواده‌هایشان در بیش از چهل کشور در سراسر جهان یاری و پشتیبانی می‌نماییم.

معرفی سازمان HeartCry (ندای دل)

این سازمان جهت پیشبرد چهار هدف اصلی پایه‌گذاری گشت و همچنان در راستای این چهار هدف مشغول به کار است:

- جلال خدا
- سودمندی انسان
- پایه‌گذاری کلیساهایی که شالوده‌شان بر کتاب مقدس بنا است
- نشان دادن امانت و وفاداری خدا

۱. جلال خدا

نخستین هدف اصلی ما جلال خدا است. بیشترین دغدغه ما این است که نام خدا در میان امت‌ها عظیم باشد، از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب (ملاکی ۱: ۱۱) و آن بزه که ذبح گردید برای رنج‌هایش پاداش عالی گیرد (مکاشفه ۷: ۹-۱۰). آرمان و انگیزه ما به انسان یا نیازهای انسان وابسته نیست، بلکه به خدا و به تعهدش به جلال خویش متکی است. اشتیاق خدادادی ما این است که شاهد باشیم مردمان از هرامت و قبیله و قوم و زبان خدای حقیقی را می‌پرستند. ما صرفاً به توانایی کلیسا دل نبسته‌ایم

که آن «مأموریت عظیم» را به انجام رساند، بلکه یقین و اطمینان ما به قدرت نامحدود خدا است که کسی جلودارش نیست و قادر است همه آنچه مقدر نموده است به انجام برساند.

۲. سودمندی انسان

دومین هدف اصلی ما نجات انسان‌ها است که گمشده و رهسپار مرگ ابدی هستند. ایمانداری که واقعاً برای جلال خدا شور و شوق دارد و از اقتدار و حاکمیت خدا خاطر جمع است نمی‌تواند نسبت به میلیاردها انسان در گوشه و کنار جهان که هنوز پیغام انجیل عیسی مسیح را نشنیده‌اند بی‌تفاوت باشد. اگر به راستی شبیه مسیح هستیم، مشاهده انبوه مردمان گمشده دلمان را به رحم می‌آورد (متی ۹: ۳۶)، حتی ما را محزون می‌گرداند و غم و اندوه گمشدگان یک لحظه رهایمان نمی‌کند (رومیان ۲: ۹). اگر مایل نیستیم با همه توانمان مسیح را به امت‌ها بشارت دهیم و حاضر نیستیم همه چیز را به خاطر برگزیدگان خدا تحمل نماییم (دوم تیموتائوس ۲: ۱۰)، اصالت ایمانمان باید زیر سوال برود.

۳. پایه‌گذاری کلیساهای محلی

سومین هدف اصلی ما پایه‌گذاری کلیساهایی است که شالوده‌شان بر کتاب مقدس بنا می‌باشد. هرچند می‌دانیم نیازهای آدمیزاد بسیار است و رنج‌ها و دشواری‌هایش گوناگون، باور داریم ریشه همه مشکلات یک سرمنشأ دارد: تباهی دل انسان از اساس و بنیان، دشمنی او با خدا، نپذیرفتن حقیقت. بنابراین، ما برای باوریم که بالاترین خیر و صلاح و منفعت انسان این است که پیغام انجیل به او بشارت داده شود و کلیساهایی محلی پایه‌گذاری شوند که رأی و حکم کامل و بی‌نقص خدا را اعلام نمایند و بر مبنای احکام، فرمان‌ها، و حکمت کلام خدا خدمت نمایند. انجام چنین خدمتی به زور بازوی انسان امکان‌پذیر نیست، بلکه باید تدبیر و مشیت خدا از عالم بالا وارد عمل گردد و با روش‌ها و طریق‌هایی که خودش تعیین نموده است این خدمت به انجام رسد: موعظه بر اساس کتاب مقدس، دعا و شفاعت، خدمت ایثارگرانه، محبت نامشروط، و به واقع شبیه بودن به مسیح.

۴. نشان دادن امانت و وفاداری خدا

چهارمین و آخرین هدف اصلی سازمان ما این است که به قوم خدا نشان دهیم خدا به راستی قادر و مایل است همه نیازهای ما را بنا بر دولت خود در جلال برطرف نماید. نیازهای این خدمت با دعا برآورده می‌شوند. ما به دنبال آن نیستیم که با بزرگ و مهم جلوه دادن خودمان، با برانگیختن احساسات برادران و خواهرانمان در مسیح، و با بازارگرمی برای خودمان پشتوانه مالی بسازیم. اگر این خدمت متعلق به خداوند است، خودش هم پشتیبان ما است. اگر خداوند با ما است، قوم خود را هدایت می‌نماید تا هدیه دهند و خدمت ما رونق یابد. اگر خداوند با ما نیست، موفق نخواهیم بود و نباید هم موفق باشیم. در حقیقت، در همه این سال‌ها ایمان ما همواره کم‌جان و زودشکن بوده است، اما خدا همواره امین بوده است. برادر عزیز می‌گوید: خدای ما خشنود و مسرور است که حتی کوچک‌ترین ذره یقین فرزندانش را برکت بخشد.

رسالت

ما، ایمانداران به مسیح، خوانده شده‌ایم، به ما حکم شده است، و این رسالت بر دوش ما قرار گرفته است که جان خود را بنهیم تا انجیل به تک‌تک مخلوقات در زیر این گنبد کبود موعظه شود. پس از دوست داشتن خدا، این رسالت باید اصلی‌ترین دل‌مشغولی ما باشد. اگر قرار به جانفشانی باشد، چه وظیفه‌ای از این والاتر و شرافتمندتر که برای شناساندن جلال خدا جان بنهیم! برای اعلام جلال خدا در رستگاری انسان‌ها، به وسیله موعظه انجیل عیسی مسیح. اگر ایماندار به مسیح به راستی

مطیع آن «مأموریت عظیم» است، یا جان فدا می‌کند و خودش به داخل معدن می‌رود یا طناب را نگاه می‌دارد تا دیگران داخل شوند (ویلیام کری). در هر دو حالت، شرطش سرسپردگی و تعهدی بنیادین و ریشه‌دار است.

جهت اطلاعات بیشتر:

جهت اطلاعات بیشتر درباره خدمت ما - هدف ما، باور ما، و راه و روش‌های ما - و اطلاعات بیشتر درباره خدمات بشارتی و مبشرانی که افتخار خدمت به آنها را داریم، از این تارنما دیدن نمایید:

www.heartcrymissionary.com

شالوده‌های ایمان مسیحی بر پایه کتاب مقدس

پایه‌گذاری اصول و قواعدی بر مبنای کتاب مقدس که باید بر آنها استوار باشیم

«این کتاب را دعاگویان مطالعه کنید، این کتاب را با دقت و با حواسی جمع در زندگی‌تان به کار بگیرید، و بر مبنای این کتاب، با همه وجودتان، برای جلال مسیح زندگی کنید. محال است این کتاب را بدین شکل بخوانید و روح و جانتان از آن برکت نگیرد.»

- جف پولارد، شبان کلیسای کوه صهیون و سردبیر فصل نامه Free Grace Broadcaster

چقدر خوب است که قوم خدا همچنان مطالعه کتاب مقدس و دعا را انضباطی اساسی و زیربنایی برای زندگی مسیحی به حساب می‌آورند و کسانی را که به این انضباط‌ها امین و پایبند هستند اشخاصی با حکمت و شریف می‌دانند. اما جای بسی تأسف است که بسیاری از مسیحیان در این دوره و زمانه در مورد روزه‌داری دیدگاه بسیار اشتباهی دارند: روزه‌داری را سنتی بازمانده از گذشته می‌دانند که فقط مسیحیان نخبه و دستچین‌توانایی به جای آوردن آن را دارند! یا (از همه بدتر اینکه) روزه‌داری را به چشم یک رسم و سنت زیان‌بار نگاه می‌کنند که فقط متعصبان و افراطیان مذهبی، که معتقدند بی‌اعتنایی به بدنمان تنها مسیر رسیدن به قدوسیت واقعی است، به آن علاقه دارند.

کتاب درک انضباط روزه‌داری، با تکیه بر کلام خدا، بر دیدگاه‌های زیان‌بار درباره روزه‌داری خط باطل می‌کشد و به دانش‌آموزان کتاب مقدس نشان می‌دهد این انضباط روحانی عالی و بی‌نظیر چقدر مفید و مددکار است! خواسته دل نویسنده این بوده است که منبعی تهیه نماید تا خوانندگان را به سوی کتاب مقدس راهنمایی نماید، تا کلام خدا سخن گوید و بس. هدف اصلی این کتاب چیزی جز این نمی‌باشد که شاگردان کتاب مقدس به وسیله کلام خدا با خدا روبه‌رو شوند. این کتاب به شکلی طراحی شده است که واقعاً محال است شاگردان بتوانند با کتاب مقدس بسته در مطالعه این کتاب پیش روند.

انضباط روزه‌داری، که انضباطی تقریباً فراموش شده است، رسم و آیینی است بسیار مفید و سودمند که متأسفانه نوشته‌ها و آثار ادبی اندکی درباره آن وجود دارد و در عوض یک دنیا سوء تعبیر و سوء برداشت و اطلاعات اشتباه درباره آن موجود است. در این کتاب، که یکی دیگر از مجموعه کتاب‌ها در زمینه شالوده‌های ایمان مسیحی بر پایه کتاب مقدس است، پل واشردانش‌آموزان کتاب مقدس را بارها و بارها به کتاب مقدس هدایت می‌کند تا چنین دیدگاه‌های اشتباهی را بر ملا کند و قوم خدا را یاری برساند تا انضباط روزه‌داری و جایگاه درست آن را در زندگی مسیحی درک نمایند. همچنین، در پایان این کتاب، نوشته کوتاه و مختصری به زبان امروزی از الهیدان اهل اسکاتلند، توماس بوستون، در مورد «روزه‌داری و خوار کردن خویش» نقل شده است.

پل دیوید واشرمدت ده سال در کشور پرو به خدمت بشارتی مشغول بود. در آن مدت، با تأسیس سازمان خدمات بشارتی HeartCry Missionary Society با پایه‌گذاری و بنای کلیساها در کشور پرو حامی و پشتیبان خدمت کلیساهای محلی گشت. در حال حاضر، پل واشرمدت سرپرست خدمات بشارتی این سازمان می‌باشد (heartcrymissionary.com). خدا این سازمان را برکت داده است تا مبشران را در پیش از چهل کشور در گوشه و کنار جهان حمایت و پشتیبانی نمایند. پل واشر و همسرش، چارو، صاحب چهار فرزند می‌باشند، به نام‌های: ای‌آن، ایوان، رووان، بران‌وین.

